

احوال پیامبر
صلی اللہ علیہ
والہ وسلم

در حج

تألیف:

فیصل بعدانی

ترجمہ:

قریب اللہ مطیع

احوال پیامبر ﷺ در حج	عنوان کتاب:
احوال النبی صلی الله علیه و سلم فی الحج	عنوان اصلی:
فیصل بعدانی	تألیف:
قریب الله مطیع	ترجمه:
فقه و اصول - احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج)	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری	تاریخ انتشار:
	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ
تقریظ به قلم عالم فاضل دکتر عبدالرحمن المحمود	١
پیشگفتار	٧
مقدمه مؤلف	٩
فصل اول: احوال پیامبر ﷺ با پروردگارشان در حج	١٣
١- پیامبر اکرم ﷺ در زمینه توحید و یگانه پرستی خداوند ﷻ، توجه جدی بخرج داده آن را محقق ساختند:	١٤
٢- تعظیم مشاعر و مراسم (مناسک) دینی	١٧
٣- اظهار بیزاری از مشرکان و تصمیم مخالفت با آنان	٢٦
٤- دعا و نیایش و اظهار عاجزی پیامبر خدا ﷺ در برابر پروردگار ﷻ:	٣٢
٥- خشم و غضب بخاطر خداوند ﷻ و باز ایستادن در حریم ارزش‌های شرعی	٣٥
٦- فروتنی، آرامش و وقار	٣٨
٧- خیرخواهی و پیشبردن آن	٤٠
٨- اعتدال و میانه روی در کارها	٤٤
٩- زهد و بی‌میلی آنحضرتص به دنیا	٤٦
فصل دوم: احوال پیامبر خدا ﷺ با خانواده و اقارب ایشان در حج	٥٣
١- آموزش احکام حج به آنان	٥٤
٢- به کار گماشتن خانواده در امور حج قبل از عزیمت	٥٦
٣- حرص و تلاش بر رفع مسؤولیت در برابر افراد خانواده	٥٦
٤- تشویق آنان بر انجام امور خیر	٥٨
٥- طلب یاری و کمک از آنان	٦٠

- ۶- حمایت و نگهداری آن‌ها از فتنه‌ها..... ۶۱
- ۷- بازداشتن آن‌ها از منکرات و زشتی‌ها ۶۵
- ۸- نرمی و مهربانی و آسانی بر آنان ۶۶
- ۹- صبر و حوصله آنحضرت ﷺ در برابر اهل و اقارب‌شان..... ۶۸
- ۱۰- مراعات احوال و یاری دادن آن‌ها..... ۷۰
- ۱۱- لطف و مهربانی و خوش رفتاری پیامبر اکرم ﷺ با آنان..... ۷۱
- ۱۲- احسان و نیکی با آنان ۷۳
- ۱۳- حمایت و پاسداری از حقوق آنان ۷۴

فصل سوم: احوال پیامبر ﷺ در حج با امت‌شان ۷۷

- ۱- تعلیم امت ۷۷
- *- آموزش احکام و آداب مناسک حج: ۸۲
- ۲- فتوا: ۸۴
- ۳- پند و نصیحت ۹۰
- ۴- پرورش امت بر پیروی شریعت و فراگیری احکام آن از یک مصدر ۹۹
- ۵- سعی پیامبر اکرم ﷺ بر یکپارچگی امت و هشدار از ایجاد تفرقه ۱۰۷
- ۶- رهبری کامیاب و برخورد و معامله نیک با مردم ۱۱۲
- أ- آنحضرت ﷺ الگو و قدوه حسنه بودند: ۱۱۲
- ب- آنحضرت ﷺ به انجام کارهای نیک فرمان می‌دادند و از منکرات نهی می‌نمودند: ۱۱۵
- ج- تواضع و فروتنی پیامبر اکرم ﷺ با مردم: ۱۱۹
- د- شفقت و مهربانی پیامبر اکرم ﷺ نسبت به مردم: ۱۲۱
- ه- نیکی و احسان پیامبر اکرم ﷺ به مردم: ۱۲۴
- و- صبر و شکیبایی پیامبر اکرم ﷺ در برابر مردم: ۱۲۸
- ز- نرمی و ملایمت پیامبر اکرم ﷺ با مردم: ۱۳۱
- ح- برخی دیگر از اموری که پیامبر اکرم ﷺ در رهبری مردم آن را مراعات می‌نمودند: ۱۳۷

و در خاتمه ۱۴۷

تقریظ به قلم عالم فاضل دکتر عبدالرحمن المحمود

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی اشرف الأنبیاء والمرسلین، نبینا محمد
وعلی آله وصحبه اجمین وبعد:

حج یکی از بناهای بزرگ و ارجمند پنجگانه اسلام بشمار می‌رود، مسلمانان سالانه چشم براه این موسم عظیم بوده باشوق و شور و علاقه بسیار آن را پذیرایی می‌نمایند، تا بتوانند طاعت و عبادت خداوند ﷻ را در روزهای محدود و زودگذر این موسم جلیل القدر، با سایر مسلمانانی که از سرزمین‌های دور و نزدیک حضور یافته‌اند، گرد کعبه مشرفه، با شور و شوق فراوان به بیت عتیق، سپری نمایند، شکی نیست که در این روزهای پر فیض هر مسلمانی در هر جای دنیا با شوق فراوان آرزو می‌کند که ای کاش من هم مشغول ادای این فریضه بزرگ می‌بودم، و کاش اینک در این مراسم مقدس حضور می‌داشتم، کاش چشمم به بیت عتیق می‌افتاد که به شدت آن را دوست می‌دارم. زیرا همه مسلمانان جهان با بیت الله الحرام رابطه عمیق و پیوند ناگسستنی دارند.

کتب و تألیفات بسیاری در رابطه به این رکن عظیم و احکام آن با حجم‌های متفاوت و روش‌های مختلف نگاشته شده که همه مورد استفاده مسلمانان قرار گرفته است و ما از خداوند ﷻ برای خدمت‌گذاران علم و دانش پاداش بی‌شماری استدعا داریم.

اما این رساله ارزشمند که برادر عزیز ما استاد فیصل بن علی البعدانی آن را تهیه و ترتیب نموده و بنام «احوال النبی ﷺ در حج» نامگذاری نموده است، با سایر کتاب‌های تألیف شده درباره حج تفاوت و امتیاز دارد که می‌توان مزیت و برتری این کتاب ارزشمند و پر منفعت را در نکات ذیل یادآور شد:

اول: این کتاب روش جدیدی را در موضوع حج پیشکش می‌نماید که نمی‌توان آن را احکام متعلق به حج نامید، و نه هم برخی از فتاوی‌ای مربوط به مسایل حج شمرد، بلکه سفری دلپسندی با پیامبر اکرم ﷺ است که از لابلاهای ماخذ موثوق کتب سنت برگزیده و گرد آورده شده است که حجاج را با تاسی و پیروی پیامبر اکرم ﷺ با خود

همراز و همسفر ساخته، کیفیت و احوال آنحضرت ﷺ را با پروردگار و خانواده و امت ایشان واضح و آشکار می‌سازد.

دوم: این کتاب جوانب پنهان و غیر معروف حج نمودن آنحضرت ﷺ را منعکس می‌سازد که شاید بسیاری از مردم از آن آگاهی نداشته باشند، زیرا اکثر مردم در مورد حج پیامبر اکرم ﷺ جز احکام فقهی، از دیگر مسایل آن آگاهی ندارند، که البته این مسایل نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است، لکن آنده امور و مسایل مفصل و شامل حج آن حضرت ﷺ که ارتباط و تأثیر بسزایی در ادای این فریضه پر فیض، و نقش برجسته در زندگی مسلمان دارد، لازم است بیان و توضیح گردد، تا بنده مسلمان از پندهای آموزنده، درس‌های مفید و مؤثر، و فواید بزرگ آن در تمامی عرصه‌ها، در عقیده، عبادات، اخلاق و غیره توشه‌ای برای آخرت خود بگیرد.

از جمله امور و مسایل پنهان و نهفته‌ای که شاید برخی از آن آگاهی نداشته باشند بطور مختصر و با ذکر چند نمونه‌ای از آن اکتفا می‌کنیم:

۱- هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ می‌خواستند آب بنوشند حضرت عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه خواست تا از خانه آب مخصوصی برای نوشیدن آنحضرت ﷺ بیاورد، لکن پیامبر اکرم ﷺ مانع شده فرمودند: «ضرورتی به آن نیست، از آبی برایم بدهید که همه مردم از آن می‌نوشند» که این خود بیانگر تواضع و فروتنی آنحضرت ﷺ است.

۲- پیامبر اکرم ﷺ در طول مدت ایام حج با امت خویش آمیخته و پیوسته بودند و آنان را از تعالیم دین آگاه می‌نمودند، و کسی مانع دیدار از ایشان نشده و در اطراف ایشان نگهبانانی وجود نداشته تا مردم را از ایشان با ضرب و طرد و فشار دور نمایند، و یا هم بگویند از آنحضرت ﷺ فاصله بگیرید.

۳- آنحضرت ﷺ فرصت حج و اجتماع مردم را غنیمت می‌شمردند تا به آنان پند و اندرزهای ارزشمند و گرانبهای خویش را تقدیم نموده و بزرگی و عظمت پروردگار عالم را به آنها یادآور شوند، چنانکه در عرفات و در اثنای سیرشان رضی الله عنه در بین مشاعر حج، و روز عید قربان در منا، و ایام تشریق، اندرزها و موعظه‌های متنوعی را به مردم ایراد نمودند، آنحضرت ﷺ در عرفات قبل از غروب نمودن آفتاب مردم را مخاطب قرار داده فرمودند: «ای مردم! از

دنیای تان نسبت به آنچه که گذشته باقی نمانده است جز به اندازه زمانی که از این روز شما نسبت به آنچه که از آن گذشته، باقی مانده است» همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله در جمع انبوه مردم چنین فرمودند: «یقیناً خداوند جل جلاله در این جمعیت انبوه شما فضل و کرم خویش را ارزانی داشته، و مردمان بدکردار شما را بخاطر نیکان تان بخشیده، و به نیکوکاران شما هر آنچه که از او تعالی خواستند، عطا نموده است، پس بنام خداوند جل جلاله حرکت نمایید».

چنانکه آنحضرت صلی الله علیه و آله بشر بن سعیم رضی الله عنه را فرستادند تا در روزهای تشریق به مردم اعلان و ابلاغ نماید که: «جزء مؤمن کسی دیگر وارد بهشت نخواهد شد».

و هنگامی که از ایشان صلی الله علیه و آله پرسیده شد که چگونه در روزهای حج نیکی و احسان نماییم؟ فرمودند: «به مردم طعام بدهید و به آنان سخن نیک بگویید».

همچنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روزهای حج در مورد زنان سفارش نمودند، و از دروغ بستن بر ایشان هشدار داده و به تبلیغ و رساندن فرموده‌های ایشان به مردم امر نموده فرمودند: «شاد دارد خداوند جل جلاله شخصی را که سخن مرا شنیده و آن را درست درک کرده سپس آن را به دیگران تبلیغ نموده است». همچنان از غلو و افراط در دین برحذر داشتند و امر فرمودند تا از والیان امر اطاعت صورت گیرد و ترغیب نمودند تا با والدین احسان و خوبی نموده و روابط با خویشاوندان را پیوسته نگه دارند.

بناءً موسم حج، موسم پر فیض و برکت، و فرصت خوبی برای دعوت بسوی خداوند جل جلاله می باشد.

۴- همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله در روزهای پر فیض و برکت حج به چنگ زدن به قرآن کریم و سنت مطهر سفارش نموده فرمودند: «من در میان شما دو چیز را گذاشتم تا لحظه که به آن چنگ زنید و تمسک جوید هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا جل جلاله و سنت من».

همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله بر دوری جستن از امور نو پیدا و بدعت‌ها در دین تأکید ورزیده فرمودند: «آگاه باشید! من قبل از شما بر حوض حاضر می شوم و شما را مشاهده می کنم، و کسانی از میان واردشدگان ربوده می شوند، من می گویم: ای پروردگار! آن‌ها یاران (از امت من اند) به من گفته می شود: تو آگاهی نداری که آن‌ها بعد از تو چه چیزهای - در دین - ایجاد کردند!» و امر فرمودند تا مسلمانان همدست و

یکپارچه باشند، و از تفرقه و اختلاف برحذر داشته فرمودند: «بعد از من کافر نشوید، که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزند» و فرمودند: «شیطان نا امید شده که مسلمانان در جزیره عرب او را بپرستند، و لیکن در فاسد نمودن و دگرگون ساختن دل‌ها و ایجاد ترک دوستی و محبت میان‌شان می‌کوشد».

۵- در این حج پیامبر خدا ﷺ هدایات و رهنمودهای بسا بزرگی را در مورد زندگانی خانوادگی‌شان (همسران ایشان) به امت گذاشتند، در این موسم بزرگ همسران و سایر اهل خانواده آنحضرت ﷺ نیز همسفر ایشان بودند که آنحضرت ﷺ را در بسیاری از امور یاری و کمک می‌نمودند، و در عین زمان آن‌ها را از شر و فتنه حفاظت می‌نمودند، بطور مثال، هرگاه همسران پیامبر خدا ﷺ با مردان روبرو می‌شدند، چادرهای سرشان را بر روی خویش‌رها می‌کردند. چنانکه آنحضرت ﷺ هنگامی متوجه شدند که فضل بن عباس رضی الله عنه بسوی زنی نگاه می‌کند، گردن وی را برگرداندند. همچنان به ام سلمه رضی الله عنها فرمودند: «از عقب مردم طواف کن». و عایشه رضی الله عنها دور از مردان طواف می‌نمود. همچنان بعد از ادای حج به همسران خویش فرمودند: «از این به بعد زمان خانه‌نشینی‌تان فرا می‌رسد»، آنحضرت ﷺ بر اهل خانواده خویش نرم، پر لطف، مهربان، فروتن و با حوصله بودند.

سوم: امتیازی دیگری که این کتاب بر سایر کتاب‌های تألیف شده در مسایل حج دارد آنست که جوانب اعتقادی مربوط به حج را مورد بحث قرار داده، درس‌ها و فواید مؤثر در این عرصه را بیان و آشکار ساخته است، همچنان در مورد اعلان براءت از مشرکین و مخالفت با آنان را که بوسیله برخی از صحابه اعلان داشتند اشاره نموده است و در مورد دعا نمودن ایشان رضی الله عنهم با دو شق مهم آن که عبارت از دعای طلب و دعای عبادت است، و تعظیم نمودن ایشان رضی الله عنهم از شعایر و مقدسات دینی و غیره را منعکس ساخته است. خلاصه حج آنحضرت رضی الله عنه در تمام عرصه‌هایش، مدرسه تربیتی و ایمانی بزرگی بود که مؤمنان و پرهیزگاران از آن منافع بزرگ و درس‌های متنوع و پندهای مؤثری که دل‌ها را زنده می‌کند و ایمان را پرورش داده و تقویت می‌بخشد، استفاده نمودند.

چهارم: این کتاب بشکل آسان و ساده و دور از تکلف در آورده شده که همه می‌توانند از آن استفاده نمایند، و هیچ طالب علم از آن بی‌نیاز شده نمی‌تواند، زیرا مؤلف با حرص و کوشش‌هایش مضامین آن را از مآخذ و مصادر معتبر و موثق جمع‌آوری نموده و هر موضوع را در جای مناسب آن گنجانیده است، و با روش زیبا و دلپسند توانسته است هدایات و ارشادات والای آنحضرت صلی الله علیه و آله را بطور ساده و آسان به خواننده‌گان تقدیم نماید. و ما از خداوند عز و جل برای مؤلف این کتاب، و کارکنان محترم انجمن اسلامی، و هرکسی که در راه پخش و نشر دانش و معارف اسلامی سعی می‌ورزد، پاداش بزرگ را استدعا داریم. و صلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم.

عبدالرحمن الصالح المحمود

پیشگفتار

الحمد لله الذي شرع لعباده حج بيته العتيق، وهو - سبحانه وتعالى - الغني عن العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد ﷺ قدوة الحجاج، وأسوة المعتمرين، وعلى آله وصحبه الغر الميامين، ومن اقتدى بهم وسلك نهجهم إلى يوم الدين، وبعد:

حج فريضه شرعی و مناسبتی است که در طول عمر یکبار بر مسلمان قادر و توانمند فرض می‌گردد، و بخاطر رسیدن به این نعمت بزرگ راه‌ها و سرزمین‌های مختلفی را پیموده با شوق فراوان، زحمات و تکالیف این سفر را بدون احساس خستگی متحمل می‌گردد. وی در این راه، خانه، فرزند و دوستان را رها نموده، با مال و ثروت دست داشته خود که شاید سال‌ها قبل آن را بخاطر ادای این فريضه پس انداز نموده بود، از خانه بیرون آمده و ندای ابراهیمی را لبیک می‌گوید.....

طوری که به همه آشکار است، جهل و نادانی و غفلت دامن‌گیر بسیاری از فرزندان این امت شده که آثار این نادانی در بسا موارد، چه در امور اعتقادی یا علمی و یا عدم آگاهی آنان از پدیده‌های تمدن عصر حاضر در میان جمعیت حجاج بیت الله بطور چشمگیری به نظر می‌خورد، برخی از این عارضه‌ها که آمیخته با شرک و بدعت می‌باشد انسان را تکان می‌دهد، چه بسا دیده می‌شود که حاجی از احکام عبادات و آداب آن بویژه حج، آگاهی نداشته و مرتکب گناहانی می‌گردد که انتظار آن نمی‌رفت، همچنان علایم عقب ماندگی مسلمانان و دوری آن‌ها از تمدن امروزی، و عدم آشنایی آن‌ها با اسباب و وسایل روز، انسان را به حیرت در آورده و در عین وقت اندوهگین و متأثر می‌سازد. لیکن چیزی که بیشتر از همه بر غم و اندوه انسان می‌افزاید آنست که برخی از مردمان دنیا پرست، بخاطر بدست آوردن منافع دنیوی و محقق ساختن آرزوهای‌شان، این موسم عظیم را فرصت طلایی شمرده و از جهل و نادانی حجاج بیت الله الحرام سوء استفاده نموده و یا در ادای مناسک آن‌ها خلل ایجاد می‌نمایند، که انسان با درک، خویش را در همچو احوال، بیشتر از پیش مسؤول می‌داند.

انجمن اسلامی که در راستای دعوت اسلامی و نشر علم و دانش شرعی توجه و اهتمام جدی بخرچ داده و می‌دهد، همچنان در مناسبات و برنامه‌های همیشگی و

متکرر اسلامی، بمنظور توضیح و بیان موقف شریعت اسلامی در مورد این برنامه‌ها، و آگاه ساختن فرزندان امت اسلامی سخنی داشته است، تا بتوانند از فرایض و واجبات دینی‌شان بطور درست و دقیق آگاهی یافته، و در عین زمان به هدایات و رهنمودهای پیامبر بزرگ اسلام ﷺ اقتدا نمایند، و با دانستن این مسایل مهم، از بدعت‌ها و منکرات منتشر در جامعه اجتناب ورزند. فریضه حج در راس این مناسبت و برنامه‌ها قرار دارد، زیرا یگانه رکنی از ارکان اسلام که در یک زمان و در یک مکان عملی می‌گردد، حج است، و این خود اهمیت و عظمت این مناسبت را ثابت ساخته و بر مسلمان لازم می‌گرداند تا با احکام و آداب این فریضه پر فیض آشنایی درست و صحیح پیدا نماید، و یگانه راه آشنایی به احکام و آداب حج و آگاهی احوال آنحضرت ﷺ در این روزهای میمون، دانستن هدایات و ارشادات پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد که برادر ارجمند ما در این کتاب ارزشمند، بعد از جستجو و تلاش و کوشش‌های پیهم در کتب احادیث و غیره، آن را گرد آورده، و با صورت زیبا و رسا آن را ترسیم نموده است، طوری که حاجی محترم را در یک عالم روحانی برده و با روش و چگونگی حج پیامبر ﷺ ارتباط مستقیم داده، تا گام بگام در خط سیر رسول اکرم ﷺ حرکت کرده و مطابق سنت ایشان عمل نماید.

و در پایان از ذات اقدس الهی مسئلت داریم که این رساله ارزشمند و پر بها را به درگاه خویش پذیرفته، و آن را مورد قبول برادران حجاج قرار دهد، تا از آن بهره وافر ببرند.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه أجمعین.

انجمن اسلامی

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد وعلى آله وصحبه، ومن اقتفى أثره ونهج سبيله إلى يوم الدين، وبعد:

الله ﷻ بندگان را به پیروی و اطاعت پیامبر گرامی اش ﷺ امر نموده و می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].
«و هر چه پیامبر ﷺ به شما بدهد، آن را بگیرید و از هر آنچه شما را منع کند، از آن باز ایستید».

و ایشان ﷺ را الگوی نیکو و شایسته برای بندگان قرار داده و می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«یقیناً برای شما در رسول خدا سر مشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز آخرت امید دارد و خدا را بسیار یاد می کند».
چنانکه خداوند ﷻ پیروی از آنحضرت ﷺ را، نشانه محبت ایشان خوانده می فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

«ای محمد! - به مدعیان دوستی من - بگو اگر خدا را دوست دارید (راستگو هستید) پس از من پیروی کنید تا خداوند دوستتان بدارد و گناهان شما را ببامزد و خداوند آمرزنده مهربان است».

خداوند ﷻ بیان داشته است که پیروی و اطاعت پیامبر ﷺ در حقیقت پیروی او تعالی می باشد، طوری که می فرماید: ﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰].

«هرکس از پیامبر ﷺ اطاعت کند، در حقیقت از خداوند ﷻ اطاعت کرده است، و هرکس رویگردان شود، پس ترا نگهبان ایشان نفرستاده‌ایم».

و پاداش بزرگی را برای کسانی که از ارشادات آنحضرت ﷺ پیروی نموده و آن را عملی نماید، آماده ساخته است، قسمی که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹].

«و کسانی که از خدا و رسول اطاعت کنند، در زمره کسانی هستند که خداوند ﷻ بر آنان انعام نموده است، از -همراهی- پیامبران و صدیقین و شهیداء و صالحین، و اینان رفیقانی نیک هستند».

حج در میان سایر عبادات، عبادت روشن و آشکاریست، که پیروی و اقتدا به آنحضرت ﷺ بصورت واضح در آن هوید است، برخی از دانشمندان و طالبان علم در این عصر توجه خاصی در مورد احکام و مسایل متعلق به حج نموده‌اند که از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و توانسته‌اند راه‌های که شاید بدعتی از آن به دین رخنه نماید، بسته‌اند، و در راه نشر و پخش علم و معارف اسلامی، بویژه آنچه که مربوط به مناسک حج می‌گردد، تأثیر بزرگی داشته است.

لیکن جانب مهمی دیگری که باید به آن توجه و اهتمام خاصی صورت گیرد، آنست که ارشادات و هدایات و احوال پیامبر ﷺ در این مناسبت پرفیض بصورت واضح و مفصل بیان گردد، تا برادران مسلمان ما که عزم حج را دارند، با آن آشنایی پیدا نموده و در خط سیر آنحضرت ﷺ گام نهاده، این فریضه پرفیض را بصورت درست و مطابق روش آنحضرت ﷺ ادا نمایند. اهمیت دانستن این مسایل را که برای هر مسلمان، بویژه حاجی بسیار مهم است می‌توان در نکات ذیل بیان نمود.

*- آموزش و آگاهی این مسایل، سپس عملی نمودن آن، حکمت و اهداف حج را واضح ساخته، پرستش و بنده‌گی پروردگار جهان را محقق می‌سازد.

*- بسیاری از مسلمانان از احوال پیامبر ﷺ در حج آگاهی کامل ندارند، از اینرو کوشش آن‌ها تنها در جهت آموختن احکام فقهی این مناسک بوده، و به آن خشنود و قانع می‌گردند.

* - بسیاری مسلمانان از احوال پیامبر ﷺ در حج، از جمله: معانی، مقاصد و اهداف آن آگاهی ندارند، حتی برخی از طالبان علم که در زمینه سنت نبوی و غیره امور شرعی سروکار دارند، این امر از آن‌ها پنهان مانده و عملی نمی‌گردد.

* - حج در میان سایر عبادات سلیقه و روش خاصی را بخود دارد، بنابراین پیامبر اکرم ﷺ با توده‌ها و اقشار مختلف مردم برخورد و تعامل داشتند. ایشان با گروه‌های مختلف مردم دیدار نمودند که شاید اینچنین فرصت مناسبی در زمان و مکان دیگر امکان پذیر نمی‌بود، و شاید هم برخی از مردم جز در همین مناسبت بزرگ، دیگر موفق به دیدار آنحضرت ﷺ نمی‌شدند، از اینرو در این کنفرانس بزرگ و تاریخی، گوشه‌های زیادی از برخورد و تعامل آنحضرت ﷺ با گروه‌های مختلف مردم، و رسیدگی و توجه به احوال آنان آشکار می‌گردد که دیگر موقع مناسبی، جز حج در موقع دیگر امکان پذیر نبود.

* - در این سفر آنحضرت ﷺ همسران و همه افراد خانواده خویش، اعم از ناتوان و توانمند آن‌ها را با خود همراه نمودند که این خود گوشه دیگری از رهنمودهای ایشان ﷺ را در برخورد و رفتار با آنان واضح می‌سازد، که قبلاً صورت نگرفته بود.

لذا در این تحقیق و بررسی کوشیده شده تا کیفیت و چگونگی حج پیامبر ﷺ بطور شامل و مفصل و جامع ترسیم، و احوال آنحضرت ﷺ در این حج بصورت واضح به تصویر کشیده شود، تا باشد که سرمشق و الگویی برای اقتدا کنندگان و پیروان خط آن حضرت ﷺ گردد.

چون کتب و رساله‌های بی‌شماری در مورد حج و احکام آن نگاشته شده است، بناءً ما در این کتاب پیرامون آن بحث نخواهیم کرد، بلکه به جوانب دیگر این فریضه پرفیض، اشاره خواهیم کرد، زیرا این موضوع به بررسی و تحقیق مفصل نیاز داشته، اینچنین گذر کوتاه و مختصر، تشنگان سنت مطهر نبوی را سیراب نخواهد کرد چون موضوع شاخه‌ها و فروع بسیار دارد، پس بخاطر نزدیک ساختن مسایل و یکجا نمودن پراگندگی، آن را به سه فصل تقسیم نمودیم:

فصل اول: احوال پیامبر ﷺ با پروردگارشان در حج.

فصل دوم: احوال پیامبر ﷺ با خانواده ایشان در حج.

فصل سوم: احوال پیامبر ﷺ با امت‌شان در حج.

و از خداوند ﷻ استدعا می‌نمایم که این کتاب را برای حجاج و معتمرین، سودمند گردانیده، و اقتدا کنندگان راه و روش آنحضرت ﷺ را در پیمودن مسیرشان توفیق داده و آن را در درگاه بزرگ خویش بپذیرد.

و از برادرانی که در تهیه و نگارش این کتاب همکاری نموده‌اند، ابراز شکر و امتنان نموده، اجر و پاداش بزرگ را از خداوند ﷻ برای آنان خواهانم.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه اجمعین.

فصل اول:

احوال پیامبر ﷺ با پروردگارش در حج

یگانه سرمایه ناتمام و بی‌پایان بندگان راستین الله ﷻ، همانا پیوند محکم و نا گسستنی، و ارتباط قوی با الله ﷻ می‌باشد، حج یکی از مهم‌ترین مناسبات و گردهم آیی است که الله ﷻ بندگان مؤمن را در سایه رحمت خود قرار داده و آنان را بر تقوا و بندگی واقعی پرورش می‌دهد، که بوسیله آن رابطه عمیق میان بنده و پروردگار سبحان تقویت می‌یابد، همچنان حج مدرسه ایمانی بزرگی است که به مسلمانان در عرصه‌های مختلف، درس‌های بزرگ و فواید ارزشمند و اندرزهای مفید می‌آموزد، و آنان را به مقام و منزلت والای بندگی الله ﷻ مشرف می‌سازد.

مسلمان در این مناسبت عظیم در مقابل پروردگارش با فروتنی ایستاده و سر تسلیم و اطاعت را به او تعالی فرود می‌آورد.

پیامبر گرامی ما ﷺ در حج نیز مانند همیشه، بیش از دیگران خداوند ﷻ را یاد نموده و می‌پرستیدند، همچنان ارتباط ایشان با الله ﷻ با وجود همه مشغولیت‌ها و مسؤولیت‌های که بر دوش داشتند، مانند همیشه قوی و محکم بود. ایشان در این موسم بزرگ و گردهم آیی تاریخی حجاج بیت الله را رهبری نموده آن‌ها را به امور دین‌شان آگاه می‌ساختند، همچنان توجه خاص به همسران خویش داشتند و در مورد آنان از صبر و تحمل کار گرفته با آن‌ها احسان و رویه نیکو داشتند. با وجود این همه مشغولیت و مسؤولیت‌ها، در ارتباط ایشان با پروردگار سبحان هیچ‌گونه تفاوت یا تکاسل و یا تأخیری صورت نگرفته و ایشان را از تواضع و شکستگی در مقابل پروردگار باز نمی‌داشت.

و اگر بخواهیم شمایل و چگونگی تواضع و شکسته نفسی آنحضرت ﷺ را با پروردگارش در موسم حج، و منظر و نمای پیروی و اطاعت ایشان را یک یک بشماریم، گنجایش آن در این مقام امکان‌پذیر نیست. بنابراین در این فصل مهم‌ترین و بارزترین نمونه‌های از شمایل و اوصاف و احوال ایشان را با پروردگارش قرار ذیل مورد بحث و مطالعه قرار می‌دهیم:

۱- پیامبر اکرم ﷺ در زمینه توحید و یگانه‌پرستی خداوند ﷻ، توجه جدی بخرچ داده آن را محقق ساختند:

توحید یا خداوند ﷻ را به یگانگی پنداشتن از بارزترین مسایل بنیادی است که آنحضرت ﷺ در راه محقق ساختن و حمایت آن توجه جدی نمودند، تا اطاعت پروردگار بزرگ جهان را بصورت درست و دقیق بجا آورده و فرموده الله ﷻ را عملی نمایند: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ [البقرة: ۱۹۶].

«و برای خدا ﷻ حج و عمره را به تمام رسانید». یعنی حج و عمره را با رعایت همه حقوق، و بدون کاستن چیزی از مناسک آن، به وجه مطلوب شرعی آن، و با اخلاص برای خداوند ﷻ و نداشتن قصد منفعتی دنیوی، پایان برسانید^۱. و هرگاه با دقت به اعمال آن حضرت ﷺ دیده شود، اخلاص ایشان به خداوند ﷻ، و به اتمام رساندن شروط و افعال حج، بصورت آشکار به نظر می‌خورد که می‌توان برجسته‌ترین نکات آن را ذیلاً یادآور شد:

*- تلبیه گفتن، شعار حج است و این کلمات قواعد و فواید مهمی مانند: اخلاص عمل و یگانه پنداشتن خداوند ﷻ، و تعهد به دوام عبودیت و پایدار بودن در آن، عاجزی و انقیاد در برابر خداوند ﷻ، اعتراف به نعمت‌های خداوند ﷻ را در برداشته، و متضمن رد بر تمام باطل پرستان و دشمنان توحید است. چنانکه جابر ﷺ از پیامبر بزرگ اسلام روایت نموده است که: «آنحضرت ﷺ حج را با توحید - تلبیه گفتن - با آواز بلند آغاز نموده فرمودند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ»^۲. یعنی: «حاضریم ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، همانا ستایش و نعمت، ملک و سلطنت از آن توست و شریکی نداری».

و در حدیثی که ابوهریره ﷺ آن را روایت کرده آنحضرت ﷺ چنین فرمودند: «لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ»^۳. یعنی: «من برطاعت تو همیشه حاضریم و پایدار خواهیم بود، ای پروردگار حق! گوش بفرمانم».

^۱ - تیسیر الکریم الرحمن از سعدی: ۹۰.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۲۹۲۰، با تصحیح البانی: ۲۳۶۲.

* - پیامبر گرامی ما ﷺ توجه جدی بر آن داشتند که عباداتشان خاص به رضای خدا ﷻ باشد و خواهان آن بودند تا حج ایشان وسیله ریا و شهرت و افتخار بر دیگران قرار نگیرد طوری که از انس رضی الله عنه روایت شده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوندا! حجتی را آرزو دارم که ریا و شهرت در آن نباشد»^۱. این درسی است برای امت ایشان صلی الله علیه و آله تا حج و تمامی عبادات را خالص برای خداوند صلی الله علیه و آله انجام داده و از شهرت و افتخار بر دیگران اجتناب ورزند. زیرا آنحضرت صلی الله علیه و آله از هرگونه ریاکاری و شهرت طلبی دور و مبرا بودند.

* - همچنان قرائت سوره (کافرون و اخلاص) در دو رکعت طواف، دلیل آشکار بر دقت و توجه ایشان صلی الله علیه و آله به یگانه پرستی او تعالی است، قسمی که از جابر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله در دو رکعت طواف دو سوره توحید و اخلاص را تلاوت نمودند: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و در روایتی دیگر: «در دو رکعت طواف دو سوره اخلاص را قرائت نمودند: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾^۲.

* - آنحضرت صلی الله علیه و آله هنگامی که بر صفا و مروه بالا می رفتند، خداوند صلی الله علیه و آله را به یگانگی یاد می نمودند قسمی که در حدیث جابر رضی الله عنه روایت شده که:

«آنحضرت صلی الله علیه و آله در آغاز بر کوه صفا بر آمدند تا آنکه خانه کعبه را دیدند و رو به قبله، خداوند صلی الله علیه و آله را به یگانگی یاد نموده و (الله اکبر) گفته فرمودند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ...». یعنی: «معبود برحق جز الله نیست که یکی است و شریکی برایش نیست، ملک و ثنا و ستایش خاص از آن اوست و او بر هر چیز تواناست» سه بار تکرار نمودند، و نیز هنگامی که بر کوه مروه رفتند ایستاد شدند همین دعا را خواندند»^۳.

* - همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله در روز عرفه این کلمه بزرگ و با عظمت را به کثرت تکرار می نمودند. چنانکه فرموده اند: «بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین سخنانی که من و پیامبران قبل از من فرموده اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ

^۱ - سنن ابن ماجه: ۲۸۹۰، با تصحیح البانی: ۲۶۱۷.

^۲ - سنن ابو داود: ۱۹۰۹، و ترمذی: ۸۶۹، با تصحیح البانی: ۶۸۹.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

الْمُلْكُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» است.^۱ و در روایت دیگر چنین آمده است: «بیشترین دعای پیامبر ﷺ در روز عرفه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بود. و در لفظی (بیده الخیر) آمده است. یعنی: «خیر همه بدست او تعالی می‌باشد»^۲. پس روز عرفه روز دعاست، و بهترین ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است، و پیامبر خدا ﷺ در بهترین روز، بهترین ذکر ورد زبان مبارک‌شان بود.

اما اگر امروز به شکل عام به وضع ناگوار مسلمانان و بطور خاص به حجاج نظر بیندازیم - با تأسف - انواع جهل و نادانی را که مربوط به حقوق خداوند ﷻ بر بندگان است، مشاهده خواهیم کرد. مفهوم عبادت و پرستش که همانا نیایش، تعظیم، فرمانبرداری و احترام و اجلال خداوند ﷻ در آشکار و پنهان می‌باشد، از برخی مسلمانان امروزی رخت بر بسته است، دامنه خرافات، بدعت، و امور شرکی چنان میان مسلمانان وسعت یافته که جلوگیری آن کاریست، دشوار! بنابراین بردعوت‌گران و اهل علم و دانش مسؤلیت بس بزرگی قرار دارد - بویژه در این مناسبت بزرگ - تا مردم را از اساسات دین اسلام آگاه ساخته، حقیقت یگانه‌پرستی را که کلیه پیامبران به آن دعوت می‌نمودند، به آنان بیان کرده و از شرک و بدعت و خرافات و گمراهی برحذرشان دارند. چنانکه هویداست اولین ارشاد آنحضرت ﷺ به مردم توحید و یگانه پنداشتن او تعالی بود که آن را بر سایر ارکان اسلام مقدم می‌دانستند، و هنگامی که ایشان معاذ ﷺ را به یمین گماشتند بوی دستور داده فرمودند:

«آن‌ها را دعوت کن تا گواهی دهند که معبود بر حق جز الله نیست، و اینکه من رسول و فرستاده خدا ﷻ می‌باشم. اگر آن‌ها در این امر از تو پیروی کردند آن‌ها را آگاه کن که خداوند ﷻ در هر شب و روز پنج وقت نماز برایشان فرض نموده است و اگر آن‌ها در این امر از تو پیروی کردند، آنان را آگاه کن که الله تعالی بر آن‌ها صدقه‌ای فرض نموده که از ثروتمندان‌شان گرفته شده و به فقراشان باز گردانده می‌شود...»^۳.

^۱ - سنن ترمذی با تحسین البانی: ۲۸۳۷.

^۲ - مسند احمد: ۶۹۶۱، حسن لغیره.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۳۹۵.

پس حاجی محترم! حالا که خداوند ﷻ ترا شایسته این فریضه پر فیض و بزرگ دیده و از میان میلیون‌ها مسلمان هموطنت ترا به این سر زمین پاک مشرف ساخته است، باید با خدایت عهد ببندی که جز ذات یکتای او، چیزی دیگر را نمی‌پرستی، فرایض او را ترک نکرده، و برای زنده کردن سنت پیامبر ﷺ در همه عرصه‌های زندگی‌ات تلاش می‌ورزی، ظلم بر کسی نکرده، و حق کسی را تلف نخواهی کرد، دروغ نخواهی گفت، و قرآن را مهجور نخواهی گذاشت، اگر خود نتوانی، فرزندان را برای خدمت قرآن آماده خواهی کرد.

۲- تعظیم مشاعر و مراسم (مناسک) دینی

خداوند ﷻ به بندگانش امر فرموده تا شعایر و مراسم متعلق به دین را با عظمت شمرده و از آن تعظیم و تجلیل به عمل بیاورند، و در راه حفظ و نگهداشت حرمت و قداست آن با هر وسیله سعی ورزند. زیرا خداوند ﷻ تعظیم حرمت خویش را جزو اساسی تقوا، و شرطی از شروط بنده‌گی خوانده است، تا بنده بوسیله آن بتواند به ثواب و پاداش بزرگی که برای مؤمنان راستین آماده نموده است نایل آمده و هنگام لقاء باوی از خیر وافر برخوردار گردد. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

«این است -حکم- و هرکس شعایر خدا را تعظیم کند پس در حقیقت این -تعظیم- از تقوای دل‌هاست) همچنان الله ﷻ می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْمَ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ [الحج: ۳۰].

«این است حکم و هر کس حرمت خداوند را تعظیم کند پس این برایش نزد پروردگارش بهتر است». همچنان آنحضرت ﷺ که مبلغ اوامر خداوند ﷻ به بندگانش هستند، می‌فرمایند: «از محرمت خداوند ﷻ بپرهیز، تا از عابدترین بندگان خداوند ﷻ باشی»^۱.

در مقابل بزرگداشت از حرمت، و از سبک شمردن شعایر دینی و پایمال شدن حرمت آن، و تجاوز از حدود تعیین شده، و تمسخر و شوخی و استهزاء به امور دین

^۱ - سنن ترمذی: ۲۳۰۵، با تحسین البانی: ۱۸۷۶.

برحذر داشته است. خداوند ﷻ در مورد حرمت و قدسیت بیت الله الحرام چنین می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابٍ﴾ [الحج: ۲۵].

«و هرکس بخواهد در آن از سر ستمگری الحاد کند -جرمی را مرتکب شود- او را از عذابی درد ناک می‌چشانیم».

همچنان می‌فرماند: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۹].

«این‌هاست حدود الهی، پس از آن تجاوز نکنید، و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمگارانند».

و خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ [النساء: ۱۴].

«و هرکه الله و رسول او را نا فرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز کند، خداوند ﷻ او را در آتشی در آورد که جاودانه در آن است و او را ست عذاب خفت بار و رسوا کننده».

لذا برگزیدگان خداوند ﷻ، عارفان و عاقلان به آن پی بردند و از تجاوز حرمت خداوند ﷻ باز ایستادند، که در راس آنان، امام مرسلین و سرور و سردار عالمیان و پرهیزگارترین مردمان جهان قرار دارد، ایشان شعایر خداوند ﷻ را تعظیم و توقیر می‌نمودند و حرمت و حدود مقرر الهی را مراعات نموده از آن حفاظت و حمایت می‌نمودند و از تجاوز و پایمال شدن مقدسات و حرمت او تعالی بدور بودند. در موسم حج به همه ثابت و آشکار گردید که آنحضرت ﷺ شعایر حج و حدود تعیین شده الله ﷻ را چقدر تعظیم و توقیر و رعایت می‌نمودند، و در حفظ و حمایت حرمت‌های دینی به کدام پیمانانه حرص داشتند، که ما گوشه از نمونه‌های برجسته آن را خدمت خوانندگان گرامی به عرض می‌رسانیم:

* - آنحضرت ﷺ قبل از آنکه احرام بر تن مبارک‌شان نمایند، غسل نمودند، سپس موهای مبارک‌شان را با صمغ یا حنا با هم چسپانیدند تا از پراکندگی و ژولیدن موها جلوگیری نماید، و با بهترین عطر جسم خویش را خوشبو نمودند، قسمی که از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت است که فرمود: «پیامبر خدا ﷺ را دیدم که غسل نمودند و احرام

بستند»^۱. همچنان از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «شنیدم که آنحضرت صلی الله علیه و آله نیت احرام نمودند در حالی که سر ایشان (ملبد) بود»^۲. ملبد یا تلبد: عبارت از چسپاندن موی سر ذریعه صمغ و یا حنا و یا ختمی است، و سببش آن است که مویها باهم بچسبند و پراکنده نشود. و در روایتی که از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت شده، می‌فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را قبل از اینکه احرام ببندند، با بهترین عطر خوشبو می‌نمودم»^۳. و در روایت دیگر چنین آمده: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با بهترین عطری که داشتند خوشبو می‌ساختم، تا آنکه درخشش عطر را بر سر و ریش ایشان مشاهده می‌کردم»^۴.

* - نمونه‌ای دیگری از تعظیم نمودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از شعایر خداوند جل جلاله آنست که ایشان صلی الله علیه و آله از ذی الحلیفه، میقاتگاه اهل مدینه، شترانی را بخاطر شکرانه خانه خدا جل جلاله با خود بردند، و این خود بزرگ‌ترین تعظیمی به یکی از شعایر الهی است، چنانکه خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [الحج: ۳۶].

«و شتران فریه را برای شما از جمله شعایر خدا جل جلاله قرار دادیم». آنحضرت صلی الله علیه و آله قبل از عزیمت بسوی مکه، با دست شریف‌شان برگردن برخی از شتران قلاده (گردن بند) انداختند و کوهان آن‌ها را با شمشیر زخمی نمودند تا آنکه خون بیرون آمد، -اینکار بخاطری است تا دانسته شود که آن‌ها شتران قربانی است - قسمی که از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که: «آنحضرت صلی الله علیه و آله نماز چاشت را در ذی الحلیفه ادا نمودند، سپس شتر خویش را طلب نموده و روی کوهان راستش را با شمشیر بریدند تا آنکه خونس ریخت و دو قلاده را بر آن آویختند»^۵. ابن کثیر رحمته الله می‌فرماید: «از این حدیث آشکار می‌گردد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله علامت‌گذاری و قلاده گذاشتن را بر این شتر با دستان شریف‌شان شروع نمودند، سپس علامت و قلاده گذاشتن باقی شتران را یران ایشان به عهده

۱- سنن ترمذی: ۸۳۰، با تصحیح البانی: ۶۶۴.

۲- صحیح بخاری: ۱۵۴۰.

۳- صحیح مسلم: ۱۱۸۹، و سنن دارمی: ۱۸۰۱.

۴- صحیح بخاری: ۵۹۲۳.

۵- صحیح مسلم: ۱۲۴۳.

گرفتند»^۱، و مصداق آن روایت دیگر است که چنین آمده: «و آنحضرت ﷺ امر فرمودند تا همه شتران قربانی با بریدن کوهان راست و گذاشتن قلابه بر گردن آنها مشخص گردند»^۲. همچنان ایشان صاحبان شتران قربانی را از سوار شدن بر آنها منع نمودند، چنانکه جابر رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت ﷺ فرمودند: «اگر ناچار شدی، به نیکویی بر آن سوار شو تا آنکه وسیله سواری بیایی»^۳.

* - نشانه دیگر از تعظیم نمودن آنحضرت ﷺ و بزرگداشت ایشان از شعایر خدا عز وجل تلبیه گفتن ایشان از اولین نقطه عزیمت در مدینه تا آنکه بر جمره بزرگ سنگ ریختند، می‌باشد. ابن عباس رضی الله عنهما در این مورد می‌فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تلبیه گفتن را ترک نکردند تا آنکه بر جمره عقبه سنگ پرتاب نمودند»^۴. همچنان ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: «سوگند به ذاتی که محمد صلی الله علیه و آله را برحق فرستاده است! من با رسول خدا صلی الله علیه و آله از منا تا عرفه همراه بودم، ایشان تلبیه گفتن را ترک نکردند تا آنکه بر جمره بزرگ سنگریزه ریختند، و در میان تلبیه گفتن «لا إله إلا الله» را نیز ذکر می‌نمودند»^۵.

چنانکه ایشان صلی الله علیه و آله تلبیه را با آواز بلند می‌گفتند حتی که اصحاب ایشان آن را می‌شنیدند، ابن عمر رضی الله عنهما می‌فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درحالی که موی سرشان ملبد^۶ بود نیت احرام نموده فرمودند: «أَتَيْكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ»^۷. همچنان از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که آنحضرت ﷺ فرمودند: «جبریل نزد آمد و امر فرمود تا

۱- سیرت نبوی از ابن کثیر: ۴ / ۲۲۸.

۲- صحیح ابن خزیمه: ۲۶۰۹، اسنادش صحیح است.

۳- صحیح مسلم: ۱۳۲۴.

۴- سنن ابن ماجه: ۳۰۴۰، با تصحیح البانی: ۲۴۶۴.

۵- مستدرک حاکم: ۱ / ۴۶۱، و صحیح ابن خزیمه: ۲۸۰۶، با اسناد حسن.

۶- معنای ملبد در صفحه ۳۴، گذشت.

۷- متفق علیه.

تلبیه را با آواز بلند بگویم»^۱. همچنان ابوسعید رضی الله عنه می فرماید: «ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حج برآمدیم و نعره -لیک- می کشیدیم»^۲.

*- همچنان نشانه تعظیم و توقیر آنحضرت صلی الله علیه و آله از شعایر خداوند جل جلاله در این حج، غسل نمودن ایشان قبل از ورود به مکه مکرمه است تا آثار سفر و ژولیدگی آن برطرف گردد، سپس ایشان کعبه را معظم دانسته آغاز به طواف نمودند، چنانکه نافع رضی الله عنه نقل می کند که: «ابن عمر رضی الله عنهما هنگام ورود به مکه شب را در منطقه ذی طوی می گذشتند و بامداد آن روز غسل نموده وارد مکه مکرمه می گردید و می فرمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین عمل می نمودند»^۳، و چنانکه حضرت عایشه رضی الله عنها فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام قدوم به مکه اولین کاری که انجام دادند وضو بود، سپس طواف نمودند»^۴.

*- آنحضرت صلی الله علیه و آله با دیدن حجرالاسود مسرور و شادمان گردیدند و آن را دربر گرفته و بوسه زدند، و سر مبارکشان را بر آن گذاشته به خداوند جل جلاله سجده نموده و به گریه شدند، همچنان رکن یمانی را با کف دست مبارکشان مسح کردند، چنانکه از سوید بن غفله رضی الله عنه روایت است که فرمود: «عمر فاروق رضی الله عنه را دیدم حجرالاسود را بوسه کرده آن را در برگرفت و فرمود: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که با دیدن تو شادمان و خرسند می شدند»^۵، و از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «عمر فاروق رضی الله عنه بر رکن -حجر الاسود- خمیده فرمود: «من خوب می دانم که تو سنگی

^۱ - مسند احمد: ۲۹۵۰، همچنان پیامبر صلی الله علیه و آله یاران شان را امر فرمودند تا به آواز بلند و رسا تلبیه و تکبیر بگویند، زیرا حضرت جبریل علیه السلام آمده و به ایشان فرمود که به اصحاب امر فرمایند تا (تلبیه) و یا «لا إله إلا الله» را با آواز بلند بگویند» نزد بیهقی با تصحیح البانی: ۱۳۸۴، همچنان پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «هیچ تلبیه گویی نیست هنگامی که تلبیه می گوید مگر اینکه هر چیزی که در راست و پیش اعم از سنگ و درخت و گل و خاک قرار دارند باوی تلبیه می گویند تا آنکه زمین از اینجا و آنجا پاره گردد» سنن ابن ماجه با تصحیح البانی: ۲۳۶۳.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۲۴۷.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۵۹.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۶۱۵.

^۵ - صحیح مسلم: ۱۲۷۱.

هستی، اگر رسول خدا ﷺ را ندیده بودم که ترا بوسه و مسح می‌نماید، هرگز ترا بوسه و مسح نمی‌کردم»^۱.

و در روایتی دیگر چنین آمده: «عمر فاروق رضی الله عنه را دیدم که حجرالاسود را بوسه زد، و سرش را بر آن گذاشته و به خداوند جل جلاله سجده نمود، سپس فرمود: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم این چنین کردند، و من هم به پیروی از ایشان اینکار را کردم»^۲.

و از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله طواف را از حجرالاسود آغاز نموده آن را لمس کردند و چشمان ایشان پر از اشک گردید»^۳.

و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هر طواف، بر رکن یمانی و حجرالاسود دست می‌کشیدند»^۴.

*- دیگر نشانه تعظیم آنحضرت صلی الله علیه و آله از شعایر خداوندی، نمازگزاردن ایشان در پشت مقام ابراهیم علیه السلام و آغاز نمودن سعی از کوه صفا و ایستادن ایشان بر آن و همچنان کوه مروه، که همه بمنظور ذکر خداوند جل جلاله و دعا بود، چنانکه در حدیث جابر رضی الله عنه روایت شده که: (سپس بسوی مقام ابراهیم رفته این آیت را تلاوت نمودند: ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [البقرة: ۱۲۵].

«و از مقام ابراهیم نمازگاهی بسازید». و مقام را میان خویش و کعبه شریفه قرار دادند، سپس از دروازه بسوی صفا بیرون رفتند، و هنگامی که به کوه صفا نزدیک شدند این آیت را تلاوت نمودند: ﴿إِنَّ الْأَصْفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۱۵۸].

«در حقیقت صفا و مروه از شعایر الهی است». و فرمودند: از جایی آغاز می‌کنم که خداوند جل جلاله در کلامش آغاز نموده است - یعنی از صفا- و بر کوه صفا بلند رفتند تا آنکه خانه خدا جل جلاله برایشان نمایان شد، و رو بسوی قبله، خداوند جل جلاله را به یگانگی یاد نموده تکبیر گفتند و این دعا را خواندند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَجْزَى وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ».

^۱ - مسند احمد: ۱۳۱.

^۲ - مسند طیالسی: ۷۴/۵ با اسنادحسن، و سنن بیهقی: ۷۴/۵ با روایت از ثقات.

^۳ - سنن بیهقی: ۷۴/۵ ابن کثیر فرمود: اسنادش خوب است.

^۴ - سنن ابو داود: ۱۸۷۶، با تحسین البانی: ۱۶۵۲.

یعنی: «به جز الله، معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، وستایش مخصوص اوست، او بر هر چیز تواناست، بجز او معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعده‌اش را تحقق بخشید، و بنده‌اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد». این دعا را سه بار تکرار کرده و در هربار خیر دنیا و آخرت را برای امت خواستند، سپس از کوه صفا پایین آمده و به طرف کوه مروه رفتند و آنچه را که در کوه صفا انجام داده بودند، آن را تکرار کردند.^۱ و در روایت دیگر چنین آمده است: «سپس به مقام ابراهیم آمدند و این آیت راتلاوت نمود: ﴿وَأَخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ [البقرة: ۱۲۵]. «و از مقام ابراهیم نمازگاهی بسازید» و درحالی که مقام ابراهیم میان ایشان و خانه کعبه قرار داشت، دو رکعت نماز ادا نمودند».^۲

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ با پیروی از فرموده خداوند ﷻ در معشر الحرام زمان طولانی به ذکر و دعا ایستادند، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

یعنی: «بر شما گناهی نیست که در طلب روزی پروردگارتان برآیید، و چون از عرفات - بسوی مزدلفه - رخت بستید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و یادش کنید به شکرانه آن که شما را هدایت نموده است، هر آینه پیش از این، از گمراهان بودید». ایشان در مشعر الحرام خداوند ﷻ را بسیار یاد کردند و با عاجزی و تذلل، امید و توجه، انابت و توکل و دعا و طلب ببارگاه ذات یکتا رو آوردند، حضرت جابر ﷺ شب مشعر الحرام را چنین به تصویر می‌کشید: «بعد از اینکه روشنی صبح (صادق) آشکار شد، پیامبر ﷺ با یک آذان و اقامت نماز فجر را ادا نمودند، سپس بر شتر خویش سوار شدند، تا اینکه به کوه مشعر الحرام رسیدند و رو بسوی قبله کرده دست به دعا شدند، و تکبیر و تهلیل (لا إله إلا الله) و خداوند ﷻ را به یگانگی، بسیار یاد نمودند، و تا زمانی

^۱ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۲ - سنن ترمذی: ۸۵۶، با تصحیح البانی: ۶۷۹.

به دعا و ذکر خداوند ﷻ ادامه دادند که فضا کاملاً روشن شد و قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منا حرکت کردند»^۱.

* - پیامبر اکرم ﷺ در روز دهم ذوالحجه یا یوم نحر، بعد از آنکه تحلل اول نمودند، عطر و خوشبویی استعمال نمودند و به سوی کعبه معظمه رهسپار شدند تا طواف افاضه را ادا نمایند، چنانکه از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «پیامبر خدا ﷺ را در منا، پیش از آنکه به خانه کعبه طواف نمایند عطر آگین نمودم»^۲.

* - همچنان یکی از مظاهر تعظیم آنحضرت ﷺ از زمان و مکان نسک و شعایر خداوند ﷻ آنست که ایشان در خطبه خویش فرمودند: «همانا خون‌ها و مال‌های شما در میان شما حرام است همچو حرمت این روز شما در این ماه شما و در این شهر شما»^۳.

همچنان ﷺ فرمودند: «ارجمندترین روزها در نزد خداوند ﷻ، روز نحر (عید قربان) سپس روز بعد آن یوم قر (روز استقرار) می‌باشد»^۴، یوم قر یعنی: روز یازدهم ذی الحجه یا روز دوم عید قربان است زیرا حجاج بعد از انجام اعمال روز عید، در منا استقرار یافته راحت می‌گیرند.

همچنان آنحضرت ﷺ می‌فرمایند: «روز عرفه و روز نحر و ایام تشریق، روزهای عید ما اهل اسلام است، و این روزهای خوردن و نوشیدن می‌باشد»^۵. چنانکه آنحضرت ﷺ حجاج را بر حفظ حرمت این روزهای پر فیض و عدم پایمال نمودن حرمت آن ترغیب و تشویق نموده فرمودند: «و حج مقبول مکفاتی جز بهشت ندارد»^۶، همچنان فرمودند: «کسی که حج کند و فحش‌گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که مادرش او را تولد کرده بود، (بی‌گناه) باز می‌گردد»^۷. این بیان مانند فرموده

۱ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

۲ - صحیح ابن خزیمه: ۲۹۳۴، و صحیح ابن حبان: ۳۸۸۱، با اسناد صحیح.

۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

۴ - سنن ابو داود: ۱۷۶۵، با تصحیح البانی: ۱۵۵۲.

۵ - سنن ترمذی: ۷۷۳، با تصحیح البانی: ۶۲۰.

۶ - متفق علیه.

۷ - متفق علیه.

خداوند ﷻ است که می‌فرماید: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«حج در ماه‌های معینی است، پس هرکس در این ماه‌ها، حج را بر خود لازم گردانید، پس - در حج - نه رفتی است (مقاربت با همسر و یا هر سخنی در باره آمیزش با زنان) و نه فسوقی و نه جدالی است در حج، و هر کار خیری که انجام می‌دهید، خداوند ﷻ آن را می‌داند، و توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه تقوی است، و ای خردمندان! از من بترسید». اما اگر در حج امروزه با دقت دیده شود، اشکال و انواعی از بی‌حرمتی‌های آشکار به محرمات و حدود خداوند ﷻ و سبک شمردن اعمال حج - از بسیاری حجاج - رخ می‌دهد که همه نتیجه عدم قدردانی حرمت و عظمت خداوند ﷻ چنان که باید و شایسته عظمت اوست، می‌باشد. قسمی که علامه ابن القیم رحمته در این مورد سخنی نفیسی فرموده که: (خداوند ﷻ را چنان که سزاوار اوست، قدر نگذاشتن، به این معناست: آنانیکه اوامر او تعالی را سبک و حقیر شمرده‌اند، راه نافرمانی و ارتکاب نواهی او را در پیش گرفته و حقوق و واجباتی که بر آن‌هاست ضایع نمودند، از جانب دیگر خداوند ﷻ را فراموش کرده و دل‌هایشان از ذکر وی غافل شده تا بلاخره هوی و هوس را بر خوشنودی الله ﷻ مقدم دانستند و طاعت مخلوق را بهتر از طاعت الله ﷻ شمردند، تا آنکه حقوق پروردگار در کردار و گفتار، و علم و عمل و مال‌شان مسأله بی‌اهمیت و پسمانده گردیده، زیب و زینت دنیا را هدف آخری و غایت زندگی قرار داده‌اند).^۱

پس برادر عزیز! بر من و تو لازم است حدود، حرمت و حریمی را که الله ﷻ تعیین کرده رعایت نموده همه کردار و گفتار خویش را مطابق و موافق فرامین الله ﷻ و رسولش در همه عرصه‌های زندگی خویش، اعم از فرایض، واجبات، سنن و مستحبات عیار سازیم، زیرا عمل صالح و مقبول آنست که موافق شریعت باشد، و اخلاص در عمل آنست که انگیزه آن رضا و خوشنودی الله ﷻ باشد.

برادرم! در این روزهای مبارک و پر فیض از ارتکاب گناه بپرهیز و باید سعی و تلاشت بر انجام فرایض و مناسک با صبر و شکیبایی بوده و دیگران را نیز بر آن توصیه و سفارش کن، چون راه نجات و رستگاری در چهار خصلت خلاصه شده: ایمان، عمل صالح، توصیه به حق، و توصیه به صبر.

ولی متأسفانه امروز بسیاری از مسلمانان دو خصلت اخیر را کاملاً ترک نمودند، و در دو خصلت اولی نیز کوتاهی می‌نمایند.

۳- اظهار بیزاری از مشرکان و تصمیم مخالفت با آنان

اسلام و شرک دو اندیشه متضاد است که با رسیدن یکی، دومی آن می‌کوچد، مثل شب و روز، آفتاب و مهتاب، ازینرو اولین اقدام مسلمانان بعد از برقراری امنیت و ثبات در مکه، پاک‌کاری و برچیدن مظاهر و آثار شرک بود، بلکه پیامبر ﷺ این موضوع را جدی گرفته و با شتاب بخاطر محو آن دست بکار شدند، و در فتح مکه هنگامی که وارد آن شدند در گرداگرد خانه کعبه سیصد و شصت بت نصب شده بود، با چوبی که در دست داشتند بر آن بتان می‌کوبیدند و این آیه کریمه را می‌خواندند:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ [الإسراء: ۸۱]. «و بگو! حق آمد و باطل نابود شد».

همچنان این آیه را نیز می‌خواندند: ﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ﴾ [سبأ: ۴۹]. «بگو - ای محمد به آنان - حق آمد (اسلام و توحید و قرآن) و دیگر باطل از سر نمی‌گیرد و بر نمی‌گردد»^۱. و آنحضرت ﷺ از داخل شدن به کعبه امتناع ورزیدند تا زمانی که بت‌ها را از آن بیرون آوردند، عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: «هنگامی که پیامبر خدا ﷺ وارد مکه شدند از داخل شدن به خانه کعبه خودداری نمودند، زیرا داخل آن بت‌ها وجود داشت، سپس امر فرمودند تا بت‌ها بیرون آورده شود»^۲. سپس هنگامی که خداوند ﷻ این آیت را نازل کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾ [التوبة: ۲۸].

«ای مؤمنان! حقیقت این است که مشرکان نجس‌اند، پس نباید که به مسجد الحرام نزدیک شوند بعد از این سال». آنحضرت ﷺ به اطاعت امر خداوند ﷻ مبادرت ورزیده

^۱ - صحیح بخاری: ۴۲۸۷.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۰۱.

به ابوبکر صدیق رضی الله عنه امر فرمودند تا به مردم اعلان نماید که: «بعد از این سال (سال نهم هجرت) مشرک حق ندارد حج کند»^۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این حج سعی ورزیدند تا با مشرکین بطور علنی مخالفت خویش را اعلان داشته، و با پیروی از خط مشی ابراهیم علیه السلام اسلام را در بسیاری از شعایر و احکام حج بپیماید، و در یکی از خطبه‌هایشان به مردم اعلان نمودند که: «راه و روش ما با آنها (مشرکان) مخالف است»^۲. سپس از اعمال و کردار مشرکین اظهار برائت نموده، در خطبه روز عرفه چنین فرمودند: «آگاه باشید! هر آنچه از امور جاهلیت است در زیر دو گامم نهاده شده است و خون‌های جاهلیت هدر است و اولین خونی را که از خون‌های دوره جاهلیت بی‌اعتبار می‌شمارم، خون ربیع بن الحارث است که در قبیله بنی سعد برای شیرخوارگی داده شده بود و بوسیله قبیله هذیل بقتل رسید، و سود زمان جاهلیت بی‌اعتبار است و نخستین سود از سودهای مان در دوران جاهلیت را که بی‌اعتبار می‌شمارم، سود عباس بن عبدالمطلب است که همه‌اش را بی‌اعتبار اعلان می‌کنم»^۳. مخالفت آنحضرت صلی الله علیه و آله با مشرکین آشکار بود، ایشان بر این نکته تأکید می‌ورزیدند که دین و آیین مسلمانان با ملت حق‌گرای ابراهیم علیه السلام یکی بوده و اختلافی وجود ندارد، بنابراین ایشان ابن مریم علیه السلام را به عرفات فرستادند تا به مردم اعلان بدارد که: «ای مردم بر مشاعرتان - در عرفه - باقی بمانید، زیرا شما بر سنت و طریقت ابراهیم علیه السلام قرار دارید»^۴. چون قریش وقوف در مزدلفه را اختراع نموده بودند. همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله بخاطر اظهار مخالفت با مشرکین اعلان نمودند که امت ایشان از تاریخ شکوهمند و عظیمی توحید برخوردارند که مردمان برگزیده و یکتا پرست خداوند عز و جل در ادای این نسک پیشقدم بودند از اینرو در چند مقام، حج انبیای پیشین را از کعبه مشرفه یادآور شدند از جمله: زمانی که آنحضرت صلی الله علیه و آله از وادی ازرق می‌گذشتند پرسیدند: «این کدام وادی است؟ گفتند: این وادی ازرق است آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند:

^۱ - متفق علیه.

^۲ - سنن بیهقی: ۱۲۵/۵، مستدرک حاکم: ۳۰۴/۲ و فرمود: مطابق شرط شیخین است و ذهبی با وی موافق است.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۴ - سنن ابن ماجه: ۳۰۱۱، با تصحیح البانی: ۲۴۳۸.

مثل اینکه من موسیٰ عليه السلام را می بینم که از گردنه کوه پایین می آید و با تلبیه به درگاه خداوند جل جلاله تضرع و زاری می کند سپس آنحضرت صلی الله علیه و آله بر کوه هرشا آمده پرسیدند: این کدام کوه است؟ گفتند: کوه هرشا. فرمودند: مثل اینکه یونس بن متی را نگاه می کنم که بر شتر سرخ پر پشم سوار است و پیراهنی از پشم بر تن دارد، و افسار شترش از لیف خرماست، تلبیه می گوید»^۱. همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «قسم بذاتیکه جانم در دست او است! عیسی بن مریم از فج الروحاء نیت احرام حج یا عمره، و یا هر دو را با همدیگر خواهد بست»^۲، اما شعایر و اعمالی که ایشان صلی الله علیه و آله از روی قصد، بخاطر مخالفت با مشرکین انجام دادند، عمده ترین آن را ذیلا یادآور می شویم:

* - تلبیه: مشرکان عهد جاهلیت تلبیه را با کلمات شرکی آمیخته نموده می گفتند: «إِلَّا شَرِيكًا هُوَ لَكَ تَمَلِكُهُ وَمَا مَلَكَ»^۳. یعنی: «مگر شریکی داری که در ملکیت تو قرار دارد و مالک چیزی نیست». اما تلبیه ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امتشان تعلیم دادند، تعهد به دوام عبودیت و عاجزی و ذلت، اخلاص، و اعتراف به یگانگی و عظمت خداوند جل جلاله را در بر دارد، پس شعار توحید، روح و مقصد تمامی عبادت ها است، و تلبیه کلید این عبادت بزرگ است که فقط با آن می توان به حج داخل شد.

* - پیامبر صلی الله علیه و آله با حضور یافتن شان در موقف بزرگ عرفات مخالفت خویش را با کفار و مشرکین قریش اظهار نمودند، زیرا قریش و قبایل هم کیش آن، قبلا در مزدلفه وقوف می کردند و می گفتند: ما (اهل الله) و حرم نشینان او هستیم، و جز از داخل حدود حرم، از جای دیگر به سوی منی روانه نمی شویم»^۴.

* - همچنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بخاطر مخالفت با مشرکین، از عرفه بعد از غروب آفتاب روانه مزدلفه، و از مزدلفه بسوی منی قبل از طلوع آفتاب روانه شدند، زیرا مشرکین عهد جاهلیت، عرفه را قبل از غروب آفتاب ترک می نمودند و مزدلفه را بعد از طلوع آفتاب، چنانکه از مسور بن مخرمه رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در عرفه خطبه بما ایراد نمودند. ایشان صلی الله علیه و آله در این خطبه بعد از ثنا و ستایش خداوند جل جلاله

^۱ - صحیح مسلم: ۱۶۶، و کوه هرشا در راه مدینه و شام، نزدیک جحفه قرار دارد.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۶۶، با شرح نووی.

^۳ - متفق علیه.

^۴ - متفق علیه.

چنین فرمودند: «همانا مشرکین و بت پرستان از اینجا (عرفه) نزدیک غروب آفتاب، هنگامی که آفتاب بر سرکوه‌ها مانند عمامه که بر سر مردان می‌باشد، حرکت می‌نمودند پس روش ما با آن‌ها مخالفت دارد، و از مشعر الحرام هنگام طلوع خورشید از بالای کوه‌ها که مانند عمامه سر مردان می‌باشد، روانه منا می‌شدند، پس راه و روش ما با آن‌ها مخالف است»^۱.

در روایت عمرو بن میمون چنین آمده که فرمود: «ما با عمر فاروق رضی الله عنه حج نمودیم، هنگامی که می‌خواستیم از مزدلفه روانه منا شویم فرمود: مشرکین می‌گفتند: ای آفتاب! بر کوه ثبیر بتاب تا بسوی منا بشتابیم و روانه منا نمی‌شدند تا آنکه آفتاب طلوع می‌کرد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آن‌ها مخالفت‌شان را اعلان نموده قبل از طلوع آفتاب بسوی منا حرکت نمودند»^۲.

* - چنانکه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بعد از ادای حج، ام المومنین عایشه رضی الله عنها را عمره دادند، تا با رسم و رواج مشرکان مغایرت صورت گیرد، زیرا مشرکان عمره بعد از حج را روا نمی‌دیدند تا آنکه ماه صفر داخل گردد. قسمی که از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «سوگند به خداوند! آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم عایشه رضی الله عنها را در ماه ذی الحجه بمنظور مخالفت با مشرکان عمره دادند، زیرا قریش وهم کیشان‌شان می‌گفتند: هرگاه پشم شتران بسیار گردد، و زخم‌های پشت آن‌ها عافیت یابد، و ماه صفر داخل گردد، پس از آن عمره برای کسی که بخواهد، روا گردد، آن‌ها عمره را در ماه ذی الحجه و محرم، حرام می‌دانستند»^۳.

* - همچنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بمنظور به خشم آوردن مشرکین، در اماکنی که آن‌ها به خداوند عز و جل و پیامبرش کفر ورزیده و اعلان دشمنی نموده بودند، شعایر و مراسم دین اسلام را بر پا و عملی نمودند، طوری که در منا فرمودند: «فردا در خیف بنی کنانه از وادی محصب فرود خواهیم آمد، جایی که مشرکان قریش و بنی کنانه گرد آمده و بر ضد بنی عبدالمطلب با هم پیمان بستند که با آنان خویشاوندی نکنند، و خرید و فروش

^۱ - سنن بیهقی: ۱۲۵/۵ و مستدرک حاکم: ۳۰۴/۲ حاکم فرمود: این حدیث مطابق شروط شیخین

می‌باشد. و هیشمی در مجمع الزوائد: ۲۵۵/۳ فرموده: روایانش، روایان صحیح‌اند.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۸۴، و سنن ابن ماجه: ۳۰۲۲.

^۳ - سنن ابو داود: ۱۹۸۷، با تحسین البانی: ۱۷۵۰.

نمایند، تا آندم که رسول خدا ﷺ را برای کشتن به آنان تسلیم نمایند»^۱. لیکن خداوند ﷻ نه تنها نیرنگ و توطیه مصمم گشته آنان علیه رسول اکرم ﷺ را محو و نابود ساخت، بلکه برنامه و دسیسه‌های‌شان را دگرگون ساخته و ناکام و ناامید شده به مقصود نرسیدند. سپس پیامبر خویش را نصرت بخشید و کلمه توحید را بلند و دین و آیین راست و مستقیم خود را کامل نمود. ابن قیم رحمته می‌فرماید: «آنحضرت ﷺ همیشه سعی می‌ورزیدند تا در جاهایی که مراسم و شعایر کفر به اجرا در می‌آمد، شعار توحید را بلند و پا برجا نمایند، چنانکه امر فرمودند تا در موضع بت‌های لات و عزی در طایف، مسجد بنا گردد»^۲. مخالفت با مشرکین منحصر به اعمال پیامبر ﷺ نبوده بلکه اصحاب کرام را نیز در مواردی که به آن‌ها ارتباط می‌گرفت امر می‌فرمودند، مانند امر ایشان به مسلمانان غیر قریش اینکه احرام ببندند تا با فرامین مشرکین که آن را خود پدید آورده بودند، مخالفت صورت گیرد، زیرا مشرکان قریش مردمان غیر قریش را که برای طواف می‌آمدند امر می‌نمودند تا با لباس‌های‌شان طواف نمایند و اگر کسی احرام بر تن می‌داشت اجازه طواف را نداشت، مگر اینکه برهنه طواف نماید!

لیکن پیامبر ﷺ در سال نهم هجرت امر فرمودند تا در حج اعلان گردد که (بعد از امسال نباید شخصی برهنه به خانه کعبه طواف نماید)^۳.

همچنان آنحضرت ﷺ به آن عده یارانشان که قربانی را با خود نبرده بودند امر فرمودند تا حج تمتع نمایند، تا مخالفت با نسک و مراسم مشرکین صورت گیرد، زیرا مشرکین عمره نمودن در ماه‌های حج را از زشت‌ترین گناهان و گستاخی با ماه‌های حج می‌شمردند^۴. چنانکه پیامبر ﷺ انصار را امر نمودند تا میان صفا و مروه مخالف با رسم جاهلیت، سعی نمایند: «میان صفا و مروه سعی نمایید زیرا خداوند ﷻ آن را بر شما لازم گردانیده است»^۵. انصار در عهد جاهلیت چنین عادت داشتند که در وقت اراده حج، بنام بت‌های‌شان نیت حج می‌کردند و سعی میان صفا و مروه را گناه

۱- صحیح بخاری: ۱۵۹۰.

۲- زاد المعاد: ۱۹۴/۲.

۳- صحیح بخاری: ۱۶۲۲.

۴- صحیح بخاری: ۷۲۳۰.

۵- صحیح ابن خزیمه: ۲۷۶۴، این حدیث صحیح است.

می‌شمردند، چنانکه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها این موضوع را به عروه بن زبیر بیان نمود: «عروه بن زبیر رضی الله عنه به خاله‌اش حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها گفت: بنابر این آیه (کسی که بین صفا و مروه سعی ننماید، بروی گناهی نیست) باکی نیست که بین این دو طواف ننمایم، عایشه رضی الله عنها فرمود: خواهر زاده عزیزم! اگر معنای آیه طوری که تو تأویل نمودی می‌بود، چنین می‌گفت: (باکی نیست که طواف ننماید)، ولی این آیه در باره انصار نازل گردید که پیش از مسلمان شدن، در وقت اراده حج به نام بت (منات) که یکی از معبودان آن‌ها بود، و روی تپه بلندی قرار داشت، نیت حج می‌کردند، و از سعی نمودن بین صفا و مروه خودداری نموده آن را گناه می‌شمردند، هنگامی که مسلمان شدند، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حکم سعی بین صفا و مروه پرسیده گفتند: یا رسول الله! ما از سعی نمودن میان صفا و مروه احساس گناه می‌کردیم، و همان بود که این آیت مبارکه نازل گردید: ﴿إِنَّ الْأَصْفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ [البقرة: ۱۵۸].

«در حقیقت صفا و مروه از شعائر الهی است». همانا خداوند جل جلاله حج و عمره کسی را که میان صفا و مروه سعی نکند، کامل نمی‌گرداند»^۱. لذا ابن قیم رحمته الله نگاشته است: «شریعت اسلام در همه امور بویژه مناسک، بر مخالفت مشرکین انجام یافته است»^۲.

پس خوشا به حال کسی که راه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را سرمشق زندگی خویش قرار داده در هر قدم پیرو سنت ایشان بوده و از واقع شدن در مخالفت با ایشان بشدت حذر کرده و از پیروی یا مشابهت با مشرکین اجتناب می‌نماید، زیرا آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در تمام امور زندگی با مشرکان مخالفت نموده و فرموده‌اند: «کسی که از قومی تقلید کرد پس وی از آن‌هاست»^۳. همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «کسی که مردمی را دوست بدارد با آن‌ها حشر خواهد شد»^۴.

۱- متفق علیه.

۲- حاشیه ابن قیم بر سنن ابو داؤد: ۵/ ۱۴۶.

۳- سنن ابو داؤد: ۴۰۳۱، با تحسین و تصحیح البانی: ۳۴۰۱.

۴- مستدرک حاکم: ۱۹/ ۳ بدون سند، لیکن حاکم بر صحت آن تاکید ورزیده است، و شاهدی که آن را تقویت می‌بخشد حدیثی که در بخاری به شماره ۶۱۶۹، ذکر است «شخصی همراه کسی است که دوستش می‌دارد» و حدیثی دیگر: «تو در روز قیامت همراه کسی حشر می‌شوی که دوستش می‌داری» متفق علیه.

۴- دعا و نیایش و اظهار عاجزی پیامبر خدا ﷺ در برابر پروردگار ﷻ:

دعا مقام و منزلت رفیع و شأن والایی دارد، زیرا بنده مسلمان در دعایش حضور قلب داشته، خشوع و شکستگی و عاجزی ببارگاه خداوند ﷻ را اظهار می‌نماید، پس بنابر منزلت بزرگ و مقامی که دعا میان سایر عبادات دارد، پیامبر ﷺ آن را عبادت واقعی و حقیقی خوانده می‌فرمایند: (دعا خودش عبادت است) ^۱. یعنی: رکن اساسی عبادت دعاست، زیرا بنده در دعایش تنها از خداوند ﷻ مسألت و طلب نموده، جز الله ﷻ از هیچکس استعانت، نصرت و شفا نمی‌جوید، چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده‌اند: «هیچ چیزی گرامی و ارجمند در نزد خداوند ﷻ مانند دعا وجود ندارد» ^۲.

پیامبر گرامی ﷺ در حج با جدیت کامل به اطاعت و عبادت پروردگار مشغول بودند و برای حصول رضا و خوشنودی او تعالی بشدت تلاش می‌نمودند. ایشان در طواف ^۳ و در هنگام ایستادن بر کوه صفا و مروه، و در روز عرفه به زاری و التماس با اوقات طولانی به خداوند ﷻ پرداختند. آنحضرت ﷺ در روز عرفه درحالی که برشترشان سوار بودند، دستان مبارکشان را نزدیک به سینه‌شان بلند نموده مانند مسکینی که طعام بخواهد، از آغاز ایستادن در موقف عرفات، بعد از ادای نماز ظهر تا غروب آفتاب رو به سوی قبله دعا می‌کردند، چنانکه آنحضرت ﷺ در مزدلفه و مشعر الحرام، بعد از ادای نماز صبح آنقدر دعا کردند تا اینکه هوا روشن شد، قبل از اینکه آفتاب طلوع کند ^۴. و در ایام تشریق نیز ایشان بعد از سنگ انداختن بر جمره کوچک و وسطی، جلو رفته فاصله می‌گرفتند و آنگاه رو به طرف قبله ایستاده دستان‌شان را بلند می‌کردند و تا مدت دیر دعا می‌نمودند ^۵. ابن قیم رحمته الله علیه می‌فرماید: «آنحضرت ﷺ به اندازه تلاوت سوره بقره ایستاده و دعا می‌کردند» ^۶. این روایاتی است که در مورد دعای طلب

^۱ - سنن ترمذی: ۲۹۶۹، با تحسین و تصحیح البانی: ۲۵۹۰.

^۲ - صحیح ابن حبان: ۸۷۰، با اسناد حسن.

^۳ - سنن ابو داود: ج ۱، ۱۸۹۲، با تحسین البانی: ۱۶۶۶.

^۴ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۵ - صحیح بخاری: ۱۷۵۱.

^۶ - زاد المعاد: ۲/۲۸۵، شاید استنادی وی فعل عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما که بیهقی آن را نقل نموده است باشد: از وبره نقل است که فرمود: «ابن عمر رضی الله عنهما بعد از سنگ ریختن به جمره در پهلوی

حاجات از الله ﷻ، از آنحضرت ﷺ روایت شده است، اما دعاهای متعلق به ذکر و ثنا و ستایش پروردگار که از ایشان روایت شده بسیار زیاد است و آنحضرت ﷺ هیچگاهی آن را ترک نکرده‌اند، چنانکه ثابت است که آنحضرت ﷺ از اولین گامی که از میقات ذی الحلیفه برداشتند تا آخرین لحظات برگشت و ورود به مدینه نبوی در تمام این مدت، زبان مبارکشان به ذکر خداوند ﷻ، با گفتن ثنا و ستایش پروردگار طوری که شایسته آن است، و تلبیه و تکبیر و تسبیح و ذکر «لا إله إلا الله» و «الحمد لله» مشغول می‌بود، خلاصه در همه حالات چه سوار و یا پیاده، ذکر خداوند ﷻ را رها نکرده‌اند، و هرکه در صفات حج آنحضرت ﷺ دقت نماید، به این نکته پی خواهد برد^۱. و نکته مهمی دیگری که باید یادآور شد آنست، آنچه که از دعا و ثنا و ستایش و نیایش پیامبر ﷺ با پروردگارش نقل شده است، نسبت به سایر امور حج بسیار کم است، زیرا این امر متعلق به رابطه و پیوند سری بنده با پروردگارش بوده و هر کسی با خداوند ﷻ راز و نیاز و طلب حاجاتی داشته و بوی محتاج است، لیکن آنحضرت ﷺ بمنظور تعلیم امت بعضی از دعاها را جهراً خوانده‌اند تا سر مشق همیشگی به امت گردد، قسمی که حدیث جابر رضی الله عنه بر این امر دلالت می‌کند که: «آنحضرت ﷺ این آیت را ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ [البقرة: ۱۲۵]. با آواز بلند تلاوت نمودند تا مردم بشنوند»^۲.

و آشکار است که هدف از برپا نمودن مراسم حج، ذکر خداوند ﷻ است طوری که آیت کریمه ذیل به آن اشاره نموده است، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۱۹۹) فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ ﴿۲۰۰﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

چپ آن ایستاد و دعا نمود، به اندازه که اگر می‌خواستی، سوره بقره را تلاوت می‌کردی» سنن بیهقی: ۱۴۹/۵.

^۱ - بطور مثال به احادیث زیر مراجعه شود: صحیح بخاری شماره‌های: ۱۵۴۴، ۱۵۵۰، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۹۷. و صحیح مسلم: ۱۲۱۸، و سنن ترمذی: ۳۵۸۵، با تصحیح البانی: ۲۸۳۷.

^۲ - سنن نسایی: ۲۹۶۱، با تصحیح البانی: ۲۷۷۱.

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۳۱﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۳۲﴾
 وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا
 إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۳۳﴾ [البقرة: ۱۹۹-۲۰۳].

«پس چون مناسکتان را ادا نمودید، پس همان‌گونه که پدران تان را یاد می‌کنید یا بهتر و بیشتر از آن، خداوند ﷻ را یاد کنید. پس از مردمان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا در همین دنیا به ما عطا کن و حال آنکه، برایش در آخرت نصیبی نیست، و از آنان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! به ما در دنیا بهره نیک و در آخرت هم بهره نیک عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ در امان بدار، اینانند که از -جنس- آنچه که به عمل آورده‌اند، آنان را بهره‌ای است و الله سریع الحساب است، و خداوند ﷻ را در روزهایی معین یاد کنید (یعنی در ایام تشریق). همچنان فرموده او تعالی: ﴿لَيْشَهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾ [الحج: ۲۸].

«تا شاهد منافی برای خویش باشند و تا نام خداوند ﷻ را در روزهای معلومی یاد کنند بر ذبح آنچه که الله به آنان از چهارپایان مواشی روزی داده است». بلکه همه اعمال و شعایر حج بمنظور ذکر خداوند ﷻ وضع شده است، قسمی که حدیث عایشه رضی الله عنها بر این موضوع گواه است: «همانا طواف به کعبه و میان صفا و مروه، و سنگ پرتاب کردن بر جمره‌ها از برای ذکر خداوند ﷻ است»^۱.

و حدیث نبیشه الهذلی رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ایام تشریق روزهای خوردن و نوشیدن و ذکر خداوند ﷻ است»^۲.

ملاحظه می‌گردد، دعاهای که از پیامبر صلی الله علیه و آله در حج روایت شده همه دعاهای جامع و عام است مانند دعای ایشان میان دو رکن (یمانی و حجر الأسود): «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۳. یعنی: «پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما

^۱ - جامع ترمذی: ۹۰۲، با تصحیح و تحسین ترمذی، و سنن ابی داود: ۱۸۸۸، و مستدرک حاکم: ۱/۴۵۹ با تصحیح حاکم و موافقت ذهبی با وی، و مخالفت البانی با آن‌ها بر تضعیف آن (۲۰۵۶).

^۲ - صحیح مسلم: ۱۱۴۱.

^۳ - سنن ابی داود: ۱۸۹۲، با تحسین البانی: ۱۶۶۶.

نیکی عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ نجات ده». لذا خوشبخت و رستگار کسی است که خود را ملزم به پیروی از رسول خدا ﷺ دانسته و اعمال خویش را با سنت ایشان مزین کند، و با حضور قلب و توجه کامل، و خشوع و شکستگی، و اظهار بیچاره‌گی و ذلت و عاجزی به بارگاه پروردگار روی آورده و قبل از عرض حاجاتش توبه و استغفار صادقانه کرده و با اصرار شدید حاجتش را از خداوند ﷻ خواسته و به اسماء و صفات گرانقدرش به پیشگاه او توسل بجوید، و از ضایع نمودن اوقات در اموریکه سودی بوی نمی‌رساند اجتناب ورزیده و در دعای خویش، زحمت، مشقت و سختی‌های دنیا را از خداوند طلب نکند.^۱

۵- خشم و غضب بخاطر خداوند ﷻ و باز ایستادن در حریم ارزش‌های شرعی

خشم در راستای دفاع از دین خداوند ﷻ، و حیثیت، جان، مال و سایر ارزش‌های مسلمان، و توقف نمودن وی در حریم تعیین شده شرعی، علامه ایمان، تقوای عالی، صدق، اخلاص و کمال بندگی بشمار می‌رود، پیامبر خدا ﷺ که پرهیزگارترین مردمان بودند، بخاطر حفظ حرمت دین خشمگین می‌شدند و در عین زمان آگاه‌ترین مردمان به حدود و حرمت دینی بودند. در رابطه با خشم و غضب پیامبر خدا ﷺ بخاطر خدای ﷻ و حفظ حرمت و ارزش‌های دینی، نمونه‌های از مواضع ایشان در حج هویدا شده است که به برخی از این مواضع اشاره می‌نمایم:

* - آنحضرت ﷺ در میقاتگاه ذوالحلیفه یک شبانه روز کامل را سپری نمودند تا کسانی که عزم حج را دارند به ایشان بییوندند، و همچنان به امر پروردگار سبحان نماز بگذارند، قسمی که از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «از رسول خدا ﷺ در وادی عقیق شنیدم که می‌فرمودند: شب گذشته جبریل علیه السلام از جانب پروردگار آمد و فرمود: در این وادی مبارک نماز بخوان، و نیت کن که اعمال عمره را با اعمال حج

^۱ - در تفسیر این کثیر: ۵۵۹/۱ اثری از انس رضی الله عنه در مورد عدم طلب نمودن سختی در دنیا ذکر است که به آن مراجعه شود.

یکجا انجام دهی»^۱. زیرا نظر به قول برگزیده شده، آنحضرت ﷺ روز شنبه بعد از آنکه نماز ظهر را در مسجدشان چهار رکعت خواندند، رهسپار ذوالحلیفه میقات اهل مدینه شدند، و روز یکشنبه بعد از ادای دو رکعت نماز مسافران ظهر، بسوی مکه مکرمه حرکت نمودند^۲. ابن کثیر رحمته چنین فرموده است: «چنان ظاهر می‌گردد که امر شدن ایشان ﷺ به نماز در وادی عقیق، در حقیقت امری از جانب خداوند عزوجل بر اقامت گزیدن آنحضرت ﷺ بود تا نماز ظهر روز بعدی را نیز ادا نمایند، زیرا امر به نماز در وادی عقیق در شب صورت گرفت، و ایشان اصحاب را بعد از نماز صبح آگاهی دادند، که در این صورت جز نماز ظهر، نماز دیگری در پیشرو نبود، لذا خداوند عزوجل بوسیله جبریل امر فرمود تا این نماز را در آن وادی مبارک ادا نمایند»^۳. پس در چنین توقف و انتظار طولانی، زحمت و مشقت آشکارا بر مسافری که ده‌ها هزار نفر را در رکاب دارد هویداست.

* - آنحضرت ﷺ در مکه از احرام بیرون نیامدند، زیرا ایشان قربانی را با خود برده بودند، لیکن بخاطر رعایت حال اصحاب، کسانی را که با خود قربانی نبرده بودند، دستور دادند تا بعد از ادای عمره، از احرام بیرون آیند، و بجای نیت حج، نیت عمره نمایند، ولی برخی از اصحاب پیامبر ﷺ در اجرای امر ایشان تاخیر نمودند، به این گمان که مسأله شاید اختیاری باشد، حتی بعضی از آنان نظر به بی‌ربغتی‌شان در بیرون آمدن از احرام گفتند: «ما به منا میرویم درحالی که از ذکرهای ما منی بچکد!» یعنی: اگر از احرام بیرون بیایم و سپس با همسران مان همبستر شده جماع نمایم چگونه می‌شود که متصل به این عمل، نیت حج نموده وبه طرف منا برویم، زیرا انسان در وقت حج باید از انجام دادن چنین اعمالی دور باشد، با شنیدن همچو عبارات و عدم تنفیذ دستور ایشان، آنحضرت ﷺ بخاطر خداوند عزوجل، که چون ایشان فرستاده اوست و از ایشان نافرمانی صورت گرفته است، از میان اصحاب برخاسته بر ام

^۱ - صحیح بخاری: ۱۵۳۴، وادی عقیق از شهر مدینه چهارمیل فاصله دارد، همچنان از ابن عمر رضی روایت است که فرمود: «هنگامی که پیامبر ﷺ در ذوالحلیفه استراحت کرده بودند، در خواب دیدند که کسی برای‌شان گفت: تو در وادی مبارکی قرار داری» صحیح بخاری: ۱۵۳۶.

^۲ - سیرت نبی ابن کثیر: ۲۱۵/۴، و زاد المعاد: ۱۰۲/۲.

^۳ - سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۲۲/۴.

المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها داخل شدند، درحالی که در چهره مبارکشان رضی الله عنه آثار خشم و غضب دیده می‌شد، حضرت عایشه رضی الله عنها فرمود: (ای رسول خدا! چه کسی شما را خشمگین و ناراحت نموده است، که با این کار وارد دوزخ خواهد شد؟!)

آنحضرت رضی الله عنه فرمودند: «آیا ندانستی که مردم را به کاری دستور دادم، لیکن در تنفیذ آن متردد هستند، و اگر آینده کارم را می‌دانستم این چنین نمی‌کردم، -قربانی نمی‌آوردم- و آن را عمره قرار می‌دادم، و قربانی را از مکه خریداری می‌کردم، سپس مانند آن‌ها از احرام بیرون می‌آمدم»^۱. آنحضرت رضی الله عنه بیرون آمدند و میان اصحاب کرام ایستاده فرمودند: «چنانکه خوب می‌دانید، من با تقواترین و صادق‌ترین و نیکوترین بنده خدا نسبت به همه شما هستم، اگر من هدی (قربانی) را با خود نمی‌آوردم، همین کاری را که به شما می‌گویم، انجام می‌دادم، پس از احرام خارج شوید»^۲. صحابه رضی الله عنهم چون این سخن را شنیدند، موافق دستور پیامبر خدا رضی الله عنه عمل نمودند.

* - همچنان آنحضرت رضی الله عنه هنگامی که از عادت ماهانه ام المومنین صفیه رضی الله عنها آگاه شدند، درحالی که ایشان رضی الله عنه نمی‌دانستند که صفیه رضی الله عنها در روز نحر (عید) طواف فرضی را انجام داده‌است، و بعد از آن قاعده -معذور- شده است، آنحضرت رضی الله عنه فرمودند: آیا او حبس کننده و نگهدارنده ما -از بر گشتن به مدینه- است؟^۳

زیرا اگر اینکار میشد، مسلمانان در تنگنا شدید قرار می‌گرفتند، چون بخاطر وی (صفیه رضی الله عنها) باید همه مردم انتظار مانده و مشقت بزرگی را تحمل می‌شدند.

پس ای بنده خدا! بهترین مردمان روی زمین حضرت مصطفی رضی الله عنه را قدوه و سر مشق امور خویش گردان، و از جمله کسانی باش که هنگام پایمال شدن حرمت و ارزش‌های دینی، بخاطر خوشنودی خداوند عز وجل خشمناک می‌شوند و از حریم خداوندی و اوامر و نواهی او تعالی سر نمی‌پیچند و از عمل به طاعت وی رضی الله عنه سر باز نمی‌زنند، پس از این چنین اعمال زشت پرهیزکن، زیرا یکی از اسباب هلاکت و در فتنه

۱- صحیح مسلم: ۱۲۱۱.

۲- متفق علیه.

۳- صحیح بخاری: ۱۷۷۲.

واقع شدن بنده مسلمان می‌گردد، طوری که خداوند ﷻ فرموده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«پس کسانی که از فرمان او (پیامبر ﷺ) تمرد می‌کنند، باید برحذر باشند از آن که، فتنه‌ای به ایشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند».

و اگر خواهان پیروزی و رستگاری در دنیا و آخرت هستی پس در همه برنامه‌های زندگی از فرامین و دستاویز پیامبر ﷺ فرمانبرداری نموده و آن را سرمشق زندگی خویش قرار ده، چنانکه پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «از آنچه شما را منع کردم پرهیز نمایید و به آنچه شما را دستور داده‌ام آن را بجای آورید تا اندازه که توانایی آن را دارید، که همانا کسانی که پیش از شما بودند، بسبب سوال‌های بسیار و اختلاف‌شان بر پیامبران‌شان نیست و نابود شدند»^۱. و وصیت عارف را هیچگاه فراموش مکن که فرموده است: «هرگاه به این عبارت در کتاب خداوند ﷻ برخوردی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ «ای مومنان» پس به آن گوش فرا داده و دقت نما که ترا به خیری امر می‌کند، و یا اینکه از شری ترا باز می‌دارد»^۲. و مبادا از آن غافل شوی، زیرا غفلت و روی گردانی از آن، یکی از اسباب بدبختی، و محروم شدن بنده از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت است.

۶- فروتنی، آرامش و وقار

حضور و سکون قلب، در متانت اعضا و وقار انسان آشکار می‌گردد، زیرا ظاهر بنده نمایندگی از باطن وی می‌کند^۳، پیامبر خدا ﷺ در حج با این دو صفت حمیده آراسته بودند، ایشان ﷺ با قلب آرام و بدون اندیشه و نگرانی به مناسک خویش را با کمال بنده‌گی به خداوند ﷻ و در انتهای شکسته نفسی و اظهار عاجزی به خداوند سبحان، و با چشمان پر از اشک، و گریه و ناله و زاری به بارگاه الله تبارک و تعالی، با دستان بلند

^۱ - متفق علیه

^۲ - این سخن از فرموده‌های عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می‌باشد: سنن سعید بن منصور ۸۴۸.

^۳ - فتح الباری از ابن حجر: ۲ / ۲۶۴.

به دعا و ثنای خداوند و ایستادن طولانی^۱، انجام دادند که روایات متعددی در این مورد ذکر شده است از جمله: فرموده حضرت جابر رضی الله عنه که حالت آنحضرت صلی الله علیه و آله را در وقت طواف چنین بیان نموده است: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بعد از لمس نمودن حجر الأسود، در حالی که اشک از چشمانشان جاری بود، سه دور طواف را شتابان، و چهار دور طواف دیگر را با رفتار عادی انجام دادند، و هنگامی که از طواف فارغ شدند، حجرالاسود را بوسیدند و دستانشان را بر آن گذاشتند سپس بر روی مبارکشان مسح نمودند»^۲.

همچنان از سالم رضی الله عنه نقل شده که ابن عمر رضی الله عنهما جمره کوچک را به هفت سنگریزه می زد و با زدن هر سنگریزه تکبیر می گفت، بعد از آن پیش می رفت تا به همواری می رسید، در آنجا روی به قبله، مدت طولانی دست هایش را بالا کرده دعا می نمود. بعد از آن جمره میانه را با سنگریزه می زد، بعد از آن طرف شمال را می گرفت تا به همواری می رسید، در اینجا نیز روی به قبله مدت طولانی دست هایش را بالا کرده و دعا می کرد، بعد از آن جمره عقبه را از قسمت پایانی وادی رمی می کرد، و در آنجا توقف نمی کرد، بلکه بر می گشت و می فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که همین طور می نمودند^۳. چنانکه آنحضرت صلی الله علیه و آله با متانت و وقار، و آرامش خاطر و اعضا، با سیر نرم و آرام، مناسک را ادا نمودند، قسمی که جابر رضی الله عنه روایت نموده است که آنحضرت صلی الله علیه و آله درحالی روانه منا شدند که سکون و آرامش برایشان هویدا بود^۴.

^۱ - روایات زیادی در این مورد ذکر شده بطور مثال: صحیح بخاری شماره: ۱۷۵۱، و صحیح مسلم شماره: ۱۲۱۸.

^۲ - سنن کبری از بیهقی: ۵ / ۷۴، و ابن کثیر رضی الله عنه در سیرت نبی فرموده: اسناد آن جید است ۳ / ۳۱۷.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۷۵۱، ۱۷۵۳، ابن قیم رضی الله عنه در مورد عدم توقف آنحضرت صلی الله علیه و آله بعد از زدن جمره عقبه فرموده است: شاید بخاطر تنگی مکان در وادی منا توقف نکردند، و گفته شده است: آنحضرت صلی الله علیه و آله بر این عادت بودند که در وسط عبادت دعا می نمودند و ثابت نشده که بعد از فارغ شدن از عبادت دعا نموده باشند و هرکسی روایت کرده که ایشان صلی الله علیه و آله بعد از فارغ شدن از عبادت دعا نموده اند، مرتکب اشتباه بزرگی شده است، زاد المعاد: ۲ / ۲۸۶.

^۴ - سند احمد با اسناد صحیح: ۱۸۱۶.

فضل بن عباس رضی الله عنه نیز روایت نموده که: «هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از عرفه حرکت نمودند با سکون و آرامی سیر می نمودند تا آنکه به مزدلفه رسیدند»^۱.

همچنان عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت نموده که وی در روز عرفه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به طرف مزدلفه می آمد، در این هنگام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از پشت سر هیاهوی مردم و زدن شتران را شنیدند، ایشان صلی الله علیه و آله با تازیانه که بدست داشتند، به سوی مردم اشاره نموده و فرمودند: «ای مردم! آرام و با وقار باشید، ثواب و خیر در شتاب و تیز رفتن نیست»^۲.

پس برادر عزیز، حاجی محترم! سعی و تلاشت این باشد که حج و سایر عبادات صرف برای خدا صلی الله علیه و آله و مطابق سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد، و در ادای مناسک حج از شتاب اجتناب نموده، وقار و آرامش، و اطمینان و حضور قلب را فراموش مکن، و در کردار و گفتار خویش دقت نموده معنا و هدف آن را درست درک کن، زیرا اینکار باعث می شود تا در همه اعمال حکیمانه تصرف نموده و باطل را از حق تمیز نمایی.

حج را با راحت خاطر انجام بده و از اعمال مردمان جاهل که می خواهند هرطور شود ولی زودتر مراسم حج را بیایان برسانند و به خانه های شان برگردند، در حذر باش، زیرا زبان حال آن ها چنین می گوید که: پروردگارا! ما را از این مراسم به راحتی بیار، و نمی گویند که: پروردگارا! با برپا داشتن مراسم حج، بما اطمینان و راحت خاطر نصیب فرما.

۷- خیر خواهی و پیشبردن آن

الله صلی الله علیه و آله بندگان را به تقوا و سبقت جستن در امور خیر تشویق و ترغیب نموده است، چنانکه خداوند صلی الله علیه و آله می فرماید: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ [البقرة: ۱۹۷].

«و توشه بگیری که در حقیقت بهترین توشه تقواست». همچنان خداوند صلی الله علیه و آله می فرماید:

^۱ - صحیح بخاری: ۱۶۷۱، عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه از این حدیث استدلال نموده در خطبه روز عرفه به مردم فرمود: «پیشی گرفتن در تیز رانی اسپ و شتر نیست، بلکه سبقت کسی جسته که مورد

عفو خداوند صلی الله علیه و آله قرار گرفته باشد» فتح الباری: ۵۲۲/۳.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۷۱.

﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾

﴿۱۳۳﴾ [آل عمران: ۱۳۳].

«و بشتایید بسوی آمرزشی از جانب پروردگار خویش و بهشتی که پهنای آن مانند عرض آسمان‌ها و زمین است، برای پرهیزگاران آماده شده است.»

و همچنین آنحضرت ﷺ براساس پیشی گرفتن در امور خیر و عهده‌دار شدن آن مانند همیشه، در ایام حج نیز بر آن تلاش می‌ورزیدند، که چند مظهر از مظاهر آن را خدمت‌تان پیشکش می‌نمایم:

* - حرص، دقت و تلاش جدی پیامبر ﷺ در عملی نمودن مستحبات نسک حج مانند: غسل نمودن برای احرام، خوشبو کردن جسم مبارکشان قبل از نیت احرام و بعد از بیرون آمدن از آن، و بریدن کوهان شتران قربانی و آویختن قلاده بر آنان، و تلبیه گفتن ایشان با صدای بلند تا آنکه به جمره بزرگ رسیده و سنگریزه ریختند، و معظم شمردن کعبه و آغاز مناسک از آن که با طواف آغاز یافت، و دویدن آرام ایشان در سه دور اول طواف، و لمس کردن رکن یمانی، و ادا نمودن دو رکعت نماز بعد از طواف، پشت مقام، و دعای ایشان بر کوه صفا و مروه، و سرعت ایشان در همواری وادی میان کوه صفا و مروه، و ذکر خدا گفتن ایشان هنگام لمس کردن رکن یمانی و حجر الاسود، و هنگام پرتاب نمودن سنگریزه بر جمره‌ها^۱، و سایر سنت‌های حج که بسیاراند.

* - همچنان پیامبر خدا ﷺ در حرکت از مزدلفه بسوی منا قصدا تأخیر نمودند تا اینکه فضا قبل از طلوع آفتاب کاملا روشن شد، هرچند که می‌توانستند بخاطر وجود خانواده و ضعیفانی که همراه داشتند، قبلا حرکت کنند.^۲

* - چنانکه آنحضرت ﷺ بخاطر سبقت در کارهای خیر، صد شتر را قربانی نمودند، هرچند می‌توانستند در هفتم حصه یک شتر یا گاو شریک شوند، و یا یک

^۱ - صحیح بخاری شماره‌های: ۱۵۳۹ و ۱۵۴۵ و ۱۶۹۷ و ۱۶۱۵ و ۱۷۵۱. و صحیح مسلم شماره‌های: ۱۱۸۴ و ۱۲۱۸ و جامع ترمذی شماره‌های: ۸۳۰ و ۸۵۶ با تصحیح البانی: ۶۶۴ و ۶۷۹ و مسند احمد: ۴۶۸۶.

^۲ - متفق علیه.

گوسفند را قربانی نمایند، لیکن حرص شدید ایشان نسبت به اعمال خیر بود که تعداد زیاد شتران را قربانی نمودند.^۱

نکته قابل ملاحظه اینست که آنحضرت ﷺ همه مناسک و مراسم حج را خودشان پیش بردند و در امریکه امکان وکالت و یا نیابت وجود هم داشت، باز هم خود ایشان آن را انجام می‌دادند، مگر اینکه ضرورتی ایجاب می‌کرد، طوری که در ذبح قربانی، بعد از آنکه خود ایشان با دستان مبارکشان شصت و سه شتر را ذبح کردند، علی رضی الله عنه را قائم مقام خویش در ذبح شتران باقیمانده برگزیدند^۲، و در روایتی آمده است که آنحضرت ﷺ علی رضی الله عنه را در قربانی با خود شریک نموده بودند^۳، که در این صورت علی رضی الله عنه قائم مقام نه، بلکه بخاطر شراکت در قربانی با ایشان، ذبح باقی شتران را بعهدہ گرفت.

پس وقتیکه آنحضرت ﷺ همه مناسک را خود پیش برده و قائم مقامی در مناسکشان اختیار نمودند، پس ایرادی نیست که در بعضی از امور خدمتگارانی برگزینند مانند، بریدن کوهان شتران قربانی^۴، و نصب نمودن قبه در نمره عرفات، و جمع آوری سنگریزه از مزدلفه برای ایشان رضی الله عنه^۵، و نگهداشت و توجه به شتران سواری آنحضرت ﷺ^۶ و غیره، زیرا این اعمال از دو حالت خالی نیست: یکی اینکه این اعمال اصلا مربوط به نسک نیست، و یا اینکه اموری است که به ایشان تعلق نمی‌گیرد.

لیکن اگر حج آنحضرت ﷺ با دقت، بررسی و پیگیری شود، در خواهیم یافت که ایشان با سعی و کوشش جدی و رغبت شدید، و با وجه احسن و اکمل، اعمال حج را انجام می‌دادند، ایشان تلاش می‌ورزیدند تا اعمال افضل را عملی نموده و از مفضول اجتناب ورزند، مگر در حالات خاصی که مصلحت بزرگی در آن نهفته می‌بود مانند

^۱ - صحیح بخاری: ۱۶۸۸، زاد المعاد: ۲۲۱/۲، و حجه الوداع از ابن حزم: ۱۳۹.

^۲ - سنن ابن ماجه تا تصحیح البانی: ۲۴۹۴.

^۳ - متفق علیه.

^۴ - صحیح ابن خزیمه: ۲۶۰۹، با اسناد صحیح و سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۲۸/۴.

^۵ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۹، با تصحیح البانی: ۲۴۵۵.

^۶ - مسند احمد: ۲۷۲۹۰، هیثمی در مورد این حدیث فرموده: اسناد آن را کسی تجریح و یا توثیق نکرده است.

طواف نمودن ایشان دورخانه کعبه، و سوار شدن ایشان در سعی میان صفا و مروه در حالت سوار بر شتر، و یا لمس کردن حجرالاسود با عصای که سرش کج بود^۱، این همه اعمال را بخاطری سوار بر شتر انجام دادند، چون مردم دور و پیش ایشان را گرفته بودند و هر یک پرسش داشت و همه می‌خواستند آنحضرت ﷺ را تقلید کنند، و بسیاری از اصحاب بار اول بود که حج می‌کردند، بدین ملحوظ خواستند تا به مردم نمایان شده به سوالات آن‌ها پاسخ گویند و آن‌ها مناسک را از ایشان ﷺ بیاموزند.

پس برادر عزیز! در این مراسم پر فیض با عزم راسخ به اعمال خیر سبقت بجو، و تا توان داری اعمالی که ترا بخداوند ﷻ نزدیک می‌سازد انجام بده، زیرا این روزها، بهترین روزهای زندگی توست، این موسمی است که بنده به خداوند ﷻ رجوع نموده با پرستش صادقانه و نیایش و تعظیم، و احترام فوق العاده، اوتعالی را عبادت می‌نماید، و آنچه که به خداوند ﷻ می‌رسد، اخلاص و تقوای شخص است، زیرا پروردگاره هیچ چیزی بندگان محتاج نیست و از همه مخلوقاتش بی‌نیاز است، و آنچه که خداوند ﷻ از بنده می‌خواهد، تقواست^۲. چنانکه اوتعالی به مال و چهره بنده نمی‌نگرد بلکه قلب را نگاه می‌کند^۳. پس آستین همت را بر زده از تنبلی و کسالت حذر کن، زیرا سال و روز زندگی‌ات زودگذر بوده و دوباره بر نمی‌گردد، و بدان که امروز فرصت سعی و عمل است و محاسبه نیست، لیکن فردا محاسبه است و عملی نخواهد بود. پس کسی که در این دنیا تلاش ورزیده و سعی بخرچ دهد، رستگار خواهد شد، و کسی که وقت را ضایع نماید و از آخرت و محاسبه آن غافل گردد از جمله زیانکاران خواهد بود، چنانکه پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «کسی که عملش او را عقب بیندازد، نسبش نمی‌تواند او را سبقت دهد»^۴.

^۱ - متفق علیه.

^۲ - چنانکه خداوند ﷻ فرموده است: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَائَهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾ [الحج: ۳۷]. «هرگز گوشت‌های آن‌ها - صدقه و قربانی - به خداوند ﷻ نمی‌رسد و نه خون‌های آن‌ها، ولی این تقوای شماست که به وی می‌رسد».

^۳ - چنانکه در حدیث شریف آمده: «خداوند ﷻ به پیکرها و چهره‌های شما نمی‌نگرد، بلکه به دل‌ها و اعمال شما می‌نگرد» نزد مسلم: ۲۵۶۴.

^۴ - صحیح مسلم: ۲۶۹۹.

۸- اعتدال و میانه روی درکارها

اعتدال و میانه روی در همه امور، کاریست پسندیده، در مقابل، افراط و یا تفریط در همه عرصه‌ها، زشت و قابل نکوهش می‌باشد، و هر صفت پسندیده، در میان افراط و تفریط قرار دارد، دین اسلام که کامل‌ترین شریعت‌ها، و از استوارترین برنامه‌ها و روشن‌ترین روش‌ها برخوردار است، برمیانه روی در همه امور تأکید می‌ورزد، آری! امت محمد ﷺ بهترین امت‌ها و میانه روترین آن‌ها بوده و از هرگونه افراط و تفریط بدور هستند، نه مانند یهود و مشرکان مادی گرا هستند و نه مانند برخی از مسیحیان، روحانی محض، بلکه پیروان اسلام حق جسم و روح را ادا کرده و با فطرت انسانی هم آهنگ می‌باشند، چنانکه پیامبر بزرگ اسلام ﷺ به امت‌شان دستور فرموده‌اند: «میانه روی را در پیش گیرید، زیرا کسی که در دین سخت‌گیری کند، سرانجام مغلوب سخت‌گیری‌اش خواهد شد»^۱. همچنان آنحضرت ﷺ می‌فرمایند: «میانه روی را پیشه کنید تا اینکه به مقصود برسید»^۲.

بارزترین احوال آنحضرت ﷺ در این حج که از لابلای اخلاق عالی‌شان آشکار گردید، میانه روی و اعتدال ایشان در ادای مناسک و سایر امور، و نفرت و کراهت آنحضرت ﷺ از افراط و تفریط بود، ما برای آشنایی بیشتر به این خصوص، در احوال آنحضرت ﷺ با پروردگارش، به نگرش و بررسی دقیق نیاز داریم که می‌توان آن را در دو بخش خلاصه کرد:

اول: اعتدال و میانه روی آنحضرت ﷺ در عنایت و توجه جدی ایشان به پیوسته بودن و بستگی با پروردگار سبحان از یک سو، و آموزش و قیادت امت، و رعایت امور اهل بیت بخصوص همسران ایشان از سوی دیگر، و همدردی و دلسوزی بر آن‌ها از جانب دیگر.

دوم: اعتدال و میانه روی در حقوق معنوی و جسمی مربوط به خود ایشان، آشکار است که در همچو فضای ایمانی پر از رحمت و نور و برکت، امکان آن می‌رود که بسیاری از مردم را به تفریط و بی‌توجهی به جسد، و یا افراط در حق روح‌شان بکشاند، لیکن از احوال حج آنحضرت ﷺ در می‌یابیم که ایشان توجه و عنایتی شدید به جسد

^۱ - مسند احمد: ۱۹۷۸۶، با اسناد صحیح.

^۲ - صحیح بخاری: ۶۴۶۳.

مبارکشان داشتند، بطور مثال ایشان در روز ترویبه (روز هشتم ذی الحجه) به منا تشریف بردند تا به عرفه نزدیک باشند^۱، و در شب عرفه و شب مزدلفه خوابیدند، و روز عرفه روزه نداشتند، و در همین روز در زیر قبه که قبلاً برای ایشان نصب گردیده بود، ایستادند، و در شب مزدلفه نمازهای نفلی قبل و بعد نماز شام و خفتن را ترک کردند، و شب را کاملاً بدون قیام لیل خوابیدند، همچنان در سیر و انتقال میان مشاعر، و هنگام انجام دادن بعضی از مناسک، مانند طواف و سعی و پرتاب سنگریزه بر جمره‌ها از شتر استفاده نمودند، چنانکه بخاطر خدمت‌گذاری خویش خادمی برگزیدند،^۲ و..... غیره اموری که جسد را راحت و نیرو بخشیده و برادای هدف بزرگ که عبارت از دعا و مناجات، و ادای مناسک با حضور قلب و فکر، و اطمینان خاطر است، آماده، استوار و قادر می‌گرداند. و حدیث ام‌الحصین رضی الله عنها دلیل واضحی بر اعتدال و میانه‌روی آنحضرت صلی الله علیه و آله در حج است، وی فرمود: «من با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع شرکت داشتم، ایشان را در حالی دیدم که بر شتر سوار بودند و بلال رضی الله عنه و اسامه رضی الله عنه با ایشان نیز سوار بودند، یکی آن‌ها شتر را می‌راند و دیگری چادر را بر سر رسول الله صلی الله علیه و آله قرار داده بود تا از گرمی آفتاب جلوگیری کند، آنحضرت صلی الله علیه و آله در ضمن سخنان‌شان فرمودند: «بشنوید و فرمان برید اگرچه بر شما غلام سیاه و گوش بریده‌ای مقرر شود که شما را به کتاب الله رهبری نماید»^۳.

ام‌الحصین رضی الله عنها در این حدیث اموری مختلف و متنوعی از احوال پیامبر صلی الله علیه و آله در حج را روایت نموده است مانند: پرتاب سنگریزه بر جمرات، و سوار شدن ایشان بر شتر در ادای مناسک، و استفاده از سایه بان، و سیر با آرامی و وقار، و خدمت‌گذاری برخی از اصحاب رضی الله عنهم به ایشان، و آموختن تعالیم دین و مناسک حج، و تقدیم پند و اندرزها به مردم.

پس برادر محترم! اگر می‌خواهی به هدفت نایل آبی، پس از روش و طریقت کسی پیروی کن که تو و سایر همراهانت را توصیه نموده، فرموده‌اند: «دین آسانی است و با

^۱ - سنن ابی‌داود: ۱۹۱۱، با تصحیح البانی: ۱۶۸۲، و سنن ابن ماجه: ۳۰۷۴، ۳۰۰۴، با تصحیح البانی: ۲۴۳۳، ۲۴۹۴.

^۲ - متفق علیه، و مسند احمد: ۲۷۲۹۰، و زاد المعاد: ۲/۲۴۷.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۹۸.

دین بمقابله برخاسته نمی‌شود، و هرکه اینکار را کرده و در دین سختگیری کند، سرانجام او را مغلوب می‌سازد. پس حق را طلب نموده خود را به آن نزدیک سازید و به ثواب آن شاد شوید، و با انجام کارهای نیک در صبح و شام و پاره از شب یاری بجوید^۱. و از رهنمودها و ارشادات آنحضرت ﷺ سر باز مزن که سبب هلاکت می‌شود، قسمی که ایشان ﷺ امت را از سر پیچی اوامرشان برحذر نموده و می‌فرمایند: «و کسی که از روش من روی بگرداند، از من نیست»^۲. بنابراین همه مکلف هستیم که در تمامی عبادات و شئون زندگی خویش اعتدال و میانه‌رو باشیم و از هرگونه افراط و تدروی و سخت‌گیری بپرهیزیم، همچنان از هرگونه تفریط و بی‌میلی و بی‌توجهی به امور دین نیز باید بدور باشیم، و سعی نماییم تا عبادات را در نظر خود و دیگران زشت و منفور جلوه ندهیم، و باید راه دین را با نرمی و آرامی پیمود، تا مثل فروماندای از قافله نشویم، که از سیر و رسیدن به همسفرانش عاجز گردیده و وسیله سواری را نیز از پا در آورده است^۳.

۹- زهد و بی‌میلی آنحضرت ص به دنیا

پیامبر خدا ﷺ همیشه با پروردگارشان بستگی داشتند، سعی و کوشش‌شان برای آخرت و رضامندی او تعالی بود، از دنیا و لذت‌های آن روی گردان بودند، و اگر گاهی چیزی بدست‌شان می‌رسید، به فقرا و مستمندان می‌بخشیدند، بدون اینکه برای خویش یا اهل بیت‌شان چیزی را پس انداز نمایند، چنانکه در وصف زندگی ایشان ﷺ آمده که: «آنحضرت ﷺ زاهدترین مردمان به امور دنیا بودند»^۴. نمونه‌های از بی‌علاقگی ایشان در امور دنیوی و لذت‌های آن بسیار زیاد است که قابل شمارش نیست، ما بطور نمونه چند مثالی آن را خدمت خوانندگان یادآور می‌شویم:

^۱ - صحیح بخاری: ۳۹.

^۲ - صحیح بخاری: ۵۰۶۳.

^۳ - برگرفته از حدیث مرسل جابر رضی الله عنه، نزد بیهقی در شعب الایمان: ۳۸۸۵، و کشف الخفا از عجلونی: ۲۳۳۹.

^۴ - مسند احمد: ۱۷۷۷۳، حدیث صحیح است.

* - آنحضرت ﷺ همیشه این دعا را نموده از پروردگارشان می‌خواستند که: «خدایا! برای آل محمد قوتی برسان»^۱. و در روایت دیگر چنین فرمودند: «خدایا! رزق آل محمد را به اندازه کفایت‌شان بگردان»^۲.

نمونه دیگر از زهد آنحضرت ﷺ به دنیا این بود که ایشان طول روز را به گرسنگی می‌گذشتانند، حتی بعضی از روزها از شدت گرسنگی و درد شکم خمیده و بخود می‌پیچیدند، و خرماى ناسره و ناچیز را نداشتند تا شکم‌شان را سیر نمایند، طوری که عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما حکایت نموده است که: «پیامبر خدا ﷺ را دیدم که طول روز از گرسنگی بخود می‌پیچید، در حالی که خرماى ناسره نمی‌یافت که شکم خود را سیر کند»^۳.

* - آنحضرت ﷺ و اهل بیت‌شان سه روز پی در پی از نان جو سیر نشدند، چنانکه حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها حکایت می‌کند که: «پیامبر خدا ﷺ سه روز پی در پی از نان جو سیر نشدند تا زمانی که وفات یافتند»^۴. و در روایت دیگر آمده: «خانواده محمد ﷺ سه شبانه روز پی در پی از طعام نان جو سیر نبوده‌اند»^۵.

اما در حج، آنحضرت ﷺ بیشتر از پیش به خداوند جل جلاله ارتباط و تعلق خویش را پیوسته داشته و آخرت را بسیار یاد می‌کردند، ایشان هنگام ایستادن در عرفه فرمودند: «حاضریم ای الله، گوش به فرمانم! همانا پاداش نیکو، پاداش روز آخرت است»^۶. و در روایت دیگر چنین فرموده‌اند: «گوش بفرمانم! زندگی حقیقی، زندگی آخرت است»^۷. اما مظاهر زهد و بی‌رغبتی آنحضرت ﷺ به دنیا که در موسم حج به مردم آشکار گردید، خارج از حساب است که بارزترین آن از قرار ذیل است:

۱- صحیح بخاری: ۶۴۶۰.

۲- صحیح مسلم: ۱۰۵۵.

۳- صحیح مسلم: ۲۹۷۸.

۴- صحیح مسلم: ۲۹۷۰.

۵- صحیح بخاری: ۵۴۳۸.

۶- صحیح ابن خزیمه با تصحیح البانی: ۵۰۵۸.

۷- مصنف ابن ابی شیبه: ۴۴۲/۳ موصولا، و سنن بیهقی: ۴۵/۵ مرسلأ.

*- ایشان برشتری سوار بودند که پالان آن کهنه، و جامه که چهار درهم ارزش داشت یا نداشت، حج را ادا کردند^۱. علامه ابن قیم رحمته در این مورد می‌نگارد: «آنحضرت ﷺ حج را در حالی ادا نمودند که برشترشان نه تختی و نه هودجی و نه وسیله دیگری که به راحت بر آن سوار شوند، قرار داشت»^۲. بعد از گذشت چند سال، هنگامی که عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما صاحب پیامبر خدا ﷺ، گروه همسفر یمنی را دیدند که پالان شتران‌شان پوسیده، و حلقه بینی شتران آن‌ها بافته از موی است، روزگاران قدیم را به یادش آورد که با پیامبر خدا ﷺ یکجا حج را ادا نموده بود، سپس فرمود: «آنکه دوست دارد به گروه شبیه به رسول خدا ﷺ و همراهانش که در حجة الوداع بایشان بودند را ببیند، پس به این گروه همسفر نگاه کند»^۳.

*- همچنان یکی از مظاهر زهد آنحضرت ﷺ به دنیا این بود که شتری مستقل بخاطر زاد و متاع سفرشان تخصیص داده نشده بود، طوری که ثمامه رضی الله عنه وصف می‌نماید که انس رضی الله عنه بر شتری حج کرد که تنها پالانی بر آن بوده، درحالی که وی مردی بخیل نبود، ولی با تاسی به پیامبر ﷺ اینکار را انجام داد و فرمود: پیامبر خدا ﷺ برشتری حج کردند که زاد و متاع‌شان نیز بر بالای همان شتر بارشده بود»^۴.

*- همچنان آنحضرت ﷺ بر شترشان اسامه رضی الله عنه و فضل رضی الله عنه را سوار نمودند، قسمی که روایت است: «از عرفات تا مزدلفه اسامه رضی الله عنه و از مزدلفه تا منا فضل رضی الله عنه پشت سر پیامبر خدا ﷺ سوار بودند»^۵.

* - مظهر دیگر زهد و فروتنی آنحضرت ﷺ آن بود که دوست نداشتند تا نسبت به دیگران امتیاز و برتری داشته باشند، چنانکه روایت است که پیامبر خدا ﷺ در جایی که برای حجاج آب می‌دهند آمدند و طلب آب نمودند، عباس رضی الله عنه به فرزندش

۱- سنن ابن ماجه: ۲۸۳۱، با تصحیح البانی: ۲۳۳۷.

۲- زادالمعاد: ۱۶۰/۲.

۳- سنن ابو داود: ۴۱۴۴، با تصحیح البانی: ۳۴۹۱، مسند احمد: ۶۰۱۶، با اسناد صحیح.

۴- صحیح بخاری: ۱۵۱۷، و سنن ابو داود با تحسین البانی: ۱۶۰۲ و در آن از اسماء رضی الله عنها روایت

است که فرمود: «زاد و متاع ابوبکر رضی الله عنه و پیامبر ﷺ با هم یکجا بود».

۵- صحیح بخاری: ۱۵۴۴.

(فضل) گفت: نزد مادرت برو، و برای پیامبر خدا ﷺ از آنجا آب بیاور! پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «از همین جا برایم آب بده» عباس رضی الله عنه گفت: یا رسول الله! مردم دست‌های خود را در آب داخل می‌کنند، پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «از همین جا برایم آب بده» و آبرآ نوشیدند^۱. و در روایت دیگر آمده که به ایشان رضی الله عنهم گفته شد: از خانه برایتان آب می‌آوریم، فرمودند: «به آن نیازی ندارم، از آبی برایم بدهید که مردم نیز از آن می‌نوشند»^۲.

* - همچنان نمونه بزرگی از زهد آنحضرت رضی الله عنه به متاع دنیا، قربانی نمودن صد شتر است، بدیهی است کسی که قلبش به دنیا و متاع آن بسته باشد بیشتر از قدر واجب، چیزی اضافه بیرون نمی‌آورد.

* - همچنان از ایشان رضی الله عنهم (طوری که آشکار می‌گردد) قربانی مربوط به مناسک حج را با خود به مکه برده بودند قربانی روز عید اضحی را نیز با آن‌ها یکجا برده بودند^۳، در حالی که برای حاجی تنها قربانی کفایت می‌کند.

* - همچنان نمونه دیگر از زهد و سخای آنحضرت رضی الله عنه صدقه دادن بسیار ایشان به مردم است، قسمی که در روز ترویبه - یک روز قبل عرفه - هفت شتر را به دست خود در حالت ایستاده ذبح نمودند^۴، چنانکه علی رضی الله عنه را امر نمودند تا شتران ذبح شده را، اعم از گوشت و پوست و پوشش‌های زیر پالان آن‌ها را بر مساکین تقسیم نماید^۵.

* - همچنان آنحضرت رضی الله عنه در روز نحر - عید - رمه از گوسفندان را خریده و آن را به مردم صدقه دادند^۶. و هنگامی که آنحضرت رضی الله عنه صدقه را تقسیم می‌کردند، دو

^۱ - صحیح بخاری: ۱۶۳۶.

^۲ - مسند احمد: ۱۸۱۴ حدیث صحیح است.

^۳ - صحیح مسلم: ۳۱۸۰، حجة الوداع از ابن حزم: ۱۲۳، ۳۰۱.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۵۵۱، و سنن ابو داود: ۱۷۹۶.

^۵ - متفق علیه.

^۶ - صحیح بخاری: ۳۱۸۰، پیامبر رضی الله عنه پنجم حصه مال غنیمت و فئ را به امر خداوند صلی الله علیه و آله برمی‌داشتند، بنابراین در حج شتران و گوسفندان بسیار را قرنایی و یا صدقه نمودند، ایشان رضی الله عنهم مال را پس انداز نمی‌کردند، و همچو کسی که از فقر نمی‌هراسد، بخشش می‌کردند، لذا به ماه‌ها در خانه آنحضرت رضی الله عنه غذا پزیده نمی‌شد و با آب و خرما شب و روز را سپری می‌کردند (مترجم).

مردی آمده از ایشان صدقه خواستند، آنحضرت ﷺ سراپای آندو را نگاه کرده دیدند که هر دو چابک و تنومند هستند، فرمودند: «اگر می‌خواهید برایتان می‌دهم، لیکن - بدانید که - برای ثروتمند و نیرومندی که روزی خود را بدست آورده می‌تواند، در آن نصیبی نیست»^۱.

* - زندگی آنحضرت ﷺ ساده و بی‌آلایش بود، در خورد و نوش نیز متواضع و فروتن بودند، هنگامی که قربانی‌شان را ذبح نمودند، به ثوبان ﷺ امر فرمودند تا از گوشت آن بپزد، ثوبان ﷺ حکایت می‌کند: من فرموده آنحضرت ﷺ را تنفیذ نموده گوشت را آماده نمودم، ایشان تا رسیدن به مدینه نیز از همان گوشت می‌خوردند، و در روایت دیگری آمده که فرمود: «تا رسیدن به مدینه نیز از همان گوشت به ایشان ﷺ تقدیم نمودم»^۲.

پس برادر و خواهر مسلمان! اگر قلبت به زیب و زینت لذت‌های دنیا بسته است و آرزوهای بی‌پایان آن را در خود می‌پرورانی، پس حذر نما از اینکه بنده لذت‌های آن نشوی، عشق و علاقه بیش از حدش بر دلت چیره نشود، زیرا دنیا خانه بی‌بقا و ذلت و خواری است، قسمی که روایت است که: «دنیا خانه کسی است که خانه ندارد - یعنی از خانه و زندگی جاودانه آخرت بی‌بهره است - و مال کسی است که ثروت ندارد - یعنی برای آخرت خویش توشه نه اندوخته و ثروت حقیقی را در بهشت برای خود آماده نکرده است - و آنکه عقل و خرد ندارد، چشم به دنیا و مال و ثروت آن می‌دوزد - زیرا از حقیقت آن و کوتاهی عمر خویش و رسیدن مرگ غافل شده است»^۳، اگر دنیا قیمت و ارزشی می‌داشت البته خداوند جل جلاله آن را برای اولیای خود و بهترین بندگان، حضرت محمد ﷺ برمی‌گزید.

پس برادر مسلمان! هیچگاه به دنیا دل میند، و حقیقت آن را درک کن که بی‌ارزشتر از آن است که عمر عزیزت را در حرص و جمع‌آوری آن ضایع نموده و از آخرت غافل شوی، پس لازم است آن را به عنوان وسیله، نه هدف، مورد استفاده قرار

^۱ - سنن ابو داود: ۱۶۳۳، با تصحیح البانی: ۱۴۳۸.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۹۷۵.

^۳ - مسند احمد: ۲۴۴۶۴، به روایت عایشه صدیقه رضی الله عنها، هیشمی فرمود: رجال آن همه رجال صحیح‌اند، غیر ذوید که آن هم ثقه است، مجمع الزوائد: ۱۰ / ۲۸۸.

دهی. زندگی دنیا برای کسانی که به آن فریفته شده و برای آخرت خویش عمل نکنند، بهره فریب و متاع غرور است، اما کسانی که با طلب دنیا برای آخرت خویش یاری می‌جویند، پس دنیا برای‌شان هم بهره است و هم وسیله‌ای که ایشان را بسوی خیری می‌رساند که بهتر از دنیا است.

این بود برخی از مظاهر و نمایش روشن و آشکاری که گوشه از پیوند و رابطه آنحضرت ﷺ با پروردگار ﷻ و طاعت و فرمانبرداری تام و عاجزی و ذلت در برابر الله سبحانه را، با وجود مسؤولیت‌های بزرگ‌شان در این موسم عظیم به تصویر کشید.

به راستی که حج فرصتی کم‌یافتی است که باید بنده مؤمن در آن برای آخرتش توشه بگیرد، از توبه آغاز کند، و از گناهان و سرپیچی‌ها و کوتاهی‌های که مرتکب آن شده، مخلصانه ببارگاه پروردگار اعلان پشیمانی نموده و با جدیت کامل به طاعت و عبادت روی آورد، و برای حصول رضا و خوشنودی پروردگارش بشدت تلاش ورزد. و می‌دانیم که هیچ انسانی از گناه و خطا خالی نیست، طوری که حضرت مصطفی ﷺ فرموده‌اند: «همه بنی آدم خطا می‌کنند لیکن بهترین خطا کنندگان کسانی‌اند که توبه می‌نمایند»^۱. پس آیا به راه و روش و فرامین و دساتیر پیامبر خدا ﷺ در حج اقتدا نموده‌ای؟! و در جمله بندگان نیک و توبه کار خویش را شامل گردانیده‌ای؟! آیا تلاش بخرچ داده‌ای تا در نزد خداوند از پرهیزگاران و فرمانبرداران محسوب شده و در راه رضا و خوشنودی وی با ترک گناه و معاصی، و انجام طاعات و حسنات گام‌های جدی برداشته‌ای؟! تا به او تعالی نزدیک شده و از توفیق و نصرت وی در دنیا و آخرت برخوردار گردی! طوری که او تعالی در حدیث قدسی فرموده است: «و بنده‌ام به هیچ عملی بهتر از انجام دادن فرایض، به من تقرب نجسته است، بنده‌ام در انجام نوافل تا جایی به من تقرب می‌جوید که او را مورد محبت خود قرار می‌دهم، و چون او را مورد محبت خود قرار دادم، برایش گوشی می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشمی می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستی می‌شوم که با آن کاری انجام می‌دهد، و پایمی که با آن راه می‌رود، اگر از من چیزی بخواهد برایش می‌دهم، اگر به من پناه بجوید، او را در پناه

^۱ - سنن ابن ماجه: ۴۲۵۱، با تصحیح البانی: ۳۴۲۸.

خود قرار می‌دهم»^۱. و از خداوند سبحان تمنا داریم که به ما توفیق عمل صالح عنایت فرماید تا از بندگان مقرب و مطیع وی باشیم.

^۱ - صحیح بخاری: ۶۵۰۲.

فصل دوم:

احوال پیامبر خدا ﷺ با خانواده و اقارب ایشان در حج

پیامبر خدا ﷺ صله رحم و پیوند با اقارب را بسیار اهمیت داده و آن را جدا مراعات می نمودند، و همیشه از احسان و نیکی خویش آن‌ها را مستفید می گردانیدند، کسانی که از احوال پیامبر ﷺ در این مورد آگاهی داشتند، صفات حمیده ایشان ﷺ را چنین توصیف نموده اند: «آنحضرت ﷺ نیکوترین مردم بودند، و بیشتر از هرکس با خویش و اقاربشان پیوستگی داشتند»^۱.

یکی از نمونه‌های بزرگ و واضحی که آنحضرت ﷺ در این عرصه با خویشان و نزدیکان‌شان داشتند، دعوت نمودن آن‌ها بسوی خیر و صلاح، و تلاش بیش از حد ایشان به هدایت و نجات آنان از آتش جهنم است، طوری که در مکه بر کوه صفا بالا رفته و از نهایت و سر انجام شرک ورزیدن، آن‌ها را آگاه و هراسانیدند: «ای فاطمه بنت محمد، ای صفیه بنت عبدالمطلب، وای فرزندان عبدالمطلب خودتان را از آتش دوزخ نجات دهید زیرا من از سوی خدا ﷻ مالک چیزی برای شما نیستم، از مالم هرچه می خواهید، بخواهید»^۲. و فرموده ایشان ﷺ به ابوطالب هنگامی که در لحظات اخیر زندگی قرار داشت: «ای عمو! بگو لا إله إلا الله» کلمه ایکه بدانوسیله برای تو در نزد پروردگار حجت آورده و شفاعتت را کنم»^۳.

و در حج نیز، احسان و نیکی و پیوستگی با خویشاوندان و نزدیکان ایشان در مواقع گوناگون بنظر خورده است، و قبل از آنکه به برخی از نمونه و چگونگی اخلاق حمیده آنحضرت ﷺ اشاره نماییم قابل یادآوریست که اهل بیت آنحضرت ﷺ در کلیه مناسک حج یکجا با مردم از فرامین و دستورات آنحضرت ﷺ پیروی نموده و مستفید گردیدند، بلکه بیشتر از دیگران، مورد توجه و رعایت و دلسوزی آنحضرت ﷺ قرار

^۱ - صحیح مسلم: ۱۰۷۲، و صحیح بخاری شماره‌های: ۳۸۱۸، ۴۹۵۴، ۵۹۹۰.

^۲ - صحیح مسلم: ۲۰۵.

^۳ - صحیح بخاری: ۳۸۸۴.

می گرفتند، طوری که از عایشه رضی الله عنها روایت است که وی با رسیدن عادت ماهانه اش به گریه شد و به آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه را به اصحاب فرمودید شنیدم، و به سبب آن - حیض - از عمره باز داشته شدم»^۱.

و اگر با دقت به احکام حج و نسک آن دیده شود، درخواستی یافت که اکثر این احکام از اهل بیت و خویشان آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده است، زیرا آنان بیشتر از دیگران به ایشان نزدیک بودند. ما برجسته ترین نمونه های از احوال آنحضرت صلی الله علیه و آله با اهل بیت و اقارب شان را ذکر می نمایم:

۱- آموزش احکام حج به آنان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد تعلیم و آموزش احکام و مسایل حج به اهل بیت شان توجه و اهتمام خاصی داشتند، تا تقرب جستن آن ها به الله جل جلاله در پرتو هدایات ایشان بوده، و عبادات آن ها بصورت درست و صحیح ادا گردد، از جمله: حدیثی از ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها روایت شده که فرموده اند: «از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: ای آل محمد صلی الله علیه و آله نیت عمره را با حج یکجا نمایید»^۲.

همچنان فرموده ایشان صلی الله علیه و آله به عایشه صدیقه رضی الله عنها هنگامی که عادت ماهانه اش قبل از طواف رسید فرمودند: «هر کاری که حاجی انجام می دهد تو نیز انجام بده با این تفاوت که تا غسل (از حیض) نکرده ای، بیت الله را طواف مکن»^۳. همچنین فرموده آنحضرت صلی الله علیه و آله به فرزندان بنی عبدالمطلب در آخر شب مزدلفه: «تا زمانی که آفتاب نتابد، بر جمره سنگ پرتاب نکنید»^۴.

آنحضرت صلی الله علیه و آله نه تنها به توجیه و ارشاد و تعلیم اهل بیت شان توجه داشتند، بلکه با آن ها گفت و شنود نموده و به سوالات شان پاسخ می گفتند، چنانکه حدیث ام المؤمنین حفصه دختر عمر فاروق رضی الله عنه گواه بر آن است که: «آنحضرت صلی الله علیه و آله همسران شان را در سال حجة الوداع امر فرمودند تا از احرام بیرون آیند، حفصه رضی الله عنها از ایشان صلی الله علیه و آله

^۱ - صحیح بخاری: ۱۷۸۸.

^۲ - مسند احمد: ۲۶۵۹۰ و صحیح ابن حبان: ۳۹۲۲، و اسناد هر دو حدیث صحیح است.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۱.

^۴ - جامع ترمذی: ۸۹۳، با تصحیح البانی: ۷۰۹.

پرسید: پس شما چرا از احرام بیرون نمی‌شوید؟ فرمودند: «موهایم را تلبید نمودم و بر شتران قربانی‌ام قلاده گذاشته‌ام، و تا آن را ذبح نکنم از احرام بیرون نمی‌شوم»^۱. و در روایت دیگری آمده که حفصه رضی الله عنها پرسید: «چرا مردم از احرام بیرون شدند و شما از احرام عمره‌تان بیرون نشدید؟»^۲. همچنان حدیثی را که علی رضی الله عنه روایت نموده که عباس رضی الله عنه فرمود: ای رسول خدا! چرا گردن پسر عمویت را تاب دادید؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «دیدم که پسر و دختر جوان بسوی هم نگاه می‌کنند، از مکر و فریب شیطان بر آندو در هراس شدم»^۳.

اما امروز با تأسف شدید جهل و نادانی به احکام و اهداف حج، مردم را فرا گرفته است، زیرا بسیاری از آن‌ها به تعلیم و آموزش احکام، مسایل، اهداف و مرام حج به خانواده‌های‌شان قبل از عزیمت بسوی مکه مکرمه نمی‌پردازند، و یا هم به سوالات و اشکالاتی که شاید در اذهان‌شان خطور کند، پاسخ نداده و توجهی در این مورد ندارند. پس برادر ارجمند! تلاش کن در زمره مردمان فاضلی باشی که به تعلیم و آموزش افراد خانواده خود می‌کوشند، و آن‌ها را از احکام و مسایل شرعی قبل از ادای آن آگاه می‌نمایند، تا در پرتو علم و معرفت شرعی، اعمال‌شان را بدرستی به انجام برسانند که این عمل ترا از پاداش بزرگ و مقام عالی در نزد خداوند جل جلاله بهره‌مند خواهد ساخت، و از جمله کسانی خواهی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در موردشان فرموده‌اند: «بهترین شما کسی است که در نزد خانواده خود نیکو و شایسته باشد، و من در نزد خانواده‌ام نیکو و شایسته می‌باشم»^۴. وجیبه و مسؤولیتی که در قبال خانواده‌ات بدوش داری با وجه احسن ادا نموده و مراقب حال‌شان باش و همیشه آنان را زیر نظر خود قرار داده به اموری که بر آنان واجب است رهنمایی کن، زیرا تو پاسبان و نگهبان و مسؤول و زمامدار آن‌ها می‌باشی، و هر زمامدار در پیشگاه خداوند جل جلاله از رعیت و احوال کسانی که بوی سپرده شده بود، باز پرس می‌شود، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همه شما شبانید - زمامدارید - و از رعیت خود پرسیده می‌شود مرد در خانواده‌اش مسؤل است و

^۱ - صحیح بخاری: ۴۳۹۸.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۲۲۸.

^۳ - جامع ترمذی: ۸۸۵، حسن و صحیح با تصحیح البانی: ۷۰۲.

^۴ - سنن ترمذی: ۳۸۹۵، حسن غریب صحیح با تصحیح البانی: ۳۰۵۷.

مسئولیت آن‌ها را بدوش دارد»^۱. و بدان که رسول خدا ﷺ الگو و قدوه همه امت‌اند، راه و روش ایشان باید که سرمشق زندگی ما باشد. طوری که ایشان به پیروی فرمان الهی: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۴]. خانواده و اقارب‌شان را قبل از دیگران از عذاب دردناک دوزخ هشدار داده و در تعلیم و تربیت آنان تلاش می‌ورزیدند.

۲- به کار گماشتن خانواده در امور حج قبل از عزیمت

آنحضرت ﷺ قبل از عزیمت بسوی مکه خانواده خویش را در تهیه نمودن اسباب و سامان مراسم حج مشغول نموده بودند، چنانکه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرمود: «من قلاده‌های شتران - قربانی - رسول اکرم ﷺ را قبل از احرام بستن‌شان با دستم بافتم»^۲.

پس چه بهتر از آنکه به راه و روش رسول اکرم ﷺ اقتدا نموده، خود و اهل خانواده‌ات را در امور حج و دانستن احکام و مسایل آن مشغول نمایی، و چه بسا خوب خواهد بود که خود و خانواده‌ات بر عزم و اراده متین بر ادای شعایر حج، و آگاهی به مرام، مقاصد، پاداش، و آداب آن معرفت حاصل نموده، رنج، زحمت و تکالیف حج را قبلاً به تصویر کشیده و به خاطرشان بسپاری، زیرا اینکار آن‌ها را در راستای انجام دادن حج بطور درست و با عزم راسخ و ایمان پایدار، یاری می‌دهد.

۳- حرص و تلاش بر رفع مسئولیت در برابر افراد خانواده

خداوند عز و جل حج بیت الله را بر مردمان توانمند فرض گردانیده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ [آل عمران: ۹۷]. «الله عز و جل حج خانه خدا را بر کسانی که توانایی (مالی و بدنی) برای رفتن به آنجا را دارند، فرض گردانیده است».

^۱ - صحیح بخاری: ۲۵۵۳.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۷۰۴.

بنابراین کسی که استطاعت و توانایی رفتن به آنجا را دارد، حج از عهده وی ساقط نمی‌گردد، تا زمانی که آن را ادا نماید.^۱

و هرگاه به سیرت آنحضرت ﷺ در حج دقت شود، موارد زیادی را در خواهیم یافت که دلیل بر حرص و تلاش ایشان ﷺ بر رفع مسؤولیت در برابر خانواده بر ادا نمودن این واجب عظیم، و عدم بی‌پروایی ایشان ﷺ در این راستا وجود دارد، که به برخی از آن اشاره می‌نمایم:

* - آنحضرت ﷺ هر نه همسر خویش را در این حج با خود بردند.^۲

* - آنحضرت ﷺ ضعیفان و ناتوانان خانواده‌شان را نیز با خود به حج بردند.^۳

* - آنحضرت ﷺ نه تنها افراد سالم و صحتمند اهل بیت خویش را بر ادای حج تشویق و ترغیب نمودند، بلکه مریضان خانواده و اقارب را نیز به مبادرت در ادای این فریضه تشویق می‌نمودند، طوری که روایت است که ایشان نزد دختر عمویشان - ضباعه بنت الزبیر بن عبدالمطلب درحالی که بیمار بود - رفته و فرمودند: «شاید قصد حج رفتن را داشته باشی؟» فرمود: «به خدا سوگند مانعی جز بیماری ام نیست»، فرمودند: «به حج برو و شرط کن و بگو که خدایا! به حج رفتنم تا جایست که برایم توان رفتن را بدهی».^۴ و در روایت دیگری چنین آمده: «آیا نمی‌خواهی امسال به حج بروی؟!»^۵.

اما امروز دیده می‌شود که بسیاری مردان بزرگ سال و زنان قادر و توانا بر ادای حج، این فریضه الهی را با وجود توان مالی و جانی به تعویق می‌اندازند! پس ای سرپرست

^۱ - با تأسف در سرزمین حرمین خانواده‌هایی وجود دارد که بیش از ده سال زندگی دارند ولی اعضای این خانواده‌ها تا بحال حج فرضی را ادا نکرده‌اند و به بهانه‌های بی‌اساس چون قرضداری و یا مشغولیت وغیره، از ادای حج در فراراند، ولی در مسایل سیر و سیاحت و خوش‌گذرانی و یا رقابت‌های منفی، نسبت به همه پیش قدم‌اند!! (مترجم).

^۲ - سنن ابوداود: ۱۷۲۲، با تصحیح البانی: ۱۵۱۵، و زاد المعاد: ۱۰۶/۲، سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۲۲/۴.

^۳ - متفق علیه.

^۴ - صحیح بخاری: ۵۰۸۹، سنن ابن ماجه: ۲۹۳۶، با تصحیح البانی: ۲۳۷۵، و لفظ از سنن ابن ماجه است.

^۵ - سنن ابن ماجه: ۲۹۳۷، با تصحیح البانی: ۲۳۷۶.

خانواده! اگر از جمله احسان کننده‌گان به اهل و فرزندان خود هستی باید مسؤولیت خویش را در قبال آن‌ها ادا نمایی، زیرا به عمر، صحت و مال انسان اعتباری نیست، و شاید پیش از آنکه سالی دیگر برسد، اجلت فرار سیده و بمیری، و یا به مریضی مزمنی گرفتار شوی، که قدرت حج کردن از تو برای همیشه سلب گردد، و یا دارایی‌ات از بین برود، که دیگر تا هیچ وقت نتوانی حج را انجام دهی، پیامبر اکرم ﷺ به شتاب و عجله در ادای حج ترغیب و تشویق نموده می‌فرمایند: «هرکس اراده حج کرده است شتاب کند، چون امکان دارد مریض شود یا مرکبش را از دست بدهد و یا اینکه نیازی پیش آید»^۱. و در روایتی چنین آمده است: «در ادای حج -فرضی- شتاب کنید، زیرا کسی از شما نمی‌داند که چه چیزی بوی پیش می‌آید»^۲. و تو در این عملت از پاداش عظیمی برخوردار خواهی شد، چنانکه آنحضرت ﷺ به زنی که کودکی را نزد ایشان ﷺ آورده و گفت: آیا حج این بچه صحیح است؟ فرمودند: بلی و برای تو نیز اجر هست»^۳. بلکه اجر و پاداش تو بیشتر خواهد بود، زیرا حج اهل و خانواده‌ات حجتی است فرضی، و حج دادن آن زن به پسر فرضی نبود، والله اعلم.

۴- تشویق آنان بر انجام امور خیر

پیامبر اکرم ﷺ خانواده و خویشاوندان خویش را بر انجام دادن امور خیر و طاعات، و اندوختن توشه آخرت تشویق و ترغیب می‌نمودند، بطور مثال: هنگامی که بر پسران عموی‌شان گذشتند درحالی که آن‌ها مشغول آب کشیدن از چاه زمزم بودند، آنحضرت ﷺ فرمودند: «ای فرزندان بنی عبدالمطلب آب بکشید، اگر خوف این نباشد که مردم بسبب آب دادن با شما منازعه نموده و مشکلاتی برای تان ایجاد نکنند، (به گمان اینکه بالا کشیدن آب زمزم جزو مناسک حج است) ورنه من نیز با شما آب می‌کشیدم»^۴. و در روایتی دیگر فرمودند: «به کار خود ادامه بدهید، زیرا شما بر انجام کار نیک و پسندیده‌ای قرار دارید، اگر بیم آن نباشد که مردم از دیدن من ازدحام نموده و مشکلاتی برای شما ایجاد کنند، می‌آدمم و ریسمان آب کشی را بر همینجا -

^۱ - سنن ابن ماجه: ۲۸۸۳، با تحسین البانی: ۲۳۳۱.

^۲ - مسند احمد: ۲۸۶۸، حدیث حسن لغیره.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۳۳۶.

^۴ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

یعنی بر گردن خود - می نهادم»^۱، آنحضرت ﷺ نه تنها آن‌ها را بر این کار نیک تشویق می نمودند، بلکه راه آن را برای شان هموار می ساختند، طوری که به عباس رضی الله عنه اجازه دادند تا بمنظور آب دادن برای حجاج، شب‌های منا را در مکه بگذرانند.^۲ حج درب و وسیله احسان و نیکی، و موسم کارهای خیر و پسندیده، و زمینه مناسبی برای کمک و همکاری به ناتوانان و مسکینان می باشد، پس اگر می خواهی که نیکی هایت چند برابر شده و ترازوی حسنات تو سنگین گردد، و مصدر خدمت به حجاج بیت الله گردی، پس اهل بیت خویش را بر اعمال نیک توصیه و توجیه و تشویق نموده و زمینه را برای شان هموار و مساعد گردان تا مصدر خدمت به همه مسلمانان، بویژه محتاجان و مستمندان گردند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده اند: «آنکه بسوی خوبی دعوت کند برای او مزد کسانی که از او پیروی می کنند داده می شود بدون اینکه از مزدشان چیزی کم شود»^۳، و ایشان رضی الله عنه به شخصی که دیگران را به همکاری و معاونت مسلمانی رهنمایی کرد فرمودند: «آنکه به کار خیری راهنمایی کند برای او مانند مزد انجام دهنده آن داده می شود»^۴. و در روایتی دیگر آنحضرت رضی الله عنه فرمودند: «در حقیقت راهنمایی بسوی خیر مانند انجام دهنده آن است»^۵. و پرهیز از آنکه آنان را بسوی گمراهی و فساد تشویق نمایی، و یا اینکه اسباب و وسایل آن را به آن‌ها مهیا و آماده نموده و به گناهی فرمان دهی، زیرا پیامبر اکرم رضی الله عنه ترا از همچوکاری برحذر داشته و فرموده اند: «و آنکه به گمراهی دعوت کند بروی گناهیست مثل گناه‌های آنانیکه از وی پیروی کردند، و این امر از گناه‌شان چیزی نمی کاهد»^۶.

۱- صحیح بخاری: ۱۶۳۶.

۲- صحیح بخاری: ۱۷۴۵.

۳- صحیح مسلم: ۲۶۷۴.

۴- صحیح مسلم: ۱۸۹۳.

۵- سنن ترمذی: ۲۶۷۰، با تصحیح و تحسین البانی: ۲۱۵۱.

۶- صحیح مسلم: ۲۶۷۴.

۵- طلب یاری و کمک از آنان

پیامبر اکرم ﷺ در بعضی امور از آل بیت‌شان ﷺ کمک و طلب یاری جسته‌اند، همچنان در برخی امور آن‌ها را جا نشین و وکیل خویش تعیین نموده‌اند که به بعضی از نمونه‌های آن اشاره می‌نمایم:

* آنحضرت ﷺ قبل از اینکه احرام ببندند همسرشان عایشه صدیقه رضی الله عنها را در بافتن قلاده‌های شتران قربانی، از پشمی که در نزدش بود، موظف ساختند.^۱

* ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده که آنحضرت ﷺ بامداد روز نحرکه بر جمره عقبه سنگ پرتاب می‌شود، درحالی که بر شترشان سوار بودند، بمن فرمودند: «برایم سنگ ریزه برچین» و من هم هفت سنگریزه برای‌شان رضی الله عنهما چیدم.^۲

* همچنان آنحضرت ﷺ علی رضی الله عنه را در ذبح شتران بعد از آنکه خودشان بیشتر از شصت شتر را ذبح نمودند، وظیفه دادند تا بقیه شتران را ذبح نموده و سر پرستی آن را اعم از تقسیم گوشت و پوست و پوش‌های زیر پالان آن‌ها را بعهده گیرد.^۳

* چنانکه آنحضرت ﷺ در جایی که پسران عموی‌شان برای حجاج آب می‌دادند آمده و آب طلب نمودند و به عباس رضی الله عنه فرمودند: «برایم آب بده و آب را نوشیدند».^۴

همچنان حدیثی دیگری که ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده دلیل واضحی بر کمک و یاری خویشان آنحضرت ﷺ با ایشان است، قسمی که فرمود: «برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آب زمزم دادم، و درحالی که ایستاده بودند، آن آب را نوشیدند».^۵

* همچنان عایشه رضی الله عنها سر و بدن آنحضرت ﷺ را قبل از احرام و بعد از آنکه از احرام بیرون شدند، با عطر بذیره (عطریست که از هند می‌آید) و عطری که در آن مشک بود، خوشبو می‌نمود، چنانکه عایشه رضی الله عنها فرمود: «با این دو دستم، پیامبر

^۱ - صحیح بخاری شماره‌های: ۱۶۹۶، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵.

^۲ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۹، با تصحیح البانی: ۲۴۵۵.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۳۰۷۴، با تصحیح البانی: ۲۴۹۴.

^۴ - متفق علیه.

^۵ - صحیح بخاری: ۱۶۳۷، سنت در نوشیدن آب این است که باید نشسته نوشیده شود، اما آب زمزم

را نظر به عمل پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده می‌توان نوشید (مترجم).

خدا ﷺ را هنگام احرام نمودن و بعد از اینکه از احرام بیرون شدند، قبل از طواف فرضی خوشبو ساختم - و دستانش را باز کرد-^۱.

پس ای کسی که در جستجوی یار و همکار بعید هستی، و قرابت را فراموش نموده و شادمانی‌ات را در جای دیگر سراغ داری... اینست راه و روش پیامبرت ﷺ و سایر انبیای پیش از ایشان ﷺ، ببین که موسی ﷺ از پروردگارش چه می‌طلبد: ﴿وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي﴾ هَرُونَ أَخِي ﴿۳۰﴾ أَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿۳۱﴾ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴿۳۲﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿۳۳﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿۳۴﴾ [طه: ۲۹-۳۴].

«کبرایم از خانواده‌ام وزیری - دستیاری - قرارده، برادرم هارون را، پشتم را به - وسیله - او استوار کن، و او را شریک کارم گردان، تا - من و برادرم هارون - ترا فراوان تسبیح گوئیم، و بسیار یادت کنیم». و لوط ﷺ هنگامی که از دفع اذیت و آزار قومش عاجز و ناتوان گشت، آرزو و تمنای قوم و قبیله را کرد تا از وی حمایت کنند، طوری که قرآن کریم حکایت نموده است: ﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِيًّا إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ ﴿هود: ۸۰﴾.

«لوط ﷺ گفت: کاش برای مقابله با شما قوتی می‌داشتم یا به رکنی شدید پناه می‌جستم». یعنی: قوم و قبیله قوی و زورآوری می‌داشتم تا از من حمایت می‌کردند. پس شریک ساختن خویش و نزدیکان در امور زندگی امریست فطری، که در راستای اتمام و انجام کارها، و رسیدن به هدف، نسبت به دیگران نقش فعالی را بازی می‌کنند، برعکس بی‌پروایی در مورد آن‌ها و محروم ساختن‌شان در سهمگیری کارهای نیک، نتایج غیر مثبت بار آورده و با این کار دعوت‌گر از خیر بسیار، و نعمت بزرگ محروم می‌گردد.

۶- حمایت و نگهداری آن‌ها از فتنه‌ها

گناه و عصیان و گمراهی برقلب انسان چیره شده و آن را فاسد می‌گرداند، همچنان عقل و خرد را منحرف ساخته و به ارتکاب اعمال زشت می‌کشاند، بویژه در گردهم آبی بزرگی که زن و مرد در آن وجود داشته باشند، فرصتی مناسب، و موقع کم‌یابی برای

^۱ - متفق علیه.

اوباشان و بی‌خردان و مفسدانی که به حرمت خداوند ﷻ و مراسم دینی اعتنایی ندارند مهیا می‌گردد، بخصوص فتنه زن‌ها در همچو گردهم‌آیی و مراسم، انسان‌های پست و بی‌حیا را بی‌صبر و کم‌طاقت می‌گرداند. بنابراین آنحضرت ﷺ در موسم حج در مورد آل بیت‌شان ﷺ توجه شدیدی داشتند و برحمایت و نگهداری آنان از شر شیطان تلاش می‌ورزیدند، تا سرمشقی برای امت گردد، که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌نماییم:

* - هنگامی که آنحضرت ﷺ مشاهده کردند که فضل بن عباس بسوی دختری از قبیله خثعم نگاه می‌کند، گردن فضل را با دست شریف‌شان تاب دادند، تا راه شیطان مسدود گردیده و بر دل‌هایشان سهم شیطان اثر نگذارد، طوری که علی ﷺ روایت می‌کند که: «عباس ﷺ فرمود: یا رسول الله! چرا گردن پسر عمویت را تاب دادید؟ آن حضرت ﷺ فرمودند: دیدم که پسر و دختر بسوی هم نگاه می‌کنند، از شر و فتنه شیطان در موردشان هراسان شدم»^۱. و در روایت دیگری چنین فرمودند: «دیدم که پسر و دختر جوان - بسوی هم نگاه می‌کردند - از شر شیطان در موردشان نگران شدم»^۲.

* - همچنان همسران پیامبر ﷺ در این حج، درحالی که با ایشان یکجا بودند، هنگام روبرو شدن با مردان طواف‌کننده چادرهای‌شان را بر چهره‌های‌شان پایین می‌نمودند، و وقتیکه آن‌ها می‌گذشتند دوباره چادرهای‌شان را بلند می‌نمودند^۳.

* - آنحضرت ﷺ به همسران‌شان توصیه می‌نمودند تا با مردان در طواف آمیخته نشوند - با آنکه زنان و مردان باهم یکجا طواف می‌نمودند - چنانکه از ام سلمه رضی الله عنها در این مورد نقل است که وی از بیماری خود به آنحضرت ﷺ شکایت کرد، آنحضرت ﷺ

^۱ - جامع ترمذی: ۸۸۵، با تحسین و تصحیح امام ترمزی و تحسین البانی: ۷۰۲.

^۲ - مسند احمد با اسناد حسن: ۵۶۴.

^۳ - سنن ابوداود: ۱۸۳۳، در سند آن یزید بن ابی زیاد است که ضعیف می‌باشد لیکن با شواهد دیگر تقویت می‌یابد چنانکه از اسماء رضی الله عنها نزد ابن خزیمه شماره: ۲۶۹۰، نقل است که فرمود: «ما روی‌های‌مان را از مردان می‌پوشانیدیم، و اسماء رضی الله عنها از همسران پیامبر ﷺ نیست، پس واضح می‌گردد که پوشانیدن روی زن‌ها تنها مخصوص همسران پیامبر ﷺ نه، بلکه بر همه زنان و به طریق اولی واجب است.

فرمودند: «از عقب مردم سوار بر شتر طواف کن»^۱. و در روایت دیگر، آنحضرت ﷺ بوی فرمودند: «هرگاه نماز صبح برپا شد و مردم به نماز ایستادند تو بر شتر سوار شده طواف کن، ام سلمه نیز فرموده آنحضرت ﷺ را نافذ نموده و هنگامی که طواف را به پایان رساند، بیرون آمده و نماز خواند»^۲. همچنان از سخن ابن جریج رضی الله عنه برمی آید که زنان با مردان یکجا طواف می نمودند، طوری که فرموده است: «عطا رضی الله عنه بمن حکایت نمود که ابن هشام -حاکم مسلمانان- امر نمود تا زنان از مردان جداگانه طواف نمایند، گفت: چگونه زنان را از طواف با مردان منع می کنید درحالی که همسران پیامبر ﷺ با مردان طواف نمودند، پرسیدم آیا اینکار قبل از امر به حجاب بود یا بعد از آن؟ فرمود: سوگند که بعد از امر به حجاب بود، پرسیدم: چگونه آمیخته با مردان طواف می نمودند؟ فرمود: آنان با مردان آمیخته نمی شدند، چنانکه عایشه رضی الله عنها در گوشه دور از مردان طواف می نمود^۳، و به مردان نزدیک و یا آمیخته نمی شد، و در هنگام طواف زنی به عایشه رضی الله عنها گفت: ای مادر مؤمنان! بیایید که حجرالاسود را لمس کنیم؟ ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرمود: از جانب خود لمس کن و خودش اینکار را نکرد. همسران پیامبر ﷺ از جانب شب با شکل و سیمای نا آشنا برای طواف بیرون می آمدند و هر گاهی می خواستند وارد کعبه شریفه شود، انتظار می شدند تا مردان بیرون آیند، سپس آن ها داخل کعبه می شدند، عطا رضی الله عنه افزود: من و عبید بن عمیر نزد عایشه رضی الله عنها در جوف ثبیر -کوهی معروف در منا است- جایی که ام المومنین مجاور شده بود می رفتیم، پرسیدم خیمه ام المومنین چگونه بود؟ فرمود: قبه ترکی بود که با غشایی پوشانیده شده بود که میان ما و ام المؤمنین حایل بود، و دیدم که ام المؤمنین پیراهنی گلابی برتن داشتند»^۴. در روایت دیگر عطا رضی الله عنه فرموده است: «درحالی که من پسر کوچکی بودم، بر تن ام المومنین پیراهن سرخ رنگی را دیدم»^۵. چنانکه سخن ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها به برده آزاد شده اش، دلیل واضحی بر آن است که همسران

۱- صحیح بخاری: ۱۶۱۹.

۲- صحیح بخاری: ۱۶۲۶.

۳- فتح الباری از ابن حجر: ۵۹۶/۳.

۴- صحیح بخاری: ۱۶۱۸.

۵- منصف عبد الرزاق: ۹۰۱۸.

پیامبر ﷺ و سایر زنان دور از مردان طواف می نمودند و با آنان نمی آمیختند، هنگامی که زن آزاد شده ام المومنین عایشه رضی الله عنها هفت بار بر کعبه طواف نمود و دو یا سه بار حجرالاسود را لمس کرد، بوی فرمود: «خداوند پاداشت ندهد، خداوند پاداشت ندهد، آیا بر مردان تنگی و فشار می آوری، چرا تکبیر گفته عبور نکردی؟»^۱. پس اگر همچو کاری مشروع و جایز می بود، همسر پیامبر ﷺ آن را ترک نمی کرد و یا هم دیگر زنان را از انجام آن باز نمی داشت.

* - همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله دویدن آرام در سه دور اول طواف، و به سرعت حرکت نمودن میان صفا و مروه را بر زنان غیر مشروع قرار داده اند، چنانکه از فرموده عایشه رضی الله عنها برمی آید: «ای گروه زنان! ما برای شما الگو هستیم، پس دویدن در طواف بر شما لازم نیست»^۲. و در روایت دیگر فرمود: «ما برای شما الگو و سر مشق هستیم، بر شما دویدن در طواف و میان صفا و مروه لازم نیست»^۳.

* - چنانکه آنحضرت صلی الله علیه و آله به همسرانشان توصیه نمودند تا بعد از ادای حج، نشستن در خانه های شان را برگزینند، قسمی که در حجة الوداع آن ها را مخاطب قرار داده فرمودند: «این آخرین سفری بود، و بعد از این زمان خانه نشینی تان فرا می رسد»^۴. اما امروز در نتیجه جهل و نادانی و ازدحام شدید در حج، فرصت مناسبی برای اوباشان و مفسدان بی وجدان مهیا گردیده و مرتکب اعمال ناشایسته می شوند، که باید اولیای امور زنان در این مسأله توجه جدی بخرج دهند و از خداوند عز و جل در مورد ننگ و ناموس خویش بترسند، و در هنگام طواف و دیگر اماکن پر جمعیت از زنان خویش حفاظت و نگرهبانی نموده و زمینه را برای مردمان بی حیا و اوباش و بی وجدانی که قدر و عظمت خداوند عز و جل و اماکن مقدسه را نمی شناسند، مساعد نسازند، هر چند اگر بعضی از امور مستحب زمانی و مکانی را هم ترک کنند باکی نیست، زیرا حفاظت عزت و کرامت و ناموس مقدم تر است بر مستحباتی که در حج خلل وارد نمی کنند، و دفع مفساد مقدم بر جلب چنین مصالح است. اولیای امور باید این نکته مهم را بدانند

^۱ - سنن بیهقی: ۸۱/۵.

^۲ - سنن بیهقی: ۸۴/۵.

^۳ - مصنف ابن ابی شیبه: ۱۲۹۵۱.

^۴ - سنن ابو داود: ۱۷۲۱، با تصحیح البانی: ۱۵۱۵.

و درک کنند که زنان تحت مسؤولیت و رعایت آن‌ها قرار دارند، و باید در راه حفاظت و حمایت آن‌ها همیشه سعی ورزیده و متوجه باشند، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هیچ بنده‌ای نیست که خداوند ﷻ او را به زمامداری رعیتی (هرچند اگر کوچک هم باشد) برگزیده و او درحالی بمیرد که برای رعیت خود خیانت ورزیده باشد خداوند ﷻ بهشت را بروی حرام می‌سازد»^۱. و در روایت دیگری فرموده‌اند: «هر کسی که امور مسلمین به وی سپرده شود، سپس او برای‌شان کوشش و خیر خواهی نکند، از داخل شدن با آن‌ها در بهشت محروم می‌شود»^۲.

۷- بازداشتن آن‌ها از منکرات و زشتی‌ها

پیامبر اکرم ﷺ بر پاگیزگی آل بیت‌شان از گناه، زشتی و منکرات تلاش می‌ورزیدند، و اگر کسی از آن‌ها در گناه یا خطایی واقع می‌شد، بلافاصله آن را تقبیح و انکار نموده و از آن باز می‌داشتند. بطور مثال:

*- ایشان عملاً بر فضل بن عباس رضی الله عنه هنگامی که بسوی دختری خثعمی که نزد آنحضرت ﷺ برای پرسیدن مسأله آمده بود، نگاه می‌کرد، انکار نموده و از تکرار نظر وی جلوگیری نمودند.^۳

*- همچنان آنحضرت ﷺ فضل بن عباس را از نگریستن بسوی دخترانی که می‌دویدند منع نمودند.^۴

*- آنحضرت ﷺ در این راستا آل بیت‌شان را نمونه و سرمشق دیگران قرار دادند، قسمی که در عرفه برخواستند و به مردم خطبه جامعی را ایراد نموده فرمودند: «آگاه باشید! هر آنچه از امور جاهلیت است در زیر دوگامم نهاده شده است. و خون‌های جاهلیت هدر است، و نخستین خونی را که از خون‌های دوره جاهلیت بی‌اعتبار می‌شمارم، خون ربیعہ بن الحارث است که در قبیله هذیل به قتل رسید، و سود دوره جاهلیت بی‌اعتبار است. و نخستین سود از سودهای دوران جاهلیت مان را که

^۱ - متفق علیه.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۴۲.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۵۱۳.

^۴ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

بی اعتبار می شمارم، سود عباس بن عبدالمطلب است که همه اش را بی اعتبار اعلان می کنم»^۱.

اما در عصر حاضر، در موسم حج بسیاری از مردم اعمالی را انجام می دهند که مخالف با هدایات و دستورهای آنحضرت ﷺ بوده، که حتی سبب باطل شدن حج شان می گردد، و یا حداقل نقصانی در آن رخنه می نماید. و قسمی که به نظر می آید، انواعی از منکرات و زشتی ها و گناهان میان حجاج صورت می گیرد، بویژه منکرات زنان بی باکی که حجاب را مراعات ننموده، زیب و زینت خود را به مردان نمایان می سازند. و یا هم با مردان نامحرم، با بیحیایی صحبت و مراوده می نمایند، و غیره امور دیگری که گنجایش ذکر آن در اینجا نیست. پس رحمت خداوند ﷻ بر کسانی باد که امانت را بصورت درست ادا نموده اهل و خانواده خویش را از اماکن گناه و فساد به دور نگه می دارند و آن ها را به نیکویی امر نموده منکرات و زشتی ها را از آنان با نرمی و ملایمت و نیک اندیشی می زدایند.

۸- نرمی و مهربانی و آسانی بر آنان

پیامبر خدا ﷺ در این حج با نرمی و ملایمت، محبت و شفقت با آل بیت شان رفتار می نمودند، ایشان ﷺ بر ناتوانان شان دل سوزی و همدردی می نمودند، و کار آسان را به آن ها می پسندیدند و بر حاجتمندان شان مهربانی و همدردی و همکاری می نمودند، که بطور مثال به چند حالت در این مورد نظر می اندازیم:

* آنحضرت ﷺ به همسران شان جانب آسان را اختیار نموده و برانجام آن امر می فرمودند، چنانکه از حدیث حفصه رضی الله عنها برمی آید که آنحضرت ﷺ در حجة الوداع همسران شان را امر فرمودند تا از احرام بیرون آیند^۲.

* همچنان آنحضرت ﷺ هنگامی که نزد ضباعه دختر زبیر رضی الله عنه در حالی که بیمار بود، رفته و فرمودند: «به حج برو، و شرط کن و بگو که خدایا! به حج رفتنم تا جایست که برایم توان رفتن را بدهی»^۳.

^۱ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۲ - صحیح بخاری: ۴۳۹۸.

^۳ - صحیح بخاری: ۵۰۸۹.

* - آنحضرت ﷺ ضعیفان و ناتوانان خانواده خویش را از مزدلفه بسوی منا قبل از دیگران فرستادند، طوری که در حدیث فضل بن عباس رضی الله عنه آمده که: «پیامبر خدا ﷺ شب مزدلفه به ضعیفان و ناتوانان اهل خویش امر فرمودند تا شبانگاه بسوی منا حرکت کنند»^۱.

* - و از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «چون به مزدلفه رسیدیم، سوده همسر پیامبر ﷺ که زنی چاقی بود از پیامبر خدا ﷺ اجازه خواست تا پیش از ازدحام مردم حرکت نماید، آنحضرت ﷺ برایش اجازه دادند، و او پیش از ازدحام مردم حرکت نمود، و به منا رفت، ولی ما تا صبح همانجا ما ندیم، و صبح همراهی پیامبر خدا ﷺ حرکت نمودیم»^۲. همچنان حدیث ابن شوال رضی الله عنه که فرمود: «نزد ام حبیبه رضی الله عنها رفته و خبر دادم که پیامبر خدا ﷺ امر فرمودند اینکه شبانگاه از مزدلفه بسوی منا حرکت نمایید»^۳.

* - همچنان هنگامی که ام سلمه رضی الله عنها همسر پیامبر ﷺ از بیماریش به ایشان شکایت نمود، فرمودند: «از پشت مردم سوار بر شتر طواف کن»^۴.

* - و از نمونه‌های مهربانی آنحضرت ﷺ برآل بیت‌شان، اجازه دادن به عباس رضی الله عنه بخاطر آب دادن حجاج، تا شب‌های منا را در مکه بگذرانند^۵. پس اگر تعداد حجاج با پیامبر خدا ﷺ نسبت به این زمان کمتر بود، با آن هم ایشان رضی الله عنه پرهیزگارترین و مهربان‌ترین و با وقارترین این امت بودند، و آنحضرت ﷺ اینگونه اهل و خانواده‌شان را مورد عطف و مهربانی خویش قرار داده آسانی را به آن‌ها می‌پسندیدند... و در عصر حاضر بزرگ سالان، زنان و کودکان بیشتر از هر وقتی دیگر به مهربانی و همدردی و شفقت ضرورت دارند، زیرا زیادی و کثرت حجاج، و وجود جهل و نادانی مسلمانان به احکام و مناسک حج باعث می‌گردد که در ادای مناسک بی‌پروایی صورت گیرد و چنانکه لازم است از ارشادات و فرامین الهی در ادای مناسک و سایر عبادات پیروی

^۱ - سنن نسایی: ۳۰۳۴.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۸۱.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۹۲.

^۴ - صحیح بخاری: ۴۶۴.

^۵ - صحیح بخاری: ۱۶۳۴.

نکنند، اینهمه سبب می‌شود که ترس و هراس از الله ﷻ کاسته شده و عظمت او تعالی در قلب‌ها جایگزین نگردد، و بلاخره همدردی و مهربانی و شفقت به دیگران نیز از بین برود.

پس ای مسؤل و زمامدار خانواده! از خداوند ﷻ بترس و راه آسان و ساده را بر اهل بیت خویش در محدوده ضوابط و مقررات شریعت و احکام آن برگزین، زیرا اینکار بسود خودت بوده و موجب پاداش بزرگ در نزد خداوند ﷻ می‌باشد.

۹- صبر و حوصله آنحضرت ﷺ در برابر اهل و اقارب‌شان

ثابت نمودن صبر، حوصله و شکیبایی آنحضرت ﷺ در برابر آل بیت‌شان نیازی به بررسی و پیگیری خاصی ندارد، زیرا آنحضرت ﷺ از یکسو معلم و خیرخواه همه، و از سوی دیگر عهده‌دار شؤن حج خانواده خویش بودند، که در میان اهل و اقارب‌شان بزرگسالان، زنان، اطفال، و حتی بیماران و افراد سنگین و زن مانند همسرشان سوده رضی الله عنها وجود داشت، و بیمارانی مانند ضباعه و ام سلمه رضی الله عنها حضور داشتند و برخی دیگر از زنان مانند دختر پیامبر رضی الله عنها فاطمه رضی الله عنها و همه ازواج آنحضرت رضی الله عنهم موجود بودند که نیاز به همدردی و مهربانی داشتند، چنانکه پسران بنی عبدالمطلب و بنی‌هاشم نیز در رکاب آنحضرت رضی الله عنهم همراه بودند، لیکن صبر و حوصله و تحمل هیچ کسی مانند صبر و تحمل آنحضرت رضی الله عنهم دیده نشده است، ایشان رضی الله عنهم با وجود برداشت مسؤلیت تمامی حجاج، آنان را توجیه، توصیه و ارشاد نموده با قلب رحیم و پر از لطف، و با مهربانی بی‌مانندی، با سایر مردم و اهل بیت‌شان رفتار می‌نمودند. چنانکه از احسان و انفاق ایشان همه مستمندان و بینوایان برخوردار شدند. ایشان رضی الله عنهم با حکمت و درایت، رعیت را رهبری نموده و حقوق همه را بجا آوردند، مردم را بسوی خیراندیشی و رستگاری دعوت نموده و در این راستا تشویق و ترغیب می‌نمودند، آنحضرت رضی الله عنهم با سینه فراخ و خالی از هرگونه کینه و کدورت، امور حج را به موفقیت

کامل به انجام رسانیدند، و هیچگاهی از ایشان ﷺ سخنی زشت و یا جریحه دار، یا توهین و تحقیر و یا آسیب زبانی در مقابل کسی صادر نشده است.^۱

آنحضرت ﷺ با همچو اخلاق عالی قرآنی، و صفات حمیده، و همت بلند، و قناعت و زهد، عظمت و برتری بشر را بر سایر مخلوقات خداوند ﷻ به اثبات رساندند. به راستی که صبر و حوصله بر اهل خانواده مأموریتیست پر مشقت، و عملیست جلیل، که تنها اشخاص برجسته و والا مقام از عهده آن بیرون آمده می‌توانند، و جز انسان‌های بردبار و مسؤولیت شناس کسی دیگر این مسؤولیت بزرگ را بدوش گرفته نتوانسته و حق آن را کما يجب ادا نمی‌تواند، زیرا پیوسته بودن همیشگی و آمیختگی روزمره با اهل و فرزند، رویه تشریفاتی را آهسته آهسته کاهش یافته و غالباً هیبت مرد را نیز از بین می‌برد، پس در همچو احوال، مرد زمامدار خانواده به صبر و تحمل بیشتر نیاز دارد، تا امور منزل را به درستی پیش برده و انضباط خانواده را برقرار داشته باشد، و به هدف و مرام عالی که در راه آن تلاش دارد، بویژه در این موسم و گردهم آیی بزرگ مسلمانان که تعداد بی‌شماری در آن شرکت می‌نمایند، و بدیهی است که همچو مناسبات و برنامه‌ها خالی از رنج و زحمت و مشقت نخواهد بود که به همان پیمانہ نیاز به صبر و حوصله دارد.

پس کسی که خواهان سرای آخرت و به آن امیدوار است... نفس خویش را بر صبر و تحمل ریاضت داده و در برابر زن و فرزند و خویشان از شکیبایی و فروتنی کار بگیرد، تا در این راستا پیشوا و پیشقدم، و رهبر دیگران شده و آنان را بسوی هدایت فراخواند، زیرا رمز موفقیت در امور دین همانا صبر و یقین است، طوری که خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۲۴].

«و از آنان چون صبر ورزیدند و به آیات ما یقین داشتند، رهبران و پیشوایان قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کنند».

و راه بدست آوردن محبت و رضایت و تأیید خداوند متعال همین است، طوری که فرموده است: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۶].

^۱ - در موارد فوق می‌توانید به احادیث ذیل مراجعه نمایید: صحیح بخاری شماره‌های: ۱۶۸۱، ۵۰۸۹، ۴۶۴، ۴۳۹۸، ۱۶۷۸، ۱۷۸۸، ۱۶۳۶، و صحیح مسلم شماره‌های: ۱۲۱۸، ۱۲۱۱، و مسند احمد شماره‌های: ۳۵۱۳، ۲۶۵۹، ۲۵۰۷، و زاد المعاد: ۱۰۶/۲، و سیرت نبی ابن کثیر: ۲۲۲/۴.

«و خداوند صابران را دوست می‌دارد» و همچنان می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳]. «به تحقیق خداوند با صابران است». و همچنان صبر و حوصله و تحمل در برابر خانواده و فرزندان و خویشاوندان، الفت، محبت و صمیمیت را ایجاد می‌کند.

۱۰- مراعات احوال و یاری دادن آن‌ها

پیامبر ﷺ همیشه می‌کوشیدند تا درباره اهل بیت‌شان مرحمت نموده دل آن‌ها را بدست آورند، خواسته‌ها و خواهشات آنان را که با اوامر الهی و مبادی اسلام تعارض نمی‌داشت برآورده می‌ساختند، و اگر احیاناً کاری خلاف توقعات آن‌ها واقع می‌شد، آنحضرت ﷺ آن‌ها را دل‌داری داده و می‌کوشیدند تا دل‌های‌شان نرنجد، و در حج نیز رویه‌شان با آنان بر همین طرز و روش بود که به برجسته‌ترین نمونه‌های آن اشاره می‌نماییم: هنگامی که آنحضرت ﷺ بر ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها وارد شدند، وی را در حالت گریه دیدند، زیرا وی بخاطر عادت ماهانه‌اش از ادای عمره محروم شده بود، آنحضرت ﷺ وی را دل‌داری داده و فرمودند: «ضرری بر تو نیست زیرا خودت نیز همچو سایر زنان، دچار این مشکل می‌شوی که خداوند عز وجل آن را مقرر نموده است. پس صبر را اختیار نموده اکتفا به حج کن و شاید هم خداوند عز وجل عمره را نصیب گرداند»^۱. ام المؤمنین فرمود: یا رسول الله! همقطارانم حج و عمره نموده برگردند و من تنها حج کرده برگردم؟ آنگاه پیامبر ﷺ عبدالرحمن بن ابی بکر را امر فرمودند تا عایشه رضی الله عنها را به تنعیم برده و نیت عمره نماید^۲. و در روایت دیگری آمده که آنحضرت ﷺ فرمودند: «طواف نمودنت برای حج و عمرهات کفایت می‌کند، لیکن عایشه رضی الله عنها نپذیرفت، پس آنحضرت ﷺ وی را با برادرش عبدالرحمن بن ابی بکر رضی الله عنه به تنعیم فرستادند و عمره بعد از حج را انجام داد»^۳.

آیا کسی امروز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با اهل و خانواده‌اش در حج اینچنین به عطوفت عمل می‌کند؟ یا هدایات و ارشادات ایشان را در برخورد با آنان پیاده

^۱ - متفق علیه.

^۲ - متفق علیه و سنن ابو داود: ۱۷۸۲، با سند صحیح.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۱.

می‌نماید؟! با تأسف در بسیاری از مردمان این عصر، حالات عجیب و غریبی را مشاهده می‌کنیم، از یکسو افراط و زیاده روی و سخت‌گیری، و از سوی دیگر تفریط و بی‌توجهی و بی‌مهری ملاحظه می‌شود:

*- برخی از مردم خواسته‌ها و خواهشات خانواده را بر فرامین و خواسته‌های پروردگار مقدم دانسته، تا جاییکه پا از حدود اوامر او تعالی بیرون نهاده و حرمت و ارزش‌های دینی را پایمال می‌نمایند.

*- و برخی از مردم با رویهٔ زشت و اخلاق بد، روی ترش و پیشانی چین خورده با اعضای خانوادهٔ خود پیش آمددارند، و در قاموس و فرهنگ چنین اشخاص کلمهٔ بنام مشورت و گفت‌و شنود وجود ندارد، همچو اشخاص از همدردی و دل‌سوزی و دلداری، خیلی‌ها بدور هستند، و روابط آن‌ها با افراد خانواده بر اساس فرمانروایی و استبداد، تند خویی، درشت‌گویی، بی‌مهری، بی‌عاطفگی و سنگدلی استوار بوده و باید که امر و نهی آنان بدون تأخیری نافذ گردد و عذری هم پذیرفته نمی‌شود.

دین اسلام دینیست که میانه‌روی و اعتدال را در همه امور می‌پسندد و در همه حالات از غلو و افراط و بی‌توجهی و تفریط منع نموده است، و به همدردی و پیش آمد نیک با سینه فراخ، و پیشانی گشاده در رویه با خانواده تشویق می‌نماید، مشروط بر اینکه پا از حدود شرعی و حرمت آن جلوتر نگذارند. پس اگر سعادت دنیا و آخرت را خواهانی، در تمامی شؤون زندگی ات معتدل و میانه‌رو باش، و از هرگونه تفریط و بی‌میلی و بی‌توجهی برحذر باش.

۱۱- لطف و مهربانی و خوش رفتاری پیامبر اکرم ﷺ با آنان

پیامبر اکرم ﷺ با خانواده و اقاربشان در حج رویه و سخن نیکی داشتند و آن‌ها را مورد محبت و شفقت خویش قرار داده و با کودکان آن‌ها خوشوقتی و مزاح و گشاده رویی می‌نمودند، جابر رضی الله عنه نیت نمودن آنحضرت ﷺ به حج و نیت کردن عایشه رضی الله عنها به عمره را چنین توصیف می‌کند: «پیامبر اکرم ﷺ مردی ملایم و آسان‌گیر بودند، و هرگاه عایشه رضی الله عنها آرزوی چیزی را می‌نمود، آنحضرت ﷺ برایش برآورده می‌نمودند»^۱.

^۱ - صحیح مسلم: ۱۲۱۳.

و در این راستا نمونه و شواهدی زیادی وجود دارد که به برخی از آن اشاره می‌نماییم:

* - آنحضرت ﷺ به دختر عموی‌شان ضباعه بنت زبیر رضی الله عنها فرمودند: «ای عمه من! چه چیزی مانع حج تو می‌شود؟!»^۱.

* - همچنان فرموده آنحضرت ﷺ به عایشه رضی الله عنها هنگامی که بسبب عادت ماهانه‌اش از ادای عمره محروم شده و می‌گریست، فرمودند: «ای زن عزیز! چه چیزی ترا به گریه آورده است؟!»^۲. و قسمی که عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت نموده فرمود: ما بچه‌های بنی عبدالمطلب درحالی که بر مرکب‌های ما سوار بودیم نزد آنحضرت ﷺ در مزدلفه آمدیم، ایشان رضی الله عنه با دست‌شان بر ران‌های ما زده فرمودند: ای فرزندانم! تا وقتیکه آفتاب نتابد، بر جمره سنگ پرتاب نکنید»^۳. و در روایت دیگر چنین فرمود: «گروه ضعیفان و ناتوانان بنی‌هاشم که سوار بر مرکب‌های‌شان بودند رسیدند، و آنحضرت ﷺ بر ران‌های ما زده فرمودند: روانه‌ی ما شوید و تا زمانی که آفتاب طلوع ننموده، بر جمره سنگریزه پرتاب نکنید»^۴. و در دیگر روایت، آنحضرت ﷺ فرمودند: «ای برادرزاده‌گانم، ای پسران هاشم! قبل از ازدحام مردم به منا شتاب کنید و نباید کسی از شما بر جمره بزرگ پیش از طلوع خورشید، سنگریزه پرتاب کند»^۵. پس شکوه و ناله ما به خداوند عز وجل در مورد مردمانی است که راه و روش و هدایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اخلاق نیکوی ایشان را ترک نموده‌اند، تا حدی که بسیاری از خانواده‌ها در این موسم پر فیض، جز نزاع، کینه‌توزی، دشمنی، زشتی، تحقیر و توهین، منت، بد رفتاری و بی‌حرمتی، چیزی دیگر را از سرپرستان و بزرگان‌شان نمی‌آموزند، و گاهی هم بین اقارب سخن به دشنام، فحش و ناسزاگویی می‌کشد!

پس، از اقتدا به چنین مردمان و پیروی از آنان بپرهیز، زیرا همچو تعامل و برخورد بد و نامناسب از یکسو کینه و کدورت و دشمنی را ایجاد نموده و دل‌ها را می‌رنجاند، و

^۱ - سنن ابن ماجه: ۲۹۳۶، با تصحیح البانی: ۲۳۷۵.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۵۶۰.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۵، با تصحیح البانی: ۲۴۵۱.

^۴ - مسند احمد: ۲۵۰۷، با اسناد صحیح.

^۵ - مسند احمد: ۳۵۱۳، با اسناد صحیح.

از سوی دیگر منافی با آداب حج بوده و مانع پذیرش حج و پاکی گناهان، و عفو و غفران الله سبحان می‌گردد.

۱۲- احسان و نیکی با آنان

احسان و نیکی آنحضرت ﷺ با اهل بیت‌شان با اشکال و انواع مختلف صورت گرفته است، که اگر در آن دقت شود با تأکید خواهی گفت که همه احوال ایشان ﷺ با آنان مملو از نیکی و احسان بوده است، زیرا هیچ گوشه نیست مگر اینکه فضل و کرم و سخاوت آنحضرت ﷺ در آن واضح و آشکار می‌گردد، که از شمارش بیرون است لیکن ما به نمونه‌های برجسته آن مرور می‌کنیم:

* - حرص و تلاش آنحضرت ﷺ بر آن بود که خانواده و اقارب ایشان همه باید در مناسک حج اشتراک نمایند و آن‌ده افرادی که نیت حج را نداشته‌اند نیز قانع شوند تا در این گردهم آیی بزرگ مسلمانان سهیم گردند، قسمی که آنحضرت ﷺ نزد ضباعه^۱ رفته و فرمودند: «آیا اراده حج کردی؟» گفت: به خداوند سوگند مانع دیگری جز مریضی‌ام نیست، آنحضرت ﷺ فرمودند: «نیت حج کن و شرط بگذار و بگو: خداوندا! هر جایی که مرا از حج بازداشتی همانجا محل بیرون آمدنم از احرام است»^۱.

* - همچنان آنحضرت ﷺ همه همسران‌شان را در این حج با خود بردند^۲، و چنین کاری مافوق عدل است، زیرا می‌توانستند هیچیک از آنان را با خود نبرده و یا هم میان آن‌ها قرعه‌اندازی نموده و برنده را با خود ببرند.

* - چنانکه آنحضرت ﷺ پسر عموی خویش را با خود سوار نموده و از مزدلفه به منار رفتند^۳.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ یک رأس گاو را از جانب همسران خویش قربانی نمودند، بدون اینکه خواهشی از سوی همسران‌شان در این مورد شده باشد^۴.

۱- صحیح بخاری: ۵۰۸۹، صحیح مسلم: ۱۲۰۷.

۲- زادالمعاد: ۱۰۶/۲، سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۲۲/۴.

۳- صحیح بخاری: ۱۵۴۴.

۴- صحیح بخاری (۱۷۰۹).

این خود بیانگر گوشه بزرگی از گوشه‌های کمال بشری است که مصداق فرموده ایشان ﷺ است هنگامی که فرمودند: «بهترین شما کسی است که نزد خانواده خود نیکو و شایسته باشد، و من در نزد خانواده‌ام نیکو و شایسته می‌باشم»^۱. نمونه و مثال‌های احسان و نیکی آنحضرت ﷺ به خانواده و اقارب‌شان قابل شمارش نیست، ایشان ﷺ از ابتدای دعوت اسلامی در مکه مکره سعی و تلاش می‌ورزیدند تا آن‌ها را بسوی دین حق برده و رضا و خوشنودی الله سبحان را با ایمان آوردن و عمل صالح بدست آرند، بنابراین خداوند عزوجل نیز خانواده و خویشان آنحضرت ﷺ را در پیام و ندای حق که عموم مردم مخاطب آن بودند، خصوصیت داده و فرمود: ﴿وَأَنْزِلُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۴]. «و خویشان نزدیکت را بهراسان».

پس ای برادر ارجمند! خانواده و خویشان نزدیکت احق و اولی‌تر به احسان و نیکی، دنیوی و اخروی تواند، پس راه و روش پیامبر بزرگ اسلام را با اهل و اقاربت به پیش گیر تا از جمله رستگاران شده پاداش وافر را بدست آوری و از بهره و نصیب دور و یا نزدیک آن برخوردار گردی.

۱۳- حمایت و پاسداری از حقوق آنان

آنحضرت ﷺ حقوق اهل بیت‌شان را حفاظت و حمایت نموده بر نگهداری آن سعی می‌ورزیدند، و از تجاوز دیگران بر حقوق آن‌ها دفاع و پاسداری می‌نمودند، که برجسته‌ترین مثال آن را ابن عباس رضی الله عنهما چنین حکایت می‌کند: «رسول خدا ﷺ بر کعبه طواف نموده سپس حجرالاسود را با عصای که بدست داشتند لمس کردند، و بعد از فارغ شدن از طواف در جای آب دادن آمدند درحالی که پسران عموی‌شان از چاه زمزم آب بالا می‌کشیدند، آب طلب نمودند و دلو آب را به ایشان بلند نمودند و آنحضرت ﷺ آب را نوشیدند، سپس فرمودند: «اگر از ازدحام و مزاحمت مردم بالای شما نمی‌ترسیدم، چون آن‌ها با دیدن من آن را جزو مناسک حج می‌دانند، من هم با شما آب می‌کشیدم»^۲.

^۱ - جامع ترمذی: ۳۸۹۵، با تصحیح البانی: ۳۰۵۷.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۳۶، و مسند احمد: ۲۲۲۷، با اسناد حسن.

پس اگر در این ایام فرخنده و خجسته از تلف شدن حقی از حقوق خانواده‌ات در هراس هستی پس آنان را به گذشت از آن تشویق نما، زیرا اینکار بهتر و سزاوارتر خواهد بود^۱، اما اگر از حق خویش درنگذشتند، پس حق آن‌ها را از ضایع شدن و برباد رفتن و تجاوز دیگران بر آن حفظ نما.

این بود گوشه از احوال پیامبر اکرم ﷺ در حج با اهل خانواده‌شان ﷺ و خودت ای زمام دار خانواده! اگر زن و فرزندان را واقعاً دوست داری و آن‌ها را سرمایه زندگی‌ات می‌دانی، پس حال و احوال خویش را در حج و در غیر آن، با راه و روش، گفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ با خانواده‌شان که در این صفحات بطور خلاصه و فشرده مطالعه نمودی، مقایسه کن، تا فرق و تفاوت میان برخورد، روش و اخلاق تو، و پیامبر اکرم ﷺ آشکار گردد، سپس در راه پیروی و تأسی از اخلاق و کردار آنحضرت ﷺ سعی و تلاش جدی بخرچ ده، و پس از پی بردن به نارسایی، کوتاهی و غفلت در ادای واجبات، در اندیشه و طرز تعاملت با آنان تجدید نظر کرده توجه و اهتمام خویش در راه کامیابی و رستگاری آخرت، و نجات و رهانیدن‌شان از آتش دوزخ، قبل از توجه به امور دنیوی و آماده ساختن لذت‌های آن، به آن‌ها معطوف بدار، و در تعلیم و آموزش اخلاق و آداب و احکام حج و سایر عبادات آن‌ها سعی نما، و در برخورد و تعامل خویش دقت نما تا بیشتر از دوستان و رفقای، با آنان خوش صحبت و خوش رفتاری نمایی، زیرا حقوق اهل و خانواده‌ات مقدم و بزرگ‌تر از هرکسی دیگر است، و مسئولیت بس بزرگی در قبال آنان بدوش توست، پس دست‌ها را بلند نموده و از پروردگارت با کمال عاجزی و بی‌چارگی، و با ناله و زاری و اصرار بخواه تا ترا در این راه موفق گرداند و قدم‌هایت را راسخ و استوار سازد.

^۱ - اما آنحضرت ﷺ بخاطری اینکار را با اهل بیت‌شان نکردند زیرا که آب دادن راه کسب اجر و ثواب و بلند رفتن مقام و منزلت آن‌ها در نزد خداوند ﷻ است والله اعلم.

فصل سوم:

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت‌شان

پیامبر اکرم ﷺ در حج همزمان با قیادت و رهبری امت، تعلیم و ارشاد آن‌ها را نیز به عهده داشتند که این امر هر انسانی را به شگفت می‌آورد. با وجود بدوش داشتن دو مسئولیتی بزرگ، ایشان ﷺ عمل افضل و اولی را انجام می‌دادند که هیچ انسانی قادر به انجام آن نخواهد بود، که این خود دلیل واضح و آشکار بر عظمت شأن و شخصیت عالی، و مقام والای ایشان ﷺ می‌باشد. ما بطور نمونه برجسته‌ترین احوال ایشان ﷺ را در قیادت و هدایت نمودن امت بیان می‌نماییم:

۱- تعلیم امت

خداوند ﷻ پیامبرش ﷺ را معلم سهل و آسان‌گیر^۱ فرستاده است و در این راستا به اوج کمالش نایل گردیده‌اند، قسمی که معاویه بن الحکیم السلمی رضی الله عنه ایشان ﷺ را توصیف نموده می‌فرماید: «من معلمی بهتر، نه قبل و نه بعد از پیامبر اکرم ﷺ دیده‌ام که با وجه احسن تعلیم بدهد»^۲. و اگر در حج آنحضرت ﷺ دقت نماییم در خواهیم یافت که ایشان ﷺ معلم واقعی و حقیقی بودند، چنانکه یار و صاحب‌شان ﷺ توصیف نموده است، یکی از نمونه‌های سهل و آسان‌گیری آنحضرت ﷺ اینست که ایشان امر فرمودند تا در میان مردم قبل از فرا رسیدن موسم حج، بانگ زده و اعلان حج نمایند، تا بر کسانی که خواهان حج با ایشان ﷺ هستند، آماده‌گی سفر آسان گردیده و به رکاب ایشان ﷺ بپیوندند، به همین منظور آنحضرت ﷺ در ذی الحلیفه یک روز کامل انتظار ماندند تا کسانی که نیت حج را دارند با ایشان ﷺ یکجا شده و عازم مکه گردند^۳. بعد از ابلاغ پیام حج، مردم بسیاری وارد مدینه شدند و هر کدام آن‌ها

^۱ - صحیح مسلم: ۱۴۷۸.

^۲ - صحیح مسلم: ۵۳۷.

^۳ - سنن ابوداود: ۱۹۰۵، با تصحیح البانی: ۱۶۷۶.

خواهش اقتدا به پیامبر اکرم ﷺ و فرا گرفتن مناسک از ایشان را داشتند^۱ که تعداد آن‌ها به یکصد هزار فرد می‌رسید^۲. آنحضرت ﷺ در طول مدت حج با مردم آمیخته بودند و خویش را بر آن‌ها آشکار می‌نمودند تا بر سوالات آنان پاسخ گویند، با وجود تعداد بی‌شماری مردم در این حج، باری هم واقع نشده که کسی از ایشان ﷺ دور و یا عقب زده و یا باز داشته شود^۳، و نه هم پیرامون آنحضرت ﷺ کتک زدن و راندن و پس و پیش گفتن و فشار دادن به نظر نمی‌خورد^۴. پیامبر اکرم ﷺ در این حج سعی نمودند تا رسالت الهی را به مردم ابلاغ نموده و حجت و دلیل را به مردم بیان و برپا نمایند، و در این روند آن‌ها را بر تعلیم و آموزش امور دین تشویق و ترغیب نمودند، همچنان ایشان ﷺ بخاطر توجه و دقت بیشتر مردم به گفتار و کردارشان، طرز و روش‌های متنوعی را در سخنرانی‌ها، توجیهاات و ارشاداتشان بکار بردند و آنان را امر فرمودند تا از ایشان مناسک و احکام دین بویژه حج را فرا گیرند، سخنان ایشان ﷺ در این مراسم مانند وصیت‌کنندگانست که با تمام جدیت و کوشش تلاش دارد امانتی که بدوش دارد با گفتار و کردار آن را بیان نماید، طوری که در حدیثی به نقل از جریر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع از وی خواستند تا مردم را به خاموشی و شنیدن فرا خواند: «از مردم بخواهید تا خاموش باشند»^۵، سپس فرمودند: «بعد از من کافر مشوید که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزند»^۶، همچنان حدیثی را که بلال رضی الله عنه روایت نموده که: «پیامبر اکرم ﷺ بامداد شب مزدلفه بوی امر فرمودند تا مردم را خاموش سازد...»^۷، و از مردم مطالبه نمودند تا شاهدی دهند که ایشان ﷺ رسالت الهی را به آنان ابلاغ نمودند و این درخواست را آنحضرت ﷺ چند بار تکرار نمودند: «هان! آیا تبلیغ نمودم؟»^۸ حضار نیز همه گواهی دادند بر اینکه شما

^۱ - مختصر سیرت نبی از محمد عبدالوهاب، ص: ۵۷۲.

^۲ - صحیح مسلم شماره‌های: ۱۱۸۷، ۱۲۱۸، ۱۲۷۳.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۷۴، و مسند احمد: ۲۸۴۲، با اسناد حسن.

^۴ - سنن ابن ماجه: ۳۰۳۵، با تصحیح البانی: ۲۴۶۱.

^۵ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۴، با تصحیح البانی: ۲۴۶۱.

^۶ - صحیح بخاری: ۱۲۱.

^۷ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۴، با تصحیح البانی: ۲۴۵۰.

^۸ - صحیح بخاری: ۱۷۴۱، و مسند احمد: ۲۰۶۹۵، حدیث صحیح لغیره است.

ای رسول خدا! امانت الهی را بما رسانیدید، رسالت را ادا کردید، و نصیحت و خیراندیشی نمودید»^۱.

پیامبر اکرم ﷺ تنها با ابلاغ نمودن و آموزش فرامین الهی به مردم اکتفا نکردند بلکه هنگام سخنرانی روز عرفه از ربیع بن امیه رضی الله عنه خواستند تا بعد از ایشان با آواز بلند سخنان‌شان را به مردم بشنوند^۲، همچنان در روز عرفه شخصی را وظیفه دادند تا میان مردم رفته و خطبه ایشان را به آنان ابلاغ نماید^۳، و در منا نیز از علی رضی الله عنه خواستند تا مطالب و سخنان‌شان را تکرار نموده تا مردمانیکه دورتر نشست‌اند این سخنان را بشنوند، و مردم نشسته و بعضی هم ایستاده بودند.^۴ همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله اشخاصی را بسوی گروه‌های حجاج در عرفه و منا گماشتند تا سخنان ایشان را به آن‌ها برسانند.^۵

آنحضرت صلی الله علیه و آله در تعلیم و آموزش، طرز و شیوه نوازش و مهربانی را بکار می‌بردند، چنانکه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که فرمود: «ما بچه‌های بنی عبدالمطلب درحالی که بر مرکب‌های ما سوار بودیم، نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله در مزدلفه آمدیم، ایشان صلی الله علیه و آله با دستشان بر ران‌های ما زده فرمودند: ای فرزندانم! تا وقتیکه آفتاب طلوع نکند، بر جمره بزرگ سنگ پرتاب نکنید»^۶.

ایشان صلی الله علیه و آله نه تنها بزرگان و صحت‌مندان را تعلیم و آموزش می‌دادند، بلکه به ضعیفان و ناتوانان نیز توجه نموده و آنان را آگاه می‌نمودند، بطور مثال فرموده ایشان صلی الله علیه و آله به ضباعه رضی الله عنها هنگامی که گفت: «ای رسول خدا من اراده حج دارم لیکن بیمارم» فرمودند: «نیت حج کن و شرط بگذار و بگو: خدایا هر جایی که مرا از حج

۱- صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

۲- سیرت نبی از ابن کثیر: ۳۴۲/۴.

۳- سنن ابن داود: ۱۹۴۹، با تصحیح البانی: ۱۷۱۷.

۴- سنن ابی داود: ۱۹۵۶، با تصحیح البانی: ۱۷۲۳.

۵- سنن ترمذی: ۸۸۳، با تصحیح البانی: ۷۰۰ و مسند احمد: ۱۰۶۶۴، حدیث صحیح است، و صحیح ابن خزیمه: ۲۹۶۰، با اسناد صحیح.

۶- سنن ابن ماجه: ۳۰۲۵، با تصحیح البانی: ۲۴۵۱.

بازداشتی همان جا محل بیرون آمدنم از احرام است»^۱، همچنان فرموده ایشان ﷺ به ام سلمه رضی الله عنها و تئیکه از بیماری اش نزد آنحضرت ﷺ شکایت نمود، فرمودند: «از پشت مردم سوار بر شتر طواف نما»^۲، و امر نمودن آنحضرت ﷺ به زنان و ناتوانان، اینکه از مزدلفه به منا از طرف شب حرکت نمایند^۳. حتی کودکان نیز مورد توجه و آموزش آنحضرت ﷺ صورت می گرفتند، بامداد روز عید ایشان از ابن عباس رضی الله عنهما که پسری بود، خواستند تا به ایشان سنگریزه‌های را جمع‌آوری کرده بیاورد، درحالی که آنحضرت ﷺ بر شتران‌شان سوار بودند فرمودند: «برایم سنگریزه جستجو کرده بیاور» ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: «من هم سنگریزه‌های سفالی را آورده و بردست‌شان گذاشتم، در حالی که سنگریزه بر روی دستشان بود فرمودند: با همچوسنگریزه - جمره‌ها را باید زد-»^۴.

همچنان فرموده آنحضرت ﷺ به پسران بنی عبدالمطلب: «تا وقتیکه آفتاب نتابد، بر جمره سنگ پرتاب نکنید»^۵.

آنحضرت ﷺ نه تنها به آموختن علم توجه داشتند بلکه جانب عمل را نیز مورد نظر داشتند، لذا احیاناً به حکمت‌های مشروع شدن برخی از مناسک اشاره می نمودند مثلاً فرموده‌اند: «همانا طواف بر کعبه و میان صفا و مروه و پرتاب سنگریزه همه بخاطر برپا نمودن ذکر خداوند ﷻ است»^۶.

همچنان آنحضرت ﷺ با یادآوری فضایل و مراتب بعضی از اعمال، عزم و تصمیم امت را بر انجام آن برمی‌انگیخته و همت‌ها را راسخ و متین می نمودند، بطور مثال فرموده ایشان ﷺ: بهترین دعا، دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ،

۱- صحیح مسلم: ۱۲۰۷.

۲- صحیح بخاری: ۴۶۴.

۳- صحیح بخاری: ۱۶۷۹، و سنن نسایی: ۳۰۳۴، با تصحیح البانی: ۲۸۴۰.

۴- سنن نسایی: ۳۰۵۹، با تصحیح البانی: ۲۸۶۵.

۵- سنن ابوداود: ۱۹۴۰، با تصحیح البانی: ۱۷۱۰.

۶- سنن ابوداود: ۱۸۸۸، اما البانی آن را ضعیف خوانده است، ضعیف الجامع: ۲۰۵۶، و ارنאוووط آن را

تحسین نموده است، تخریج جامع الاصول: ۱۵۰۵.

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱. یعنی: «هیچ معبودی بحق جز الله ﷻ وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمد و ستایش از آن اوست، و او بر همه چیز قادر و تواناست». همچنان فرموده‌اند: «لمس کردن حجر الاسود و رکن یمانی گناهان - صغیره - را محو و نا بود می‌کند»^۲. همچنان فرموده‌اند: «کسی که خانه کعبه را طواف نموده و سپس دو رکعت نماز بخواند، پاداش آن مانند آزاد نمودن برده است»^۳. و در پاسخ به شخصیکه از ایشان پرسید کدام حج بهتر است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: «تلبیه گفتن با آواز بلند و ریختن خون - قربانی -»^۴. همچنان در پاسخ به مرد انصاری در مناهنگامی که از ایشان ﷺ در مورد فضیلت بعضی اعمال پرسید فرمودند: «و اما هنگامی که از خانهات بسوی خانه کعبه بیرون می‌شوی، در برابر هر قدمیکه شتر - و یا هر چارپایی دیگر - می‌گذارد، خداوند ﷻ برایت یک نیکی می‌نویسد و یک گناه را از تو محو می‌نماید، اما در بدل و قوف تو در عرفه، خداوند تبارک و تعالی به آسمان دنیا آمده و بر فرشتگان افتخار نموده می‌فرماید: بندگانم را نگاه کنید که از راه‌های دور، آشفه و خسته و غبار آلود بسوی من آمده و انتظار و التماس رحمت مرا دارند، و از عذاب من در هراسند درحالی که مرا بچشم ندیده‌اند، پس اگر مرا میدیدند چه وضعیتی میداشتند! پس اگر گناهانت مانند ریگ صحرای عالج و یا مانند روزهای دنیا و یا مثل قطره‌های باران هم باشد، خداوند ﷻ در اینروز آن را از تو شسته و پاک می‌نماید، اما پرتاب نمودن سنگریزه بر جمره، ذخیره و پس اندازی برای آخرت است، و اما - پاداش - تراشیدن موهایت، در برابر هرمویی یک حسنه و به تو داده می‌شود، و هرگاه طواف خانه کعبه را انجام دهی، از گناهانت مانند روزی که مادرت ترا تولد نموده بود، بیرون می‌آیی»^۵.

آنحضرت ﷺ در این حج مردم را بر اتمام رسانیدن اعمال حج و نسک آن ترغیب نمودند، و آنان را بر ثمره نیک برخی از اعمالی که قبلاً انجام داده بودند، مژده دادند،

^۱ - سنن ترمذی: ۳۵۸۵، با تحسین البانی: ۲۸۳۷.

^۲ - صحیح ابن خزیمه: ۲۷۲۹، صحیح ابن حبان: ۳۶۹۸، با اسناد قوی.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۲۹۵۶، با تصحیح البانی: ۲۳۹۳.

^۴ - جامع ترمذی: ۸۲۷، با تصحیح البانی: ۶۶۱.

^۵ - مصنف عبدالرزاق: ۸۸۳۰، و معجم اوسط از طبرانی: ۲۳۲۰، و سنن ترمذی: ۳۵۸۵، با تحسین

البانی: ۲۸۳۷، و صحیح مسلم: ۱۳۴۸.

طوری که در حدیث بلال رضی الله عنه آمده که: «آنحضرت صلی الله علیه و آله بامداد شب مزدلفه فرمودند: یقیناً خداوند عزوجل در این جمعیت انبوه شما فضل و کرم احسان خویش را ارزانی داشته است، مردمان بدکردار شما را بخاطر نیکان تان بخشیده، و به نیکوکاران شما هر آنچه که از او تعالی خواسته‌اند، عطا نموده است، پس بنام خداوند عزوجل حرکت نمایید»^۱.

اما برجسته‌ترین اموری که آنحضرت صلی الله علیه و آله در تعلیم و آموزش آن به مردم سعی و توجه نموده‌اند از قرار ذیل می‌باشد:

* - آموزش احکام و آداب مناسک حج:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تعلیم احکام حج شیوه جمع میان آموزش نظری و عملی را بکار بردند، قسمی که روایت است که: «آنحضرت صلی الله علیه و آله یک روز قبل از روز ترویبه، به مردم خطبه ایراد نموده و آن‌ها را از مناسک حج‌شان آگاه ساختند»^۲، سپس هنگام فرا رسیدن هر منسکی، حکم و آداب آن را به مردم بیان می‌نمودند.^۳

از جمله: آنحضرت صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه‌های‌شان در حجة الوداع، به مقام و منزلت بناهای اسلام اشاره نموده فرمودند: «از پروردگارتان بهراسید، و پنج نمازتان را ادا کنید، و ماهتان را - رمضان - روزه گیرید و زکات مال‌های خود را بدهید، و از زمامداران تان فرمانبرداری کنید، به بهشت پروردگارتان داخل می‌شوید»^۴.

مثال دیگر: آنحضرت صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه‌های‌شان بنیاد اساسی اسلام را پایه‌ریزی نموده و بنیاد شرک و امور جاهلیت را ریشه کن نمودند، و در مورد آن‌عهده اموری که همه ملت‌ها بر تحریم آن متفق‌اند مانند عدم تجاوز بر خون‌ها، اموال و ارزش‌های مردم تأکید نمودند، چنانکه در زمینه فرمودند: «یقیناً خون‌ها و مال‌ها و آبروهای‌تان،

^۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۴، با تصحیح البانی: ۲۴۵۰.

^۲ - مستدرک حاکم: ۶۳۲/۱ و البانی آن را در صحیح الجامع صحیح خوانده: ۴۷۷۴.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸، سنن ترمذی: ۸۸۵، با تصحیح البانی: ۷۰۲، و سنن ابوداود: ۱۹۵۹، با تصحیح البانی: ۱۷۲۴.

^۴ - جامع ترمذی: ۶۱۶، با تصحیح و تحسین البانی: ۵۱۲، و مسند احمد: ۱۵۸۸۳، با سند ضعیف لیکن با مجموع طرقتش حسن است.

در میان‌تان حرام است مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما و در این ماه شما»^۱.

و در مقام دیگر فرمودند: «آگاه باشید که گناهان بزرگ و مهلک چهاراند: بخداوند ﷻ چیزی را شریک نیاورید، و نفسی را نکشید که خداوند ﷻ کشتن آن را حرام گردانیده مگر بحق، و زنا نکنید و دزدی نکنید»^۲، همچنان آنحضرت ﷺ در این حج بعضی از احکام شرعی را بیان نمودند مانند چگونگی غسل، و تکفین شخصیکه احرام بر تن داشته است، طوری که از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «شخصی با پیامبر خدا ﷺ در عرفات وقوف نموده بود، ناگهان این شخص از شترش افتاده و گردنش شکست و وفات نمود، پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «او را با آب و سدر غسل دهید، و در دو جامه کفن کنید، خوشبویی به جسمش استعمال نکنید و سرش را نپوشانید، زیرا او در روز قیامت تلبیه گوین برمی‌خیزد»^۳.

اما امروز، جهل و نادانی چنان بر امت اسلامی حکم فرماست که بیشتر فرزندان آن از دین و آیین، علم و معرفت و فرهنگ دینی‌شان آگاهی نداشته و آثار دانستی‌های ضروری دینی در نزد آنان کاملاً ناپدید شده است، و تنها خویش را از روی عاطفه و یا بستگی میراثی به اسلام منسوب می‌نمایند، و اگر در مورد فهم و دانش یا برداشت آن‌ها از اسلام پرسیده شود، هیچ‌گونه معلوماتی در این عرصه ندارند، که این خود زمینه را به مردمان گمراه و هواپرست مساعد ساخته، و از عواطف و احساسات پاک و پرشور مردمان ناآگاه سوء استفاده نموده افکار و اندیشه‌های باطل و ناپاک را با جلوه‌های زیبا و جذاب به آنان عرضه می‌دارند، از اینروست که فساد فکری و عملی همیشه رو به رشد بوده و حق کنار زده شده و ناپدید می‌گردد.

ولی باز هم فرصت خوبی برای دعوتگران و خیراندیشان باقی مانده است تا فرزندان این امت را در موسم حج از دین، آیین و اصول دین‌شان با خبر ساخته و روح اسلام را در آن‌ها تازه و زنده نموده، عزت و افتخار از دست رفته امت را به آن‌ها برگردانند، زیرا

^۱ - صحیح بخاری: ۶۷.

^۲ - مسند احمد: ۱۸۹۸۹، با سند صحیح.

^۳ - متفق علیه.

دیار مقدس همه ساله میلیون‌ها مسلمان را در آغوش خود کشیده و رو به ازدیاد می‌باشد.

پس وجیبه هر طالب علم و دعوتگر قادر و مخلص است که این فرصت خوب را از دست نداده و در راه آموزش برادران مسلمان خود سعی و تلاش ورزیده و بساط جهل و نادانی را با پخش و نشر نور هدایت بردارند.

۲- فتوا:

یکی از مهم‌ترین و بارزترین احوال آنحضرت ﷺ در حج، بیان احکام، و حل مشاغل مربوط به حج و غیره عبادات، و پاسخ به سوالات مردم می‌باشد، زیرا آنحضرت ﷺ از آغاز حج تا برگشت به مدینه با مردم آمیخته بودند و معضله و اشکالات آن‌ها را حل می‌نمودند.

فتاوی آنحضرت ﷺ در این حج بسیار است، بطور مثال مشهورترین فتوای ایشان ﷺ اینست که: «زنی از قبیله خثعم گفت: ای رسول خدا! حج بر پدرم واجب شده است اما او مردی مسن است و نمی‌تواند بر شتر بنشیند، آیا به عوض او حج کنم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: به جای او حج کن»^۱.

همچنان ایشان به کسانی که در مورد تأخیر و یا تقدیم بعضی از اعمال حج می‌پرسیدند پاسخ می‌دادند: (انجام ده، هیچ اشکالی ندارد)^۲. ملاحظه می‌شود که آنحضرت ﷺ در فتوا دادن به مردم چند اموری را مد نظر داشتند که بارزترین آن‌ها از قرار ذیل می‌باشد:

* - آنحضرت ﷺ سعی می‌ورزیدند که ایستاده شده و خویش را به مردم نمایان سازند تا همه، ایشان را دیده بتوانند و از ایشان جویای توضیح مسایل دینی، بویژه احکام حج شوند، طوری که از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: «پیامبر اکرم ﷺ در حجة الوداع، طواف را سوار بر شترشان انجام دادند، و حجر الاسود را با عصای‌شان لمس نمودند، تا مردم ایشان را در مکانی مشرف دیده بتوانند و سوال‌های‌شان را مطرح

^۱ - صحیح مسلم: ۱۳۳۵.

^۲ - صحیح بخاری: ۸۳.

نمایند، چون مردم گرداگرد آنحضرت ﷺ پیچیده بودند»^۱. و حدیثی که از عبدالله ابن عمروؓ روایت است که فرمود: (پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع در ساحه منا برای مردم ایستادند تا از ایشان سوال نمایند^۲، و حدیثی که از عبدالله ابن عباسؓ روایت شده است که فرمود: «سپس آنحضرت ﷺ بخاطر پاسخ به سوالات مردم ایستادند»^۳.

* - آنحضرت ﷺ همیشه مراعات احوال امت را می‌نمودند و جانب سهل و آسان را در فتوای‌شان برمی‌گزیدند تا بر مردمان حاجتمند و ناتوان تخفیف و آسانی صورت گیرد که نمونه‌های همچو فتاوی بسیار است، بطور مثال: از عایشهؓ روایت است که آنحضرت ﷺ بر ضباعه بنت زبیر وارد شده و فرمودند: «آیا اراده حج کرده‌ای؟ فرمود: به خدا سوگند من بیشتر اوقات بیمارم، پیامبر ﷺ فرمودند: نیت حج کن و شرط بگذار و بگو: خداوند! هر جایی که مرا از حج بازداشتی همان‌جا محل بیرون آمدنم از احرام است»^۴. همچنان حدیث طولانی که از جابرؓ روایت است که آنحضرت ﷺ فرمودند: «اگر آینده کارم را می‌دانستم اینچنین نمی‌کردم، هدی (قربانی) نمی‌آوردم، و آن را عمره قرار می‌دادم، پس هر کسی از شما که قربانی با خود ندارد، باید از احرام خارج شود و آن را عمره قرار دهد، سراقه بن مالک بن جعشم بلند شد و گفت: ای رسول خدا! آیا این حکم تنها برای امسال است یا همیشه؟ پیامبر خدا ﷺ انگشتان‌شان را در هم فرو برده و دوباره فرمودند: عمره داخل حج شد، نه برای امسال، بلکه تا ابد»^۵. و از عبدالله ابن عمروؓ روایت است که فرمود: «من پیامبر ﷺ را در منا دیدم که خطبه ایراد می‌نمودند، مردی برخاست و گفت: گمان کردم که فلان عمل پیش از فلان عمل انجام داده می‌شود، سپس دیگری برخاسته گفت: من گمان کردم که اینکار قبل از آن کار است، دیگری گفت: پیش از اینکه ذبح کنم سرم را تراشیدم، و دیگری گفت: قبل از جمره زدن ذبح کردم و... امثال آن،

۱- صحیح مسلم: ۱۲۷۳.

۲- متفق علیه.

۳- صحیح بخاری: ۶۲۲۸.

۴- صحیح مسلم: ۱۲۰۷.

۵- صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

آنحضرت ﷺ می فرمودند: باکی ندارد - همه در محلش انجام داده شده - در این روز هر کسی چیزی می پرسید ایشان می فرمودند: انجام بده اشکالی ندارد^۱. همچنان از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه از پیامبر خدا ﷺ اجازه خواست تا بخاطر آب دادن به حجاج، شب های منا را در مکه بگذراند، پیامبر خدا ﷺ برای او اجازه دادند»^۲. و از عدی رضی الله عنه روایت است که فرمود: «پیامبر خدا ﷺ به شتربانان اجازه دادند که می توانند شب در منا نمانند، روز نحر (قربانی) بر جمره سنگ بریزند، اما دو روز بعد از آن را می توانند یکجا در یکی آندو روز بر جمرات سنگریزه پرتاب کنند»^۳.

* - همچنان آنحضرت ﷺ می کوشیدند تا در موقع فتوا دادن، قناعت سوال کننده را حاصل نمایند، روایت است که مردی به ایشان گفت: ای رسول خدا! پدرم به اسلام مشرف شده، ولی مردی مسن است و نمی تواند بر شتر بنشیند، آیا بجای او حج کنم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: اگر بر پدرت قرضی می بود، آیا آن را از عوض او ادا نمی کردی؟ و آیا اینکار تو، قرض را از وی ساقط نمی کرد؟ گفت: بلی. آنحضرت ﷺ فرمودند: پس به جای او حج کن»^۴.

* - پیامبر اکرم ﷺ از صبر، حوصله و تحمل فایق، و نرمی، لطف و مهربانی بسزایی برخوردار بودند خصوصاً با کسانی که جوای حکم و یا فتوا و یا سوالی از ایشان می شدند که نمونه های آن از حساب بیرون است، بطور مثال حدیث طولانی که از جابر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ بعد از یکشنبه روز انتظار در ذی الحلیفه، بسوی مکه عزیمت نمودند، جابر رضی الله عنه می فرماید: «آنحضرت ﷺ بر شترشان سوار شدند تا آنکه شترشان در بیابانی وسیعی داخل شد، و در این هنگام تا چشمم کار می کرد، نگاه کردم که پیشروی، راست، چپ و عقب آنحضرت ﷺ جمعیت انبوهی از سواره و پیاده دیده می شد، و پیامبر ﷺ در میان ما بودند»^۵. همچنان از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است

۱ - صحیح بخاری: ۱۷۳۶.

۲ - صحیح بخاری: ۱۶۳۴.

۳ - سنن ترمذی: ۹۵۵، با تصحیح البانی: ۷۶۳.

۴ - مسند احمد: ۱۸۱۲، حدیث صحیح است.

۵ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

که فرمود: «هنگام ورود پیامبر خدا ﷺ به مکه، مردم دور ایشان جمع شده می‌گفتند: این است محمد ﷺ، این است محمد ﷺ، حتی که دختران جوان از خانه‌ها بیرون آمدند تا آنحضرت ﷺ را مشاهده کنند، چون در حضور پیامبر خدا ﷺ کسی زده و یا عقب رانده نمی‌شد، فشار مردم برایشان زیاد شد، سپس بر شتر سوار شدند، اما طواف وسیعی پیاده بهتر است»^۱. و در اخیر این حدیث ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: «پیامبر ﷺ میان صفا و مروه بر شتر طواف نمودند، و اینکار در اصل سنت نیست، چون مردم در حضور پیامبر ﷺ رانده و یا با آنان برخورد صورت نمی‌گرفت - پس بخاطر ازدحام مردم - بر شتر سوار شده طواف نمودند، تا از یکسو مردم بتوانند ایشان ﷺ را درست ببینند و سخنان‌شان را بشنوند، و از سوی دیگر دست‌های آن‌ها به ایشان نرسد»^۲. همچنان از قدامه العامری رضی الله عنه روایت است که فرمود: «پیامبر اکرم ﷺ را در روز نحر (عید) دیدم که بر شتر سرخ رنگ‌شان سواراند و بر جمره سنگ پرتاب می‌نمودند، در حضور آنحضرت ﷺ نه راندن بود و نه کتک زدن و نه پس و پیش گفتن»^۳.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ در مورد حج فتاوی بسیار به مردم آرایه نمودند، از جمله: هنگامی که اسماء بنت عمیس رضی الله عنها در ذی الحلیفه طفلی دنیا آورد، کسی را حضور پیامبر ﷺ فرستاد که حالا چکار کند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «غسل کن و پارچه‌ای را روی محل خروج خون بگذار و نیت احرام کن»^۴. و هنگامی که ایشان اصحاب را دستور دادند تا از احرام بیرون آیند، از ایشان پرسیدند: ای رسول خدا! این چگونه تحلل است (بیرون آمدن از احرام؟) فرمودند: «تحلل کامل است»^۵. (یعنی همه اشیاییکه بر شما بواسطه احرام بستن حرام شده بود، حلال است).

اوس طایبی رضی الله عنه از ایشان پرسید: ای رسول خدا! من از میان دو کوه طی آمده‌ام، شترم را ناتوان و خودم را خسته و افسرده نموده‌ام، بخدا سوگند هیچ کوهی را پشت

۱ - صحیح مسلم: ۱۲۶۴.

۲ - مسند احمد: ۲۸۴۲، حدیث حسن است.

۳ - سنن ابن ماجه: ۳۰۳۵، با تصحیح البانی: ۲۴۶۱.

۴ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

۵ - صحیح بخاری: ۳۸۳۲.

سر نگذاشته‌ام مگر اینکه بر آن توقف کرده‌ام، آیا حج من صحیح است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: «کسی که با ما در این نماز (صبح در مزدلفه) حاضر شده و تا وقتی که حرکت کنیم توقف کند، و قبل از آن در عرفه، چه شب یا روز توقف کرده باشد، حشش کامل و مناسکش را انجام داده‌است»^۱.

اما فتوای آنحضرت ﷺ در غیر امور حج نادر است که بطور نمونه به برخی از آن اشاره می‌نماییم: جابر رضی الله عنه در حدیث طولانی که روایت نموده می‌فرماید: سراقه بن مالک رضی الله عنه فرمود: ای رسول خدا! مسایل دین ما را بما شرح و بیان نمایید، مثلیکه همین حالا آفریده شده‌ایم، بخاطر چه عمل انجام می‌دهیم، آیا آنچه را انجام می‌دهیم که قلم‌ها در مورد آن خشک گردیده و قدر -تقدیر- بر آن انجام پذیرفته؟ و یا آنچه را که در آینده انجام می‌دهیم مدار اعتبار است؟ فرمودند: «نه، بلکه آنچه که در مورد آن قلم‌ها خشک گردیده و تقدیرها بر آن انجام پذیرفته است، سراقه رضی الله عنه فرمود: پس عمل بخاطر چه است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: عمل کنید زیرا هر کس برای آنچه آفریده شده است عمل می‌کند»^۲. و حدیثی که از ابی قتاده روایت شده که فرمود: «ما با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخاطر ادای حج از مدینه بیرون شدیم من احرام بر تن نداشتم، گوره خری را شکار نمودم، تعدادی از اصحاب که در احرام بودند از گوشت آن خوردند، سپس گفتند: ما از گوشت شکار خوردیم درحالی که در احرام هستیم! آن‌ها متباقی گوشت را با خود گرفتند، هنگامی که حضور آنحضرت ﷺ رسیدند در مورد آن سوال کردند: ایشان رضی الله عنهم فرمودند: آیا از میان شما کسی او را دستور حمله به آن داده و یا به آن اشاره‌ای کرده است؟ گفتند: نه خیر، فرمودند: پس از گوشت متباقی آن بخورید»^۳.

* - پاسخ آنحضرت ﷺ به سوالات مردم نظر به خواست و احوال سوال کننده می‌بود، از اینرو غالباً پاسخ‌شان متوجه شخص سوال کننده می‌بود، بطور مثال هنگامی که زن خثعمی از ایشان پرسید: ای رسول خدا! حج بر پدرم واجب شده است اما او مردی مسن است و نمی‌تواند بر شتر بنشیند، آیا به عوض او حج کنم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

^۱ - جامع ترمذی: ۸۹۱، با تصحیح البانی: ۷۰۷.

^۲ - مسند احمد: ۱۴۱۱۶، با اسناد صحیح.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۱۹۶.

فرمودند: آری، به عوض اوحج کن.^۱ و در بعضی احوال پاسخ ایشان ﷺ عام می‌بود، چنانکه در حدیث عبدالرحمن بن یعمر رضی الله عنه آمده که: «مردمانی از اهل نجد نزد رسول الله ﷺ در عرفه آمده سوالی پرسیدند، آنحضرت رضی الله عنه امر نمودند تا شخصی با آواز بلند صدا زند که، حج عرفه است»^۲.

* - دیگر شیوه و روش آنحضرت رضی الله عنه در فتوا، ترغیب و تشویق بر انجام کارهای نیک است که یکی از مثال‌های بارز آن فرموده ایشان رضی الله عنه به زنی است که کودکی را نزد آنحضرت رضی الله عنه آورد و گفت: آیا حج این پسر صحیح است؟ پیامبر اکرم رضی الله عنه فرمودند: بلی، و برای تو نیز اجر و ثواب هست.^۳

* - همچنان آنحضرت رضی الله عنه نظر به خواست و تقاضای وقت، در جاهای متعددی فتوا داده‌اند، طوری که ایشان در مدینه، هنگام احرام بستن در ذی الحلیفه، و در بیت الحرام، و عرفه، و مزدلفه، و منا و اثنای انتقال میان مشاعر حج، و هنگام عودت به مدینه منوره فتوا داده‌اند.^۴ در عصر حاضر با وجود زمینه و فرصت‌های خوبی که برای اهل علم و دعوتگران مساعد است و توانسته‌اند تا اندازه وسیع و توان‌شان نقش بارزی را در راستای تعلیم و آگاهی حجاج انجام بدهند، ولی باز هم تقصیر در ادای واجب دعوت دیده می‌شود، چون اکثراً به مشاهده می‌رسد که عامه مردم بخاطر حل معضله و یا سوالات‌شان در هر وادی سرگردان و در جستجوی کسی‌اند که مشکلات‌شان را حل، و به سوالات‌شان جواب ارایه نماید، اینکار خود سبب می‌گردد تا همچو مردمان نزد عالم نماهای بی‌علم، و یا نزد کسانی که قیافه و مظهر دانشمندان و علما را دارند رفته و سوال‌های خود را مطرح نمایند، پس بخاطر جلوگیری از اضرار فتوایه‌ایکه مبتنی بر علم و معرفت و دلیل شرعی نیست، باید ترتیبات و انتظام درست گرفته شود و در همه راه‌ها و خیابان‌های عبور و مرور و اقامت گاه‌های حجاج، جاهای خاصی را برای فتوا و ارشاد حجاج، با زبان‌های مختلف تعیین گردد، تا از یکسو دامن جهل و نادانی برچیده شود و از سوی دیگر راه صدور فتوای‌های غیر مسؤلانه مسدود گردد.

^۱ - صحیح بخاری: ۱۵۱۳.

^۲ - سنن ترمذی: ۸۸۹، با تصحیح البانی: ۷۰۵.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۳۳۶.

^۴ - نگاه: صحیح مسلم: ۱۲۱۸، ۱۲۷۳، ۱۳۳۶، و صحیح بخاری: ۸۳، و سنن ترمذی: ۸۸، ۸۹۱.

همچنان لازم می‌بینیم که به حجاج آگاهی داده شود که در مورد مراجع و اشخاصیکه از آن‌ها فتوا می‌خواهند، اطمینان و یقین خود را در صحیح بودن آن فتوا حاصل نمایند، و اگر اطمینان و یقین کامل در مورد فتوای شخصی حاصل ننمودند، لازم است از چندین شخص در آن مورد بپرسند، زیرا با سوال نمودن یک شخص و عدم قناعت بر آن، مسؤولیت بر دوش خودشان خواهد بود، همچنان بر علما و دانشمندان و جهات ذی صلاح لازم است تا مردم را از فتوا دادن بدون علم و معرفت بر حذر نموده و خطر آن را بیان نمایند، زیرا اینکار افترا و دروغ بستن به خداوند ﷻ و پیامبرش ﷺ است، قسمی که الله ﷻ می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾﴾
[الأعراف: ۳۳].

«بگو - ای پیامبر - جز این نیست که پروردگارم فواحش را حرام کرده است، آنچه آشکار باشد از آن، و آنچه پوشیده باشد، و گناه را حرام کرده است و ستم و تجاوز را، و این که چیزی را با خدا شریک مقرر نکنید که او هیچ دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده است و - حرام کرده است - این که چیزی را نمی‌دانید به خدا ﷻ نسبت دهید».

همچنان پیامبر اکرم ﷺ امت را از دروغ گفتن برایشان ﷺ بر حذر داشته فرموده‌اند: «دروغ گفتن بر من مانند دروغ گفتن بر شخصی دیگری نیست، کسی که بر من دروغی ببندد، باید جایگاهش را در دوزخ آماده نماید»^۱.

۳- پند و نصیحت

پند و نصیحت و وعظ نمودن، وظیفه مصلحان، و پایه محکم و استوار، و محور دعوت دعوتگران راستین است که خداوند ﷻ پیامبران قوی عزم خویش را به آن دستور داده‌است، طوری که پیامبرش موسی ﷺ را چنین مخاطب قرار داده می‌فرماید: ﴿أَنْ أَخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ﴾ [ابراهیم: ۵].

^۱ - صحیح بخاری: ۱۲۹۱.

«قوم خود را از تاریکی‌ها بسوی نور بیرون آور و ایام الله - وقایع نجات آنان - را به آنان یادآوری کن». همچنان پیامبر ما خاتم المرسلین ﷺ را نیز مخاطب قرار داده می‌فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ [الغاشية: ۲۱].

«پس تذکر ده که همانا تو اندرزگویی». یعنی: ای محمد ﷺ! مردم را پند و اندرز و بیم و هشدار ده، زیرا تو جز اندرزگویی و هشدار دادن، دیگر مأموریتی نداری. پند و نصیحت یگانه راهی باز نمودن دل‌های بندگان، و جلب عواطف آن‌ها بوده و در عین زمان کمک و یاری دهنده آن‌ها در دوری جستن از لغزش‌ها و نجات از غفلت می‌باشد، در نتیجه وعظ و نصیحت دل‌ها نرم شده و نور ایمانی به آن راه یافته و پرده سیاه، و مهری که بر آن نهاده شده محو و نابود می‌گردد و بنده را به خداوند ﷻ نزدیک ساخته، عظمت و جلال او تعالی در اعماق آن نفوذ می‌نماید، که در نتیجه به فرمان الهی گردن نهاده و از نواهی او تعالی دوری و اجتناب می‌ورزد، بنابراین هر مسمان به وعظ و نصیحت و یادآوری نیاز دارد، و تنها مردمان بادرک و خدا ترس از اندرزها پند می‌گیرند و در صلاح و پرهیزگاری‌شان افزوده می‌شود، اما کسانی که از هوی و هوس خویش پیروی کرده و بر عصیان پافشاری دارند، با وجود پند دادن به آن‌ها سودی ندارد. لیکن با آن هم پند دادن و نصیحت به چنین مردمان مطلوب است، هرچند سودی نبخشد، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۖ سَيَذَكِّرْ مَنْ يَحْشَى ۗ﴾ [الأعلى: ۹-۱۰].

«پس اندرز ده اگر اندرز سود بخشد، آن کس که -ازخدا- می‌ترسد، به زودی پند خواهد گرفت». همچنان خداوند ﷻ می‌فرماید:

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الذاریات: ۵۵].

«و پند ده که مؤمنان را پند سود می‌بخشد». از اینرو پیامبر اکرم ﷺ امت را بسوی خیر و صلاح و رستگاری دعوت نموده و از شر و گناه و زشتی‌ها برحذر نموده‌اند. آنحضرت ﷺ ناظر احوال اصحاب می‌بودند تا در وقتی مناسب به آن‌ها پند و نصیحت تقدیم نمایند^۱، تا مبدا خسته و دلسرد نشوند، بنابراین هنگامی که وعظ، نصیحت و اندرزهای پر منفعت ایشان که با فصاحت و بلاغت بی‌مثالی همراه می‌بود، به آن‌ها

^۱ - صحیح بخاری: ۷۰.

تقدیم می‌کردند دل‌های آنان نرم شده و اشک از چشمان‌شان سرازیر می‌گردید.^۱ و قابل تاد آوریست که وعظ و تذکیر و اندرز دادن یکی از مأموریت‌های مهم و ارشد آنحضرت ﷺ بود که خداوند ﷻ ایشان را به خاطر آن فرستاده است، طوری که فرموده‌اند: «همانا صفت آنچه خداوند ﷻ مرا با آن فرستاده است، مانند شخصی است که نزد مردمانی رفته و می‌گوید: ای مردم! من لشکری را با چشم دیدم - که تصمیم هجوم بر شما را دارد- و یقیناً من بیم‌دهنده‌ای آشکار هستم، پس خود را نجات دهید، برخی از آنان سخن او را پذیرفته و در اول شب با آرامی و آهستگی حرکت نمودند و نجات یافتند، اما برخی دیگر سخن او را تکذیب نموده و بر جای‌شان نشستند تا آن که بامداد فرار سید و لشکر بر آنان هجوم برده و همه‌شان را هلاک نمود، پس همچنان کسی که از من اطاعت نموده و از آنچه که از جانب الله آورده‌ام پیروی کند، از نجات یافتگان است، و کسی که نافرمانی مرا کرده و آنچه را که از حق آورده‌ام، تکذیب نماید، از جمله هلاک شدگان است»^۲.

آنحضرت ﷺ در جاهای متعددی اصحاب را پند و نصیحت داده و نیروی پنهانی آنان را در جوش و خروش می‌آوردند، ایشان در عرفات، و در اثنای انتقال میان مشاعر مقدسه، و در منا در روز نحر، و ایام تشریق^۳، و هنگام عودت به مدینه طیبه^۴، پند و اندرزها و نصایح ارزشمندشان را به امت تقدیم نمودند. چون در این موسم پرفیض، نور ایمان و رحمت الهی چنان بر دل‌های مردم حکمفرما می‌گردد که به هیچ وجه قابل

^۱ - جامع ترمذی: ۲۶۷۶، با تصحیح البانی: ۲۱۵۷.

^۲ - صحیح بخاری: ۷۲۸۳.

^۳ - صحیح بخاری شماره‌های: ۱۶۷۱، ۱۷۴۱، ۴۴۰۳، ۴۴۰۶، ۵۵۵۰، و صحیح مسلم: ۱۲۱۸، و مسند احمد شماره‌های: ۲۲۶۴، ۶۱۷۳، ۲۰۶۹۵، با اسناد صحیح.

^۴ - آنحضرت ﷺ هنگام عودت از حج بسوی مدینه در غدیرخم توقف نموده و به مردم پند و اندرزهای ارزشمندشان را بیان نمودند، طوری که از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت شده که فرمود: «پیامبر خدا ﷺ هنگام عودت از حج در غدیرخم فرود آمده و فرمودند: من در میان شما دو چیز گرانبها را گذاشتم که یکی از دیگر از جمند تراست: کتاب خدا و اهل بیت من، پس ببینید که بعد از من چگونه با آن‌ها برخورد دارید، زیرا آندو تا وقتی از هم جدا نمی‌شوند که برحوض من برگردند». سنن نسایی: ۸۴۶۴، با تصحیح ذهبی، و سیرت نبی از ابن کثیر: ۴/۴۱۶.

توصیف نیست، که این چنین فضای روحانی خود سبب پذیرش پند و نصیحت بیشتر از هر وقتی دیگر می‌گردد.

*- همچنان آنحضرت ﷺ در این موسم و اجتماع بزرگ، فرصت‌ها را غنیمت می‌شمردند و مشاعر مقدسه و سایر اعمال حج را بهم پیوند ناگستنی می‌دادند، قسمی که در خطبه یوم نحر (عید) فرمودند: «آیا می‌دانید این کدام روز است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند، آنحضرت ﷺ سکوت نمودند تا آنکه گمان کردیم شاید آن را به نام دیگری غیر از نام اصلی‌اش نامگذاری کنند، همین بود که فرمودند: آیا یوم نحر نیست؟ گفتیم: آری. فرمودند: این کدام ماه است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند، ایشان خاموش شدند تا آنکه گمان کردیم که بنام دیگری جز نامش بنامند فرمودند: آیا ماه ذوالحجه نیست؟ گفتیم: بلی، فرمودند: این کدام شهر است؟ گفتیم: خدا و رسولش دانانتراند. ایشان ﷺ خاموش شدند چنانکه گمان کردیم که شاید آن را بنام دیگری غیر از نام اصلی‌اش نامگذاری کنند، فرمودند: آیا شهر حرام (مکه) نیست؟ گفتیم: آری، فرمودند: همانا خون‌ها و مال‌هایتان بر شما حرام است مانند حرمت این روز شما، در این ماه شما و در این شهر شما تا اینکه نزد پروردگارتان حضور یابید^۱. همچنان در این روز هیچ سوالی از آنحضرت ﷺ در مورد تأخیر یا تقدیم اعمال حج نشد مگر اینکه می‌فرمودند: «باکی ندارد و اشکالی نیست» سپس فرمودند: «اشکالی نیست اشکالی نیست جز مردیکه آبروی برادر مسلمانش را سبک شمرده و پایمال نموده است -مانند غیبت و غیره- که با این کار در حق او ظلم روا داشته، پس در آن اشکال و نابودی است»^۲.

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ پند و نصیحت در یک موضوع را در موضع‌های متعددی بیان می‌نمودند، مانند تأکید ایشان ﷺ بر حرمت خون‌ها و مال‌ها و آبروهای مسلمانان، در روز عرفه و روز نحر (عید) و وسط ایام تشریق^۳، و گاهی هم در عین وقت و زمان، یک مسأله را چندین بار تأکید و تکرار می‌نمودند طوری که در حدیثی

^۱ - صحیح بخاری: ۱۷۴۱.

^۲ - سنن ابو داود: ۲۰۱۵، با تصحیح البانی: ۱۷۷۵.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۷۴۱، ۶۷، و صحیح مسلم: ۱۲۱۸، و مسند احمد: ۲۰۶۹۵، صحیح لغیره، و سنن

ابوداود: ۲۰۱۵، با تصحیح البانی: ۱۷۷۵، و سنن نسایی: ۴۰۰۲.

که ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده آمده، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز نحر (عید) به مردم خطبه ایراد نموده و فرمودند: «ای مردم! این کدام روز است؟ گفتند: روز حرام، فرمودند: و کدام شهر است؟ گفتند: شهر حرام، فرمودند: کدام ماه است؟ گفتند: ماه حرام، فرمودند: همانا خون‌ها و مال‌ها و آبروهای‌تان برش ما حرام است مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما، و در این ماه شما، و آن را چندین بار تکرار نمودند»^۱.

* - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر آنچه را می‌فرمودند، بدون تأخیری، ایشان رضی الله عنهم قبل از دیگران، به عملی نمودن آن مبادرت می‌ورزیدند، و هیچگاهی نشده چیزی را که بر انجام آن تصمیم نداشته‌اند، بر زبان آرند، و اگر به امری دستور می‌فرمودند خودشان در مقدمه قرار می‌داشتند، و اگر از چیزی باز می‌داشتند ایشان رضی الله عنهم از دورترین مردمان از آن چیز می‌بودند، بناءً آنحضرت صلی الله علیه و آله پرهیزگارتین و راستگوتین و نیکوتین مردمان روی جهان بودند.

* - سخنان آنحضرت صلی الله علیه و آله در پند و اندرزهای‌شان از درخشش در الفاظ و کوتاهی در جملات و درستی در مفاهیم آن و از عدم تکلف برخوردار بود، بنابراین هیچ گاهی دیده و شنیده نشده که در سخنان‌شان صلی الله علیه و آله طرز و روش بی‌قاعدگی، یا کلمات و عبارات رکیک و کمیاب استعمال شده باشد.

* - آنحضرت صلی الله علیه و آله توجه و اهتمام خویش را بر مسایل مهم و بنیادی اسلام که محور و اساس نجات و رستگاری بندگان در آخرت، و پیروزی، آسایش و آرامش دنیوی آنان است، مبذول می‌داشتند. ایشان در پند و اندرزهای‌شان جانب دشوار و پرمشقت مسئله را جدی نگرفته و آنچه که در آن برای امت سهولت می‌بود، اختیار می‌کردند.

* - همچنان ایشان صلی الله علیه و آله پند و اندرز دادن را منحصر به خود ننموده بلکه به اصحاب کرام نیز مجال می‌دادند و خود به آن‌ها بعضی امور را محول می‌کردند، طوری که از بشرین رضی الله عنهم روایت شده که آنحضرت صلی الله علیه و آله به وی دستور دادند تا در روزهای تشریق با صدای بلند به مردم بگوید اینکه در بهشت جز مؤمن کسی دیگر داخل نمی‌شود»^۲.

^۱ - صحیح بخاری: ۱۷۳۹.

^۲ - صحیح ابن خزیمه: ۲۹۶۰، با اسناد صحیح.

* - آنحضرت ﷺ در اندرزه‌های‌شان همیشه ترس و بیم دادن از عذاب آخرت را ذکر ننموده بلکه میان بیم دادن از آتش دوزخ، و امید واری به رحمت خداوند ﷻ و بهشت، و مزده‌های که به مؤمنان داده شده، جمع نموده و به امت بازگو می‌نمودند. بطور مثال فرموده ایشان ﷺ: «کسی که حج کند و فحش‌گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که از مادر تولد شده بود (بی‌گناه) باز می‌گردد»^۱. همچنان در بامداد شب مزدلفه به مردم چنین فرمودند: «یقیناً خداوند ﷻ در این جمعیت انبوه شما فضل و کرم خویش را ارزانی داشته، و مردمان بدکردار شما را بخاطر نیکان‌تان بخشیده و به نیکوکاران شما هرآنچه که از او تعالی خواسته‌اند، عطا نموده است، پس بنام خداوند ﷻ حرکت نمایید»^۲.

* - آنحضرت ﷺ نه تنها با گفتار به یاران‌شان پند و اندرز می‌فرمودند، بلکه بطور عملی نیز آن‌ها را توجیه و ارشاد می‌نمودند، طوری که ایشان ﷺ به دره بزرگی بنام محسر (جاییکه خداوند ﷻ بر اصحاب فیل خشم و غضب خود را نازل کرد و همه از بین رفتند) رسیدند، با سرعت از آنجا عبور کردند، علی رضی الله عنه این صحنه را چنین بیان نموده است: آنحضرت ﷺ از مزدلفه به منا حرکت کردند تا به وادی محسر رسیدند، در این هنگام شترشان مضطرب گردید، سپس شتر را بازدن قمچین حرکت دادند تا اینکه به تیزی از آن وادی بیرون آمد و توقف نمود^۳. در سال پیدایش پیامبر ﷺ در این وادی فیل‌های ابرهه حبشی که بخاطر ویران کردن خانه کعبه آن را با خود آورده بود از پیش روی بسوی شهر مکه باز داشته شدند و نتوانستند سیرشان را طی نمایند. ابن قیم رحمه الله نگاشته است: «عادت آنحضرت ﷺ بر آن بود که، از جاهایی که عذاب خداوند ﷻ بر ستمگاران نازل گردیده بود با سرعت بگذرند»^۴.

پند و اندرزهای پیامبر اکرم ﷺ به امت، جوانب مهم و قضایای مختلف را در برداشته و به آن اشاره می‌نمودند که با ذکر نمونه‌های بارز آن اکتفا می‌نماییم:

۱ - صحیح بخاری: ۱۵۲۱.

۲ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۴، با تصحیح البانی: ۲۴۵۰.

۳ - جامع ترمذی: ۸۸۵، با تصحیح البانی: ۷۰۲.

۴ - زاد المعاد: ۲۵۵/۲.

* - آنحضرت ﷺ از فانی بودن دنیا و کوتاهی عمر و زود گذر آن آگاهی دادند، تا مبدا مردم مفتون آن گردند و باعث غرور و تکبرشان گردد. این سخنان را قبل از غروب نمودن آفتاب در عرفه به مردم بیان نمودند: «ای مردم! از دنیایان نسبت به آنچه که گذشته، به اندازه زمانی که از این روز شما نسبت به آنچه که از آن گذشته است باقی مانده است»^۱.

* - همچنان آنحضرت ﷺ به تقوی و پرهیزگاری، و امریکه سبب دخول بهشت می‌گردد امر فرمودند: «از پروردگارتان بهراسید، و پنج نمازتان را ادا کنید و ماهتان (رمضان) را روزه بگیرید و زکات مال‌های خود را بدهید و از زمامداران‌تان فرمانبرداری کنید، به بهشت پروردگارتان داخل می‌شوید»^۲.

* - همچنان ایشان ﷺ به امت آگاهی دادند که هیچ کسی کیفر و جزای جرم و جنایت دیگری را بر دوش نمی‌کشد، و هرکه خود در نزد خداوند ﷻ مسؤل کردار و گفتار خویش خواهد بود، و هر فرد جوابگوی اعمال خود است، طوری که فرمودند: «آگاه باشید! جنایتکار جز بر خویش تجاوز نمی‌کند، و هان! نباید تجاوز کاری بر فرزند خویش تجاوز کند، و نه فرزندی بر پدرش...»^۳.

* - آنحضرت ﷺ مردم را به اخلاق نیک و حمیده و انجام اعمال شایسته و سودمند تشویق و ترغیب نموده و از ارتکاب معصیت و گناه، بویژه در اثنای انجام دادن اعمال حج برحذر نمودند، چنانکه فرمودند: «کسی که این خانه را حج کند و فحش‌گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که از مادر بدنیا آمده بود (بی‌گناه) باز می‌گردد»^۴. و در مقام دیگر به مردم چنین فرمودند: «ثواب و خیر در شتاب و تیز راندن اسب و شتر نیست»^۵. و هنگامی که از نیکی و احسان در ایام حج پرسیده شدند فرمودند: «طعام دادن، و سخن گفتن خوش و نیک - احسان است»^۶.

^۱ - مسند احمد: ۶۱۷۳، صحیح لغیره.

^۲ - جامع ترمذی: ۶۱۶، با تصحیح و تحسین البانی: ۵۰۲.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۲۶۶۹، با تصحیح البانی: ۲۱۶۰.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۸۱۹.

^۵ - صحیح بخاری: ۱۶۷۱، و مسند احمد: ۲۲۶۴، حدیث صحیح است.

^۶ - مستدرک حاکم: ۶۵۸/۱، با تحسین هیشمی در مجمع: ۲۰۷/۳، و البانی در صحیح الجامع: ۲۸۱۹.

* - همچنان آنحضرت ﷺ امتشان را از غلو و زیاده‌روی در دین منع نمودند و بر اعتدال و میانه‌روی در همه امور، بویژه امور مربوط به دین امر فرموده‌اند، طوری که در یکی از خطبه‌های‌شان فرمودند: «ای مردم! از زیاده‌روی و افراط در دین بپرهیزید، زیرا کسانی که قبل از شما بوده‌اند، زیاده‌روی و غلو در دین هلاک کرده است»^۱.

* - آنحضرت ﷺ در این حج توصیه و تأکید بر پیوسته داشتن روابط با خویشاوندان و نزدیکان نموده و در یکی از خطبه‌های‌شان در منا چنین فرمودند: «مادرت و پدرت و خواهرت و برادرت سپس پائین‌تر از آنان بر تو حق احسان و نیکی دارند»^۲.

* - همچنان ایشان ﷺ در مورد ضعیفان و ناتوانان و برده‌گان سفارش نمودند تا با آن‌ها نیکی و احسان صورت گیرد. طوری که فرمودند: «از خداوند عزوجل در مورد زنان بترسید، زیرا شما آنان را به امانت الهی گرفته و با کلمه خدا استفاده جنسی ایشان را برای خویش حلال ساخته‌اید»^۳. و در روایت دیگر در مورد آن‌ها چنین سفارش نمودند: «آگاه باشید! و در مورد زنان وصیت به خیر نماید، زیرا آن‌ها در نزد شما بمنزله اسیرانند»^۴. و در حدیث مرفوعی از آنحضرت ﷺ روایت شده که فرمودند: «برده‌گانتان، برده‌گانتان! از طعامی که می‌خورید برای آن‌ها نیز بدهید، و از لباسی که می‌پوشید برای آن‌ها نیز بیوشانید، اگر مرتکب گناهی شدند و آن‌ها را عفو نکردید، پس بنده‌های خدا را بفروشید و آن‌ها را شکنجه نکنید»^۵.

* - پیامبر اکرم ﷺ بر اجتناب از آزار و اذیت دیگران توصیه و برحذر داشته، و در طاعت و فرمانبرداری خداوند عزوجل و رسولش ﷺ و ترک گناه و معصیت ترغیب می‌نمودند، قسمی که در یکی از خطبه‌های‌شان فرمودند: «آیا شما را از مؤمن آگاه نسازم؟ مؤمن کسیست که مردم در مورد مال‌ها و جان‌های‌شان بر وی اعتماد کنند، و

^۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۹، با تصحیح البانی: ۲۴۵۵.

^۲ - المجمع الکبیر از طبرانی: ۴۸۴، با تصحیح البانی در صحیح الجامع: ۱۴۰۰.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۴ - جامع ترمذی: ۳۰۸۷، با تحسین البانی: ۲۴۶۴.

^۵ - مسند احمد: ۱۶۴۰۹، با اسناد ضعیف، و اصل آن در صحیحین از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است.

صحیح بخاری: ۳۰، و صحیح مسلم: ۱۶۶۱.

مسلمان کسیست که مردم از دست و زبانش در امان بمانند، و مجاهد کسیست که با نفسش در راه طاعت و فرمانبرداری خداوند ﷻ برزمد، و مهاجر آنست که گناه و خطاهای خود را کنار گذاشته و ترک کند»^۱.

* - همچنان آنحضرت ﷺ بر تبلیغ و رسانیدن فرموده‌های ایشان به دیگران ترغیب نمودند و از دروغ بستن به ایشان شدیداً نهی نمودند، چنانکه فرمودند: «شاد و خرم دارد خداوند ﷻ شخصی را که از ما حدیثی شنیده و آن را حفظ کند تا آنکه به دیگری آن را برساند، زیرا بعضی حمل‌کننده‌گان فقه، فقیه نیستند، و کسانی‌اند که فقه را به کسی حمل می‌کنند که نسبت به او فقیه‌تراند»^۲. همچنان فرمودند: «همانا شما مرا دیده و از من شنیدید و شما در مورد من باز پرس خواهید شد، پس کسی که بر من دروغ می‌بندد، یقیناً جایگاه خود را در دوزخ آماده نموده است»^۳.

* - پیامبر اکرم ﷺ در این حج مردم را بر مناجات و حضور قلب در دعا فرا خواندند، تا حاجات خویش را به زاری و ناله و اظهار عاجزی و شکستگی از پروردگار بخواهند، تا مورد عفو و بخشش خداوند ﷻ و رحمت بیکران و بهشت برین او تعالی نایل آیند، طوری که فرمودند: «هیچ روزی نیست که در آن خداوند ﷻ بندگان را از دوزخ آزاد نکند، بیش از روز عرفه، و او تعالی نزدیک می‌آید - به آسمان دنیا - و بر فرشتگان افتخار نموده می‌فرماید: «آیا می‌دانید آن‌ها چه می‌خواهند؟!»^۴. ای کاش می‌دانستیم! وقتیکه پیامبر خدا ﷺ با چنین کوشش و تلاش پیهم، در اندرز دادن دو بزرگ مرد تاریخ، ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه و متباقی عشره مبشره، و اهل بدر و اصحاب شجره، و سایر صحابه کرام رضی الله عنهم می‌کوشیدند و به آنان اندرزهای بزرگ و ارزشمندی می‌دادند که قلب‌ها با شنیدن آن هراسان شده و وجدان مسلمان را تکان داده و به لرزش می‌آورد، و اشک را از دیده‌گان سرازیر می‌سازد، آیا نیاز ما به همچو اندرزها بیشتر از آن‌ها نیست؟! آنحضرت ﷺ بخاطر ابلاغ این اندرزها افرادی را به مردم فرستادند تا میان آنان با آواز بلند صدا زده و آنان را آگاه سازند، در حالی که آنان

^۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۵۶، با تصحیح البانی: ۳۱۷۹، و صحیح ابن حبان: ۴۸۶۲.

^۲ - سنن ابن ماجه: ۳۰۵۶، با تصحیح البانی: ۲۳۸۰.

^۳ - مسند احمد: ۲۳۵۴۴، با سند صحیح.

^۴ - صحیح مسلم: ۱۳۴۸.

بهترین این امت بودند و از صفایی دل و علم فراوان برخوردار بوده، و در همه امورشان کم تکلف، صادق، راستکار، پارسا و با خدا بودند، و خداوند ﷻ آن‌ها را بخاطر یاری پیامبرش ﷺ و نصرت دینش برگزید، پس آیا ما بیشتر از آن بزرگان به پند و اندرز و آگاهی به دین نیاز نداریم؟! آیا ما نسبت به هر زمانی به آموختن احکام و مناسک حج محتاج نیستیم؟! درحالی که میان ما، جهل، نادانی، غفلت، فراموشی، گناه، معصیت، شهوترانی رایج یافته و شبه‌های شیطانی بیش از هر زمانی دامن زده می‌شود؟!.

بدون شک این واقعیتی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید، و نباید مسأله را خورد و بی‌اهمیت شمرد، مسؤولیت بزرگ بدوش همه افراد امت است، بویژه صاحبان علم و معرفت، تا مردم را از خواب غفلت بیدار نموده و آن‌ها را از دین و آیین‌شان آگاه سازند، امروز نیاز مسلمانان به علم و دانش اسلامی بیشتر از خورد و نوش‌شان است زیرا وضعیت چنین امر را ایجاب می‌کند. پس کسانی که قادر به اندرز دادن و آموزش امور دین به مردم هستند، نباید در انجام وظیفه‌شان سستی و کوتاهی نمایند، بلکه فرصت طلایی حج را غنیمت شمرده در راه آموزش و اندرز دادن حجاج تلاش ورزند، زیرا چنین موقعی مناسب در هیچ زمان و مکانی دیگر، امکان‌پذیر نیست. و امید است که خداوند ﷻ بوسیله کوشش و تلاش برادران دعوتگر، نفس‌های به خواب رفته بیدار گردیده، و دل‌های پریشان و آشفته را زنده گرداند، تا این تلاش‌ها سبب تاییدن نور ایمان بر قلب‌ها گردیده، تا فرزندان این امت با حضور قلب و اظهار عاجزی، به درگاه رب العزت روی بیاورند، و سبب هدایت بندگان خدا ﷻ و نشر و پخش هدیایات و ارشادات پیامبر خدا ﷺ در میان امت گردد.

۴- پرورش امت بر پیروی شریعت و فراگیری احکام آن از یک مصدر

اسلام یعنی تسلیم شدن عام و تام همراه با خواری و ذلت به پروردگار جهانیان، و گردن نهادن به همه دستاویز و فرامین و ارشادات پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد، و هیچ کسی بر آن ثابت قدم و استوار نخواهد ماند تا آنکه به قوانین و مقررات و فرامینی که از جانب خداوند ﷻ نازل گردیده، پایبند و تسلیم و از صمیم قلب، در ظاهر و باطن به آن منقاد و تابع نباشد، و هرگز بر چیزی از امور دین خورده‌گیری و اعتراض ننماید^۱.

^۱ - شرح عقیده طحاوی: ص ۲۰۱.

طوری که خداوند ﷻ فرموده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيْٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«چنین نیست که منافقان می‌پندارند، به پروردگارت سوگند که ایمان نمی‌آورند تا آن که ترا در آنچه میان‌شان مایه اختلاف است داور گردانند و آنگاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابند و تسلیم شوند - در ظاهر و باطن - به تسلیم شدنی». چنانکه آنحضرت ﷺ نیز فرموده‌اند: «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، یکی از شما ایمان نمی‌آورد تا آن که هوس و خواسته‌اش پیرو آن چیزی باشد که من آورده‌ام»^۱. امام شافعی رحمته فرموده است: «مسلمانان اتفاق نظر بر آن دارند که اگر سنت پیامبر خدا ﷺ برای کسی ثابت و واضح شد، بر چنین شخصی جایز نیست که فرموده آنحضرت ﷺ را در برابر قول کسی دیگر بگذارد»^۲.

حج علامت گردن نهادن بنده به پروردگارش، و مدرسه بزرگ تربیتی و ایمانی است که بنده در آن خویشتن را به خداوند یکتا تسلیم نموده، درس‌های متنوع و پندهای مؤثری که دل‌ها را زنده می‌کند و ایمان را پرورش و تقویت و رونق می‌بخشد، در آن می‌آموزد. پیامبر اکرم ﷺ در این کنفرانس بزرگ مسلمانان، یاران خود را بر پیروی واقعی و صادقانه خویش تربیت نموده و در نفس‌هایشان لزوم پایبندی به سنت و طریقت خویش ﷺ را غرس نمودند، جابر رضی حال را چنین وصف می‌کند: «پیامبر خدا ﷺ در میان ما بودند، قرآن بالایشان نازل می‌شد و ایشان رضی تفسیر آن را می‌دانستند و چیزی که به آن عمل می‌کردند، ما هم به آن عمل می‌کردیم»^۳. اینگونه تربیت بزرگ و آموزش سترگ بود که دیری نگذشت که درختان پرفیضی که آنحضرت ﷺ با دست مبارکش غرس نموده بودند، ثمر و میوه آن رسیدن گرفت و هنگام چیدن آن فرا رسید، ما به طور نمونه به بعضی از مواقع این راد مردان تاریخ که

^۱ - شرح السنة از بغوی شماره: ۱۰۴، و محقق این حدیث را ضعیف گفته است و ابن رجب نیز صحت آن را بعید خوانده ولی نووی آن را صحیح خوانده و ابن حجر گفته: رجال آن همه ثقه‌اند، فتح الباری: ۲۷۹/۱۳.

^۲ - مدارج السالکین از ابن قیم: ۳۳۵/۲.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

در مدرسه نبوت پرورش یافته بودند اشاره می‌نماییم:

* - هنگامی که عمر فاروق رضی الله عنه نزدیک حجرالاسود آمد تا آن را ببوسد، فرمود: «من می‌دانم که توسنگی هستی که نه ضرر رسانده می‌توانی و نه فایده، و اگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را ندیده بودم که ترا می‌بوسیدند، ترا نمی‌بوسیدم»^۱. همچنان در موضع دیگری فرمود: «اکنون چه لازم است که رمل نمایم؟ - دویدن آرام درسه دور اول طواف را رمل گویند- اینکار فقط جهت اظهار قوت برای مشرکین بود، اکنون خداوند جل جلاله آن‌ها را از بین برده است، بعد از آن فرمود: رمل چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجام داده‌اند، از این جهت نمی‌خواهیم آن را ترک نمایم»^۲.

و در روایتی دیگر چنین فرمود: «آری، و سوگند به خداوند جل جلاله آن چیزی را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انجام داده‌اند ترک نمی‌نمایم»^۳.

* - علی رضی الله عنه با خلیفه مسلمین عثمان رضی الله عنه بر موضوع حج تمتع مخالفت نمود، زیرا عثمان رضی الله عنه از جمع بین عمره و حج نهی نموده بود، چون علی رضی الله عنه این نهی را دید، حج و عمره را با هم نیت نمود، عثمان رضی الله عنه فرمود: «من از اینکار منع می‌نمایم و تو آن را انجام می‌دهی؟! علی رضی الله عنه فرموده: سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را به گفته هیچ کسی ترک نخواهم کرد»^۴.

* - همچنان عبدالله پسر عمر رضی الله عنه هنگامی که می‌خواست حجرالاسود را لمس نماید می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ وَتَّصَدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صلی الله علیه و آله»^۵.

^۱ - صحیح بخاری: ۱۵۹۷.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۰۵، چون مشرکان مکه هنگام عمره قضا بر کوه‌ها بالا رفته بودند تا مسلمانان را ببینند، و میان هم می‌گفتند: تب یثرب آن‌ها را ضعیف ساخته است، از اینرو رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان دادند تا در سه طواف نخست پهلوانی کنند و درمیان دور کن آهسته بروند، تا مشرکین برخلاف تصورشان، قدرت و نیرومندی مسلمین را مشاهده کنند، بنابراین حضرت عمر رضی الله عنه فرمود: «اکنون رمل لازم نیست.....» زیرا علت آن زایل شده بود، لیکن پیروی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا روز قیامت باقی مانده است.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۲۹۵۲، با تصحیح و تحسین البانی: ۲۳۹۰.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۵۶۳، و سنن نسایی: ۲۷۲۴، با تصحیح البانی: ۲۵۵۲.

^۵ - المعجم الأوسط از طبرانی: ۵۸۴۳، و هیشمی در مجمع الزوائد رجال آن را صحیح خوانده: ۲۴۰/۳.

«خداوندا! از روی ایمان بتو، و تصدیق کتاب تو، و به پیروی از سنت پیامبرت ﷺ».

وی از وقتی که پیامبر خدا ﷺ را دید که حجر الاسود را بوسه و رکن یمانی را لمس می‌کنند، بوسه زدن حجر الاسود و لمس رکن یمانی را در وقت ازدحام و در غیر ازدحام ترک نکرده است.^۱ مجاهد رحمته الله علیه می‌فرماید: «باری عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما را دیدم که در وقت ازدحام مردم، می‌خواست حجرالاسود را بوسه زند، بینی‌اش چنان کج شد گویی که شکست، و از دو سوراخ بینی‌اش خون جاری شد»^۲. و هنگامی که مردی درباره لمس کردن حجرالاسود از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما پرسید فرمود: من پیامبر خدا ﷺ را دیدم که حجرالاسود را لمس نموده و بوسیدند، آن شخص گفت: حتی اگر ازدحام هم باشد، و به سبب لمس نمودن حجرالاسود لگدمال هم شوم؟! ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: «اگر چنین شدم، و یا چنان شدم، را در یمین بینداز، (سوال کننده از یمین بود) من برای تو می‌گویم که پیامبر خدا ﷺ را دیدم که حجرالاسود را لمس نموده و بوسیدند»^۳. و در جواب به شخصی که درباره نیت عمره سپس حج کردن پرسید (حج تمتع) فرمود: اینکار درست و جایز است، مرد گفت: پدرت از اینکار منع می‌کرد، عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: تو برایم بگو: از کاری که پدرم منع نموده ولی پیامبر خدا ﷺ آن را انجام داده باشد، امر پیامبر خدا ﷺ مقدم است یا امر پدرم؟ مرد گفت: بدیهی است که امر پیامبر خدا ﷺ مقدم‌تر است، عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: «آنحضرت ﷺ چنین انجام داده بودند»^۴.

^۱ - متفق علیه.

^۲ - سنن بیهقی: ۸۱ / ۵ ، مراد از حدیث آنست که عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بخاطر انجام دادن سنت پیامبر ﷺ آزار و اذیت مردم را متحمل می‌شد، نه اینکه خدا ناخواسته - وی باعث آزار و اذیت مردم گردد، طوری که امروز مردمان نادان سبب اذیت و آزار مردم می‌گردند، و این کار ناجایز است و پیامبر خدا ﷺ شدیداً از آن منع نموده‌اند، چنانکه فرموده‌اند: «ای عمر! تو مرد قوی هستی، هنگام بوسیدن حجر بر مردم فشار میار تا سبب آزار و اذیت ناتوانان نگردی» مسند احمد: ۱۹۰، حدیث حسن است.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۶۱۱.

^۴ - جامع ترمذی: ۸۲۴، ترمذی فرمود: حسن و صحیح است، و البانی آن را صحیح خوانده است (۶۵۸).

همچنان شخصی دیگر به ابن عمر رضی الله عنهما گفت: ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: بر خانه کعبه طواف منما تا آنکه به موقف (عرفه) نیایی، ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش از اینکه به موقف (عرفات) بروند، خانه کعبه را طواف نمودند، پس اگر در سخت صادق هستی، پیروی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر تو مقدم و اولی تر است یا سخن ابن عباس^۱». دانشمند بزرگ و ترجمان قرآن عبدالله بن عباس رضی الله عنهما هنگامی که معاویه رضی الله عنه را دید که هر چهار گوشه کعبه را لمس می کند پرسید: «این دو رکن دیگر را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لمس نکرده اند تو چرا لمس می نمایی؟!» معاویه رضی الله عنه جواب داد: هیچ گوشه از کعبه را نباید مهجور گذاشت، ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾﴾ [الأحزاب: ۲۱].

«به راستی که برای شما و برای کسی که به خداوند عز وجل و روز آخرت امید (و ایمان) دارد و خداوند را بسیار یاد می کند در (پیروی از) رسول خدا سرمشق نیکویی است». معاویه رضی الله عنه فرمود: «راست گفتمی»^۲. همچنان ابن عباس رضی الله عنهما حج تمتع را بهتر می دانست، روزی بوی گفته شد: ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه اینکار را نکرده اند، وی فرمود: «بخداوند سوگند! فرود آمدن عذاب خداوند را بر شما انتظار دارم، من از راه و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بشما صحبت می نمایم و شما از ابوبکر و عمر برایم حرف می زنید؟!»^۳.

نمونه و مثال های زیادی از تربیت و پرورش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یاران شان موجود است که آن ها را بر پیروی مطلق خویش، و مرجع قرار دادن ایشان در همه امور متعلق به دین، و فراگرفتن وحی الهی از آنحضرت صلی الله علیه و آله آموزش داده اند، که به برجسته ترین آن اشاره می نمایم:

^۱ - صحیح مسلم: ۱۲۳۳.

^۲ - مسند احمد: ۱۸۷۷، و این حدیث حسن لغیره است.

^۳ - مسند احمد: ۲۲۷۷، ۳۱۲۱، و اسناد حدیث: ۲۲۷۷، صحیح است، فقیه و متفقه از خطیب (۳۸۰) با اسناد صحیح و لفظ از وی است.

* - پیامبر اکرم ﷺ در چندین موضع از حجاج خواستار پیروی و اقتدای تام به ایشان ﷺ شده و در این راستا آن‌ها را ترغیب و تشویق نمودند، و خاطر نشان نمودند که شاید این آخرین حج ایشان باشد، از اینرو چند بار این عبارت را تکرار نمودند: «مناسکتان را باید از من بیاموزید، زیرا من نمی‌دانم شاید بعد از این حج دیگر حجی نکنم»^۱.

* - همچنان آنحضرت ﷺ در خطبه روز عرفه مردم را به پیروی و چنگ زدن به قرآن کریم تشویق نمودند و بیان داشتند که یگانه راه نجات از گمراهی و هلاکت همانا کتاب پروردگار می‌باشد، چنانکه فرمودند: «همانا من در میان شما چیزی را گذاشتم که هرگاه به آن چنگ زنید، هرگز گمراه نمی‌شوید، کتاب خدا»^۲.

* - پیامبر اکرم ﷺ در این حج به امت هشدار شدید در مورد بدعت و نوآوری در دین و هوسرانی دادند، درحالی که بر شترشان در عرفات سوار بودند چنین فرمودند: «آگاه باشید: من قبل از شما برحوض حاضر می‌شوم و شما را مشاهده می‌کنم و همانا من بر سایر امت‌ها به زیادی شما افزونی و افتخار می‌نمایم، پس مرا روی سیاه نسازید، و آگاه باشید که من مردمانی را -از دوزخ- می‌رهانم، و کسانی از میان وارد شدگان ر بوده می‌شوند، من می‌گویم: ای پروردگارا! آن‌ها یارانم -از امت من‌اند- به من گفته می‌شود: تو آگاهی نداری که آن‌ها بعد از تو چه چیزهای پدید آوردند»^۳.

* - آنحضرت ﷺ نه تنها بر تربیه و تعلیم نظری اصحاب توجه داشتند، بلکه در جهت تربیه و پرورش عملی آن‌ها نیز اهتمام می‌نمودند، ایشان ﷺ آن‌ها را از غلو و زیاده‌روی در امور دین برحذر نمودند، طوری که از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ بامداد روز نحر (عید) درحالی که بر شترشان سوار بودند به ابن عباس رضی الله عنه فرمودند: «برایم سنگریزه جستجو کن» ابن عباس رضی الله عنه فرمود: من هفت سنگریزه خذف (مانند دانه نخود یا باقلا) را آورده به ایشان دادم، آنحضرت ﷺ سنگریزه‌ها را در کف دست‌شان تکانیدند -تا گرد و غبار از آن دور گردد- و می‌فرمودند: «با اینگونه سنگریزه‌ها پرتاب نمایید» سپس فرمودند: «ای مردم! از افراط

^۱ - صحیح مسلم: ۱۲۹۷، سنن ابن ماجه با تصحیح البانی: ۲۴۴۹.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۳۰۵۷، با تصحیح البانی: ۱۴۸۱، و فتح الباری از ابن حجر: ۱۱ / ۳۹۳.

و زیاده‌روی در دین پرهیزید زیرا کسانی را که قبل از شما بودند، افراط و زیاده‌روی در دین هلاک نمود»^۱.

* - همچنان آنحضرت ﷺ هنگام انتقال میان مشاعر حج، اسامه بن زید رضی الله عنه و پسر عموی‌شان فضل بن عباس رضی الله عنهما را با خود سوار نمودند تا مردم به ایشان اقتدا نموده و جویای احوال آنحضرت ﷺ از آندو شوند، و آن‌ها نیز چشم دیدشان را به مردم برسانند، هنگامی که پیامبر ﷺ اسامه رضی الله عنه را بین عرفه و مزدلفه با خویش سوار نمودند، مردم می‌گفتند: «دوست ما از احوال آنحضرت ﷺ ما را آگاه خواهد ساخت» و هنگامی که فضل بن عباس رضی الله عنه میان مزدلفه و منا با ایشان رضی الله عنه سوار شد مردم گفتند: «دوست ما احوال پیامبر ﷺ را بما حکایت خواهد کرد»^۲.

* - و از مثال‌های بزرگ پرورش امت بر پیروی و فراگیری وحی الهی از آنحضرت ﷺ و مرجع و مصدر قرار دادن ایشان رضی الله عنه در امور دین، دستور دادن آنحضرت ﷺ به کسانی که قربانی با خود نیاورده بودند، تا از احرام بیرون بیایند، چون برخی از یاران به اجرای امر ایشان مبادرت نورزیده و گفتند: «ما به منا می‌رویم درحالی که از ذکر (آلت)‌های ما منی بچکد»^۳. زیرا آنحضرت ﷺ اختیار را به مردم گذاشتند، و به کسانی که با خود قربانی نبرده بودند بیرون شدن از احرام و همبستری با همسران‌شان را مباح اعلان نمودند، طوری که در روایت ابن عباس مرفوعاً آمده که: «پیامبر ﷺ بعد از ادای نماز فرمودند: هر که می‌خواهد نیت حج را فسخ کرده و به عمره تبدیل نماید پس اینکار را بکند»^۴. همچنان قول جابر رضی الله عنه دلیل واضحی است که: «آنحضرت ﷺ به اصحاب اجازه دادند تا نیت عمره نموده و طواف کعبه نمایند و موی سرشان را کوتاه نموده و از احرام بیرون آیند، مگر کسانی که با خود قربانی آورده‌اند - آنها در احرام باقی بمانند-»^۵. همچنان جابر رضی الله عنه فرمود: «اما آنحضرت ﷺ در بیرون

۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۹، با تصحیح البانی: ۲۴۵۵.

۲ - مسند احمد: ۲۱۸۶، رجالش ثقه‌اند.

۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۶.

۴ - صحیح مسلم: ۱۲۴۰.

۵ - صحیح بخاری: ۱۷۸۵.

آمدن اصحاب از احرام تأکید نکردند و تنها آن را برایشان مباح اعلان داشتند^۱. سپس هنگامی که مشاهده نمودند که برخی هنوز هم متأثر به روش مردمان عهد جاهلیت مانده‌اند و تصور می‌کنند که عمره نمودن در ماه‌های حج از بدترین کارهای زشت است^۲، چون این تصور پیروی از مناسک حج عهد جاهلیت است، آنحضرت ﷺ آنان را بر بیرون آمدن از احرام ملزم نمودند، تا بدانند که یگانه مرجع و مصدر احکام و مناسک حج آن‌ها، تنها خود پیامبر ﷺ است، و اصحاب کرام نیز به دستور ایشان ﷺ گردن نهاده و اطاعت نمودند^۳.

اما اگر امروز به طریقه و کیفیت که مردم حج را ادا می‌کنند نظر کنیم، در خواهیم یافت که انواع و اشکال مختلف نوآوری‌ها در دین، و امواج گمراهی‌های گوناگون و هراسناکی دامنگیر این امت شده که یگانه راه نجات از آن و اصلاح سایر خلل‌ها، در پیروی کامل از راه و روش پیامبر اکرم ﷺ و یگانه دانستن ایشان ﷺ در فراگیری احکام و مرجع قرار دادن ایشان ﷺ در همه امور زندگی می‌باشد، پس بر علماء و دعوت‌گران لازم است تا امت را بر همچو اندیشه تربیت و پرورش نمایند، که در تحقق یافتن این هدف نیک موسم حج بهترین فرصت است که می‌توان در خلال این ایام فرخنده فرزندان این امت را بر پیروی پیامبر اکرم ﷺ و مرجع قرار دادن ایشان ﷺ در همه امور زندگی ترغیب و توجیه نموده و آنان را باید قانع ساخت که هیچ مرجع و مصدري دیگر قابل اعتبار نیست که از آن پیروی و تأیید صورت گیرد.

پس برادر بزرگوار! حاجی محترم: اگر راه نجات را می‌جویی پس راه و روش یاران پیامبر اکرم ﷺ را پیش گیر و از خود آغاز نما و پیروی پیامبر خدا ﷺ را بخاطر نجات و رستگاری آخرتت بر خود لازم گردان، و این موسم پر فیض را سرآغاز زندگی نوین خویش گردان و صفحه جدیدی را در این راه باز نما، زیرا پیروی پیامبر خدا ﷺ شرط اساسی صحت عمل و پذیرش آن در نزد الله تبارک تعالی بوده و داخل شدن به بهشت و نجات از آتش مرتبط به آن می‌باشد، طوری که دلایل بی‌شماری در این مورد روایت شده است، از جمله فرموده پیامبر اکرم ﷺ: «آنکه عملی را انجام دهد که دین ما آن

^۱ - صحیح بخاری: ۷۳۶۷.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۵۶۴.

^۳ - متفق علیه.

را تأیید نمی‌کند آن عمل مردود است»^۱، و فرموده آنحضرت ﷺ: «همه امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسی که از داخل شدن آن امتناع ورزد، گفته شد: ای رسول خدا! و چه کسی از داخل شدن به بهشت امتناع می‌ورزد؟! فرمودند: کسی که از من اطاعت کند وارد بهشت خواهد شد، و کسی که نافرمانی مرا کند وی کسی است که از داخل شدن به بهشت امتناع ورزیده است»^۲.

۵- سعی پیامبر اکرم ﷺ بر یکپارچگی امت و هشدار از ایجاد تفرقه

یکی از اهداف والای اسلام، اتحاد، همبستگی، همدلی و هم‌رزمی مسلمانان در صف واحد است، که در زمینه فرامین الهی و ارشادات نبوی مبنی بر یکپارچگی امت و ایجاد فضای الفت و محبت میان آنان، و عدم تفرقه و اختلاف در قرآن کریم و سنت مطهره وجود دارد که از جمله آن فرموده خداوند ﷻ است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان الله - عهد خدا، یا دین خدا، یا قرآن - چنگ زبید و پراکنده نشوید». و همچنان می‌فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].

«در حقیقت این امت، امتی یگانه است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بهراسید».

و می‌فرماید:

﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ [الروم: ۳۱-۳۲].

«و از مشرکان نباشید، از کسانی که دین‌شان را پراکنده کردند و فرقه فرقه شدند، و هر حزبی به آنچه که نزد خود دارند دلخوشند».

و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «مسلمان برای مسلمان (یعنی رابطه مسلمان‌ها با همدیگر در تعاون و همکاری) چون ساختمانی است که برخی، برخی دیگر را محکم

^۱ - صحیح مسلم: ۱۷۱۸.

^۲ - صحیح بخاری: ۷۲۸۰.

می‌سازد. سپس آنحضرت ﷺ انگشت‌های خود را به همدیگر درآوردند»^۱. و همچنان فرموده‌اند: «دست خداوند همراهی جماعت مسلمانان است»^۲.

حج فرصت طلایی است که می‌توان طی آن وحدت و یکپارچگی، الفت و محبت را میان فرزندان امت اسلامی ایجاد نموده، و آن‌ها را از عواقب بد تفرقه و اختلاف، و اسباب و وسایلی که باعث آن می‌گردد برحذر نمود. از اینرو پیامبر اکرم ﷺ در این راستا توجه و اهتمام جدی بخرچ داده و آن را از اولویات شمرده‌اند، و بنابر اهمیت این مسأله ایشان ﷺ در جاهای مختلف، بر وحدت و یکپارچگی امت تلاش نموده و بر آن تأکید نموده و مردم را به آن فرا خوانده‌اند، که در اینجا گوشه از سخنرانی‌های ایشان را که در این باره بیان نموده‌اند خدمت‌تان ذکر می‌نماییم:

* - آنحضرت ﷺ مساوات میان افراد امت اسلامی و عدم برتری یکی بر دیگر را قرار گذاشتند و خاطر نشان ساختند که برتری صرف در تقوا و پرهیزگاری می‌باشد. طوری که در یکی از خطبه‌های‌شان در این موسم با عظمت فرمودند: «هان ای مردم! آگاه باشید که پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است، و آگاه باشید که هیچ عربی‌ای بر هیچ عجمی‌ای، و هیچ عجمی‌ای بر هیچ عربی‌ای، و هیچ سیاه پوستی بر هیچ سرخ‌پوستی، و هیچ سرخ‌پوستی بر هیچ سیاه‌پوستی، هیچ‌گونه برتری ندارد، مگر به تقوی»^۳.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ به اطاعت و شنیدن و نصیحت زمامداران مسلمانیکه قرآن کریم را دستورشان قرار می‌دهند، و پیوسته و منضم بودن با گروه مسلمانان تأکید به عمل آوردند، چنانکه فرموده‌اند: «بشنوید و فرمان برید هر چند بر شما غلامی سیاه و گوش بریده‌ای مقرر گردد که شما را با کتاب الله - قرآن - رهبری نماید»^۴. همچنان ایشان ﷺ در خیف واقع در منا فرمودند: «هرگاه سه خصلت در شخص مؤمن

^۱ - صحیح بخاری: ۲۴۴۶.

^۲ - سنن ترمذی: ۲۱۶۶، حدیث حسن غریب و البانی آن را صحیح خوانده: ۱۷۶۰، واران‌اؤوط در حاشیه «جامع الاصول» با شواهد دیگر آن را حسن گفته است: ۴۷۹۷.

^۳ - مسند احمد: ۲۳۵۳۶، هیثمی در مجمع الزوائد فرموده: رجال این حدیث همه رجال صحیح‌اند: ۲۶۶/۳.

^۴ - صحیح مسلم: ۱۲۹۸.

موجود باشد، کینه و خیانت، قلب ویرا فرا نمی‌گیرد: اخلاص در عمل بخاطر رضامندی خداوند ﷻ، نصیحت کردن پیشوایان و زمامداران مسلمانان، و پیوسته بودن با گروه آنان، همانا دعای سایر مسلمانان بدیگران‌شان، از عقب ایشان را احاطه می‌کند»^۱.

* - همچنان آنحضرت ﷺ امت را از شر و مکر و حيله‌های شیطان برحذر داشته فرمودند: «شیطان ناامید شده که مسلمانان در جزیرهٔ عرب او را بپرستند، و لیکن در فاسد نمودن و دگرگون ساختن دل‌ها، و ایجاد ترک دوستی و محبت میان‌شان می‌کوشد»^۲.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ امت را بر دوری جستن از امور نوپیدا و بدعت‌ها در دین دستور داده‌اند و از خطر آن هشدار داده فرمودند: «همانا من مردمانی را می‌رهانم، و کسانی از میان وارد شدگان - بر حوض - ربوده می‌شوند، من می‌گویم: ای پروردگار آن‌ها از امت من‌اند، به من گفته می‌شود: تو آگاهی نداری آن‌ها بعد از تو چه چیزهای ایجاد نمودند؟»^۳.

* - ایشان ﷺ امت را از تفرقه و اختلاف، و اموریکه باعث آن در جوامع اسلامی می‌گردد، و از عدم شعله و رساختن فتنه‌های که سبب جنگ و خونریزی میان مسلمانان می‌گردد، هشدار دادند، ایشان بخاطر اهمیت این مسأله برخی از یاران را دستور دادند تا مردم را خاموش سازند و سپس فرمودند: «پس از من کافر مشوید که گردن یکدیگر را بزنید»^۴. همچنان از سبک شمردن و مباح دانستن خون، مال و آبروی مردم، امت را برحذر نموده در خطبه‌های عرفه و منا و وسط ایام تشریق بر حرمت و ارزش آن تأکید نموده فرمودند: «همانا خون، مال و آبروهای شما در میان‌تان حرام است، مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما، و در این ماه شما»^۵.

چنانکه از ظلم و تجاوز و گرفتن اموال مردم بدون رضایت آن‌ها منع نموده فرمودند: «از من بشنوید! بعد از من زندگی خواهید کرد، آگاه باشید که بر کسی ظلم نکنید، بر کسی ظلم نکنید، بر کسی ظلم نکنید، بر مسلمان جایز نیست که مال

^۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۵۶، با تصحیح البانی: ۲۴۸۰.

^۲ - صحیح مسلم: ۲۸۱۲، و مسند احمد: ۲۰۶۹۵، حدیث صحیح لغیره است.

^۳ - سنن ابن ماجه: ۳۰۵۷، با تصحیح البانی: ۲۴۸۱.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۲۱.

^۵ - متفق علیه.

مسلمانی را بدون رضایت خاطرش بگیرد»^۱. همچنان واضح ساختند که خداوند ﷻ میراث‌ها را در کتابش تقسیم نموده و میراث هر انسانی را که نصیبش می‌گردد به وی داده‌است، قسمی که فرمودند: «همانا خداوند نصیب هر انسان را که میراث می‌برد تقسیم نموده است، پس وارث حق وصیت را ندارد»^۲. چنانکه از غیبت، دست و پا زبان درازی، و تجاوز به آبروهای مردم منع نمودند، و آن هنگامی که مردی از تقدیم و تأخیر ادای مناسک پرسید، ایشان ﷺ فرمودند: «باکی نیست، باکی نیست - در تقدیم و تأخیر مناسک - جز مردیکه آبروی برادر مسلمانش را سبک شمرده و پایمال نموده است - مانند غیبت، تهمت و غیره - که با این کار در حق او ظلم روا داشته، پس در آن عمل اشکال و نابودی است»^۳.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ امت را از خروج دجال آگاهی داده فرمودند: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده مگر اینکه امت خود را از او (دجال) بیم داده، نوح ﷺ و پیامبرانی که پس از وی بودند از او بیم دادند، دجال در میان شما بیرون خواهد شد و اگر چیزی از امر و علایم وی بر شما پوشیده بماند، این پوشیده نمی‌باشد که خدای شما یک چشم نیست، چشم راست دجال کوراست که گویی چشمش مانند دانه انگور برآمده است»^۴.

با تأسف شدید امروز امت اسلامی را اختلاف و تفرقه‌ها از هم جدا و متلاشی ساخته است، فتنه‌ها و بلاهای گوناگونی دام‌گیرشان شده گویی که خنجر بدست دارد و بر سینه امت زانو زده است، از سوی دیگر دشمنان قسم خورده اسلام، مانند سکولرست‌ها و ملحدان، شب و روز بر ایجاد تفرقه و اختلاف میان فرزندان این امت دست بکاراند، ولی با وجود دسیسه و توطئه‌های‌شان، از مقابله با اسلام و پیروان آن عاجز آمده و ناکامی خویش را اعلان نموده‌اند، پس یگانه راه موفقیت، همانا اتحاد و همبستگی و برگشت به خداوند ﷻ و دین وی است که باید مسلمانان به ریسمان محکم اسلام چنگ زده صفوف‌شان را منسجم ساخته، پراکندگی را به وحدت، دشمنی

^۱ - مسند احمد: ۲۰۶۹۵، این حدیث صحیح لغیره است.

^۲ - جامع ترمذی: ۲۲۱۸، با تصحیح البانی: ۱۷۲۱.

^۳ - سنن ابو داود: ۲۰۱۵، با تصحیح البانی: ۱۷۷۵.

^۴ - صحیح بخاری: ۴۴۰۳.

را به اخوت، و کسالت را به نشاط مبدل سازند، و چون رادمردان صدر اسلام که مرگ و زندگی‌شان بخاطر عزت و اعتلای کلمه الله ﷻ بود، عزت و قوت گم شده را دوباره بدست آرند. موسم با عظمت حج، این گردهم آیی بی‌نظیر مسلمانان فرصتی خوب، و سرآغازی مناسب، بخاطر ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان جهان است، زیرا میلیون‌ها مسلمان با قلب‌های مملو از صفا و صمیمیت و بدن‌های آماده به هرگونه قربانی و فداکاری، در سرزمین مقدس مکه مکرمه، با یک دل و یک جان، و بر یک کلمه و یک دین و آیین، با زبان‌های مختلف، و رنگ‌های گوناگون، و نژادهای متنوع، و فرهنگ‌های متفاوت، و وضعیتهای اقتصادی و اجتماعی مختلف، بدون هیچ‌گونه تبعیضی، گردهم جمع می‌شوند.

پس ای برادری مسلمان! حاجی محترم: تو یگانه کسی هستی که آرزوهای دیرینه مسلمانان را که سال‌ها چشم براه آن هستند برآورده نمایی، تو کسی هستی که با حضورت در این موسم پرفیض و کنفرانس جهانی مسلمانان، رسم و رواج جاهلیت را از میان برداری، و در راه وحدت و یکپارچگی امت سهم فعالی داشته باشی، تو با خدایت عهد و پیمان ببند و اعلان محبت و دوستی واقعی خویش را با پروردگارت نما، و با قاطعیت تصمیم بگیر که، کسی را که خداوند ﷻ دوست دارد دوست، و کسی را که خداوند دوست ندارد با وی قطع رابطه و دشمن‌گیری، سپس این دوستی را میان حجاج و هموطنان خویش پخش و نشر کرده، از آن‌ها دعوت بعمل آور تا مانند تو با خداوند ﷻ عهد و پیمان دوستی ببندند، و باید زندگی خویش را مطابق فرامین و دستورهای او تعالی و رسولش ﷺ عیار نموده و هرچیزی را که بخود دوست داری و می‌پسندی، به دیگر مسلمانان نیز بپسند، و در راه تحقق اهداف والای اسلام از هیچ فداکاری دریغ ننموده و کمک و همکاری و محبت مسلمانان را شعارت گردان، و هیچ‌گاهی گرویده راه و روش غیر مسلمانان نشده بیش از حد ضرورت با آن‌ها سر و کار نداشته باش، و هرگاه موفق به انجام چنین کارهای شایسته شدی، بدان که در راه مستقیم قرارگرفته، خیر برکت و موفقیت و سعادت دنیا و آخرت یاور توست، و در راه وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی پیش از سخن و شعار، گام‌های عملی وجدی برداشته‌ای که ثمره و حاصل آن را عنقریب خواهی چید.

۶- رهبری کامیاب و برخورد و معامله نیک با مردم

خداوند ﷻ پیامبر بزرگش ﷺ را با اخلاق عالی و آداب با شکوه مزین و آراسته نموده که بوسیله آن توانستند از عهده رهبری موفقانه بدر آمده و با رویه نیک و اخلاق والایشان که از قرآن سرچشمه گرفته بود، قلب‌های مردم را بخود جلب و گرویده نمایند، بنابراین هنگامی که مردم از برنامه حج آنحضرت ﷺ آگاهی یافتند، با شتاب و اشتیاق، خود را به مدینه رسول رسانیدند، تا تحت قیادت و رعایت و پرچم ایشان حج‌شان را ادا نمایند، در این موسم عظیم جمعیت انبوهی از سراسر جزیره عرب به مدینه روی آوردند که تعداد دقیق آن را جز خداوند ﷻ کسی دیگر نمی‌داند، ولی برخی از دانشمندان و مؤرخان، تعداد اشتراک کنندگان در این حج را به بیش از یکصد هزار شخص تخمین نموده‌اند^۱. هرکدامی می‌خواست تا به ایشان اقتداء نموده و مانند آنحضرت ﷺ مناسک خود را انجام دهد^۲. از این رو وجود ایشان در این حج، تأثیر عمیق و بسزایی در دل‌های آنان گذاشته بود، ایشان توانستند با اخلاص کامل و وجه احسن آنان را توجیه و رهبری نمایند که نظیر آن در تاریخ بشریت ثبت نشده است.

این جملات کوتاه نمی‌تواند همه جوانب این مراسم بزرگ و پرشکوه و با عظمت را، که در آن دسته‌های بزرگ مردم، فوج فوج اشتراک داشتند و آنحضرت ﷺ نیز با حکمت و درایت، و اخلاق عالی‌شان آن‌ها را رهبری می‌نمودند، چنانکه شایسته است به تصویر بکشد، لیکن با ذکر نمونه و اشارات کوتاه بر آن روشنی می‌اندازیم، تا بتواند مثال زنده، و دلیل آشکار از برخورد و تعامل و قیادت آنحضرت ﷺ باشد. که آن را ذیلاً خدمت‌تان پیشکش می‌نماییم:

أ- آنحضرت ﷺ الگو و قدوه حسنه بودند:

الله تبارک و تعالی مردمانی را که سخن نیک و شایسته می‌گویند ولی به آن عمل نمی‌کنند، نکوهش نموده و آن را عیب و عمل ننگین تلقی نموده است، طوری که می‌فرماید: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۴۴].

^۱ - مختصر سیرت رسول از محمد بن عبد الوهاب: ۵۷۲.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

«آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید حال آنکه خود را فراموش می‌کنید؟ با این که شما کتاب خدا ﷻ را می‌خوانید، آیا هیچ نمی‌اندیشید؟».

و در آیت دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾ كَبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۳﴾﴾ [الصف: ۲-۳].

«ای مؤمنان! چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید، نزد خداوند بس منفور است که چیزی بگویید که انجام نمی‌دهید».

چون اخلاق آنحضرت ﷺ قرآن بود^۱، لذا امت را به هیچ کاری دستور نمی‌دادند مگر اینکه خودشان پیشقدم‌ترین آن‌ها در انجام آن می‌بودند، و از هیچ کاری امت را منع نمی‌کردند مگر اینکه دورترین آن‌ها از آن کار می‌بودند.

و در موسم حج اخلاق عالی و شخصیت والا مقام ایشان به همه هویدا گردید. گوشه‌های متنوع و مختلفی از موافق ایشان ﷺ که سرمشق و نمونه زنده به امت است در این موسم آشکار شد که به برخی از آن اشاره می‌نماییم:

* آنحضرت ﷺ در خطبه وداع همه امور جاهلیت را بی‌اعتبار اعلان نمودند، قسمی که فرمودند: «آگاه باشید! هر آنچه از امور جاهلیت است در زیر دو گامم نهاده شده است، و خون‌های جاهلیت هدر است و نخستین خونی را که از خون‌های دوره جاهلیت بی‌اعتبار می‌شمارم، خون ربیعہ بن الحارث است که در قبیله بنی سعد برای شیرخوارگی داده شده بود و بوسیله قبیله هذیل بقتل رسید، و سود دوره جاهلیت بی‌اعتبار است، و نخستین سودمان از سودهای دوران جاهلیت را که بی‌اعتبار می‌شمارم، سود عباس بن عبدالمطلب است که همه‌اش را بی‌اعتبار اعلان می‌کنم»^۲.

* آنحضرت ﷺ اصحاب را به اعمال شایسته و نیک در حج، و مشغول شدن به طاعت و عبادت و ذکر خداوند ﷻ، و شکستگی و عاجزی در مقابل پروردگار تشویق می‌نمودند، لیکن خود ایشان ﷺ بیشتر از آنان در تقرب جستن به خداوند ﷻ، و اظهار عاجزی و شکستگی و فروتنی و مناجات و زاری تلاش می‌ورزیدند^۳.

^۱ - صحیح مسلم: ۷۴۶.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۳ - صحیح بخاری شماره‌های: ۱۶۷۱، ۱۷۱۸، ۱۸۱۹، ۱۷۵۱، و صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

* - همچنان ایشان ﷺ یاران خویش را به زهد و بی‌میلی به دنیا و تلاش برای آخرت ترغیب می‌نمودند، لیکن خود ایشان ﷺ بر شتریکه پالانش فرسوده، و چادریکه شاید چهار درهم ارزش نداشت حج نمودند.^۱

* - همچنان آنحضرت ﷺ مردم را به ترک فشار و ازدحام، و ادای مناسک به آرامی و متانت و وقار دستور دادند، و خودشان نیز با اطمینان و وقار میان مشاعر حج انتقال نموده و آرامش و نرمی در سیرشان به نظر می‌خورد.^۲

* - و هنگامی که مشروعیت تراشیدن موی سر و کوتاه کردن آن را به مردم بیان نمودند، به تراشیدن آن ترغیب نموده و در حق آنان دعای خیر نمودند، و خود ایشان ﷺ سرشان را تراشیدند.^۳

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ یاران‌شان را از غلو و افراط در دین منع فرمودند، و دستور دادند اینکه بر جمره با سنگریزه‌های که در میان دو انگشت گذاشته شود - مانند دانه نخود- پرتاب نمایند، و خود آنحضرت ﷺ با همانگونه سنگریزه‌هایی که به دیگران دستور داده بودند بر جمره‌ها پرتاب نمودند.^۴ یادآور باید شد که آنحضرت ﷺ در انجام مناسک حج، خویش را سرمشق و الگوی امت قرار دادند، و امری نبود که بدون اراده ایشان اتفاق بیفتد، بدلیل آن که ایشان به مردمانیکه از چاه زمزم آب می‌کشیدند، فرمود: «اگر نمی‌ترسیدم از اینکه مردم در کشیدن آب بر شما فشار بیاورند - به گمان اینکه جزو مناسک است - من هم با شما آب می‌کشیدم».^۵

این امر بود که همه مردم گرویده اخلاق و برخورد آنحضرت ﷺ شدند، و محبت ایشان در اعماق قلب‌های آن‌ها جا گرفت، لذا در هر امری، خورد و بزرگ به ایشان ﷺ اقتدا نموده و خط سیرایشان را تعقیب می‌کردند، زیرا همچو اخلاق عالی نمایندگی از اخلاص و استقامت در مقام رهبری نموده، و دلیل ایمان راسخ، و یقین کامل بر آنچه

^۱ - صحیح ابن ماجه: ۲۸۹۰، با تصحیح البانی: ۲۳۳۷.

^۲ - جامع ترمذی: ۸۸۶، با تصحیح البانی: ۷۰۳.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹.

^۴ - صحیح مسلم: ۱۲۸۲، ۱۲۹۹، و سنن ابن ماجه: ۳۰۲۹، با تصحیح البانی: ۲۴۵۵.

^۵ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

که دستور داده و با جدیت و تلاش خستگی ناپذیر آن را جامه عمل می‌پوشانید، می‌ماید.

پس چه خوب است که دعوتگران و مصلحان این امت در گفتار و کردار و برخوردشان با مردم به اخلاق رسول خدا ﷺ اقتدا نموده، و خود را نمونه و الگوی نیک بر دیگران، در همه حال و احوال، بویژه موسم حج گردانند، و نسبت به دیگران خود در انجام اعمال نیک پیشقدم بوده و در خود داری از آنچه که دیگران را منع می‌نمایند، نیز دوری گزینند و از ارتکاب آن حذر نمایند.

ب- آنحضرت ﷺ به انجام کارهای نیک فرمان می‌دادند و از منکرات نهی می‌نمودند:

رهنمایی به سوی خیر و جلوگیری از شر، محور اساسی دین اسلام است که خداوند ﷻ پیامبرانش را بخاطر برداشت این مسؤلیت بزرگ فرستاده است. امر به معروف و نهی از منکر یگانه راه حفظ امن و آسایش جامعه، و پیمودن زندگی شرافتمندانه، و رستگاری در آخرت، و عزت و کرامت دنیوی افراد جامعه می‌باشد، که بدون آن مسلمانان در روی زمین مقتدر و پایدار باقی نخواهند ماند، و اگر در این عرصه بی‌پروایی و بی‌توجهی صورت گیرد، شریعت وا گذاشته شده و تنفیذ آن بتأخیر می‌افتد و نیز دینداری و دین دوستی از میان مردم رخت بر بسته، جهل و نادانی، گمراهی و فساد میان مسلمانان شایع می‌گردد.^۱

امر به معروف و منع از منکرات بر هر مسلمان قادر امر لازمی و حتمی است که نظر به وسع و توان خود در این راه تلاش ورزد، اگرچه گمان برد که اینکار سود و ثمره نخواهد کرد، زیرا مسلمان باید وجیبه خود را انجام داده و مسؤلیتی که بردوش دارد ادا نمایند، نه اینکه انتظار حاصل و ثمره آن باشد، طوری که الله ﷻ فرموده: ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ [المائدة: ۹۹].

«بر عهده پیامبر جز رساندن پیغام نیست». همچنان پیامبرش را مخاطب قرار داده می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [القصص: ۵۶].

^۱ - احیاء علوم الدین از غزالی: ۳۰۶/۲.

«در حقیقت تو هرکس را که دوست داری نمی‌توانی هدایت کنی - و این امر در حوزه و اراده و اختیار تو نیست - بلکه خداوند ﷻ هرکس را بخواهد هدایت می‌کند.» و در آیت دیگر به پیامبرش ﷺ دستور می‌دهد: ﴿وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾ [الأعراف: ۱۹۹].

«و به معروف امر کن». معروف: هر خصلت پسندیده‌ای است که عقل آن را بپسندد و روان بدان اطمینان یابد، همچنان خداوند سبحان پیامبرش ﷺ را چنین توصیف نموده است: ﴿مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ [الأعراف: ۱۵۷].

«همانا که او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیامبری که آنان را به معروف امر می‌کند - تمام مکارم اخلاق - و آنان را از منکر نهی می‌کند». و هرکه در زندگانی آنحضرت ﷺ دقت نماید در خواهد یافت که ایشان همه زندگی خویش را در بیان و نشر خیر و تشویق بر انجام اموری که سبب رهایی بنده از آتش می‌گردد، و نهی از شر، و بیم از ارتکاب و کیفر آن گذشتانند، در موسم حج نیز آنحضرت ﷺ بر همین منوال سعی و تلاش می‌ورزیدند، ایشان ﷺ در ارشاد و توجیه حجاج و بیان امور متعلق به مراسم حج، و دیگر اموری که سبب سعادت و نجات آن‌ها در دنیا و آخرت می‌شود، سعی می‌ورزیدند، و از اموری که سبب هلاکت و نابودی بنده می‌گردد هشدار و انذار می‌دادند، پیامبر اکرم ﷺ در این موسم با عظمت اصحاب را به امور پسندیده که اولی و اهم بود، امر نمودند و از امور نا پسند و منکر و مغایر با شریعت منع می‌نمودند که به بارزترین نکات آن اشاره می‌نماییم:

* - آنحضرت ﷺ از مردی شنیدند که به عوض کسی دیگر نیت حج می‌نماید، در حالی که خودش حج فرضی خویش را انجام نداده بود، زیرا خودش احق و اولی‌تر از هرکسی دیگر به ادای آن است، طوری که از ابن عباس روایت است که: «پیامبر خدا ﷺ شنیدند که مردی می‌گوید: لبیک از شبرمه، فرمودند: شبرمه کیست؟ گفت: برادرم - یا یکی از اقاربم - فرمودند: آیا قبلا برای خود حج کرده‌ای؟ گفت: نخیر، آنحضرت ﷺ فرمودند: اول برای خود حج کن سپس عوض شبرمه»^۱.

^۱ - سنن ابو داود: ۱۸۱۱، با تصحیح البانی: ۱۵۹۶.

* - همچنان آنحضرت ﷺ بر آن‌عده اصحاب که با خود قربانی نبرده بودند و نمی‌خواستند از احرام بیرون آیند، خشمناک شده و تأخیرشان را در تنفیذ آن انکار نموده و دستور دادند که از احرام بیرون آیند، اصحاب نیز بلادرنگ دستور ایشان را تنفیذ نموده و از احرام‌شان بیرون شدند.^۱

* - آنحضرت ﷺ هنگام طواف دیدند که شخصی دست شخصی دیگر را با نخ یا رسیمانی به دست خود بسته و او را با خود طواف می‌دهد، پیامبر خدا ﷺ آن نخ را قطع نموده و فرمودند: «دستش را بیگر و او را با خود طواف بده».^۲

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ بر فضل بن عباس رضی الله عنهما هنگامی که بسوی دوشیزه‌گانی که می‌دویدند نگاه می‌کرد، انکار نمودند، قسمی که از جابر رضی الله عنه در حدیث طولانی روایت است که فرمودند: «در حالی که فضل بن عباس رضی الله عنهما را که مردی زیبامو، سفید و خوش رو بود، با خود سوار کرده بود از آنجا -مزدلفه بسوی منا- حرکت کردند، در این هنگام چند زنی از کنار آن‌ها با شتاب عبور کردند، فضل بن عباس پیوسته به آنان نگاه می‌کرد، پیامبر ﷺ دستشان را روی صورت فضل گذاشتند لیکن فضل رویش را به طرف دیگر برمی‌گرداند و باز هم به آن‌ها نگاه می‌کرد، پیامبر ﷺ دوباره دستشان را بر روی فضل قرار دادند و صورت فضل را به طرف دیگر می‌چرخاند...».^۳

همچنان پیامبر اکرم ﷺ باری دیگر بر نگاه کردن فضل بن عباس رضی الله عنهما بسوی زن خثعمی انکار نمودند، قسمی که از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: «فضل بن عباس پشت سر پیامبر ﷺ سوار بود، زنی از قبیله خثعم آمد، فضل بن عباس به طرف آن زن ، و آن زن به طرف فضل نگاه می‌کرد، پیامبر خدا ﷺ روی فضل را به طرف دیگری چرخاندند...».^۴

^۱ - متفق علیه.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۲۰.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۸۵۵.

و در عصر حاضر میان حجاج منکرات و مخالفت‌های شرعی زیادی به نظر می‌خورد که اغلباً بسبب جهل و نادانی و بی‌توجهی به امور دین صورت می‌گیرد، نه از سوء نیت و یا سرشت بد یا ناپاکی قلب آن‌ها.

بنابراین آنان به آموزش احکام دین، با ملایمت و نرمی، و دعوت با روش خوب و پسندیده، و ترغیب و تشویق بسوی رستگاری دنیوی و اخروی با حکمت، و برحذر نمودن از شر و فساد با دلسوزی و شفقت، نیاز دارند.

کوشش و تلاش دانشمندان و دعوتگران به هر پیمانانه باشد، ولی باز هم نظر به کثرت و شیوع منکرات و فساد میان مسلمانان، و دوری آنان از راه و روش پیامبر اکرم ﷺ و غیاب اهل دانش و امرکنندگان خیر و معروف از میان حجاج، تلاش و کوشش‌های آنان کفایت نکرده و وظیفه که باید انجام بپذیرد ادا نمی‌شود، پس بر هر حاجی لازم است تا خودش احساس مسؤولیت نموده نقش فعال را در راه جلوگیری از منکرات و فساد به پیروی از فرموده پیامبر اکرم ﷺ بازی نماید، آنحضرت ﷺ می‌فرماید: «هرگاه کسی از شما کار بدی را دید باید آن را بدست خویش تغییر دهد. اگر نتوانست باید به زبان خود آن را منع کند و اگر نتوانست باید به دل خود، -آن را منفور بشمارد- و این ضعیف‌ترین مرتبه ایمان است»^۱.

پس ای برادر عزیز! حاجی محترم! خداوند عزوجل ترا در حفظ و پناه خود قرار دهد، از جمله کسانی باش که هرگاه با منکرات و یا پایمال شدن حریم خداوندی روبرو می‌شوند بخاطر رضا و خشنودی الله سبحانه و خشنماک شده و در بازداشتن آن پیشی می‌گیرند، و بمنظور احیای سنت گم شده پیامبر ﷺ از میان مردم با صدق و اخلاص گام‌های مثمر بردار، زیرا پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «کسی که در اسلام روش و طریقه نیکویی را اساس گذارد، برای اوست مزد آن، و مزد کسانی که پس از او آن کار را انجام دهند، بدون اینکه از مزدشان چیزی کاسته شود، و کسی که در اسلام روش و طریقه بدی را اساس گذارد، بروی گناه آن است و گناه کسانی که بعد از وی مرتکب آن می‌شوند، بدون اینکه از گناهان‌شان چیزی کم شود»^۲.

^۱ - متفق علیه.

^۲ - صحیح مسلم: ۱۰۱۷.

ج - تواضع و فروتنی پیامبر اکرم ﷺ با مردم:

فروتنی و شکسته نفسی، عالی‌ترین مقام اخلاقی، و راه کسب شرف و سروری، و رفعت و بلند رفتن مقام بنده در نزد خداوند ﷻ می‌باشد، طوری که در حدیث شریف از ابی هریره رضی الله عنه - مرفوعاً - روایت شده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ بنده‌ای بخاطر خداوند ﷻ تواضع و فروتنی نمی‌کند مگر اینکه خداوند ﷻ مقامش را بلند می‌برد»^۱. و خداوند ﷻ پیامبرش صلی الله علیه و آله را چنین امر می‌فرماید: ﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۵].

«و برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بال خود را فروگستر». آنحضرت صلی الله علیه و آله با پیروی و فرمانبری از فرموده الله ﷻ چنان فروتن و متواضع بودند که هیچکس به مقام ایشان رسیدگی نمی‌توانست، ایشان با وجود مقام والای‌شان، خودشان کارهای خویش را انجام میدادند، و در خدمت خانواده خود هم می‌بودند، چنانکه خودشان در خانه گوسفند را می‌دوشیدند، و لباس‌های خود را پینه می‌زدند و می‌دوختند، و کفش‌های خود را می‌دوختند، و در بیرون از منزل حتی بر اطفال سلام می‌دادند و با آنها خوش طبعی و مزاح می‌نمودند، و هیچ‌گاهی خویش را بر دیگران برتر جلوه نمی‌دادند، و اگر کسی ایشان را دعوت می‌نمود، خواه سیاه پوست می‌بود و یا سرخ پوست و یا از هر نژادی، ایشان صلی الله علیه و آله دعوتش را می‌پذیرفتند^۲. ایشان صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «چیزی را که غلام می‌خورد من هم می‌خورم و در جایی که غلام بنشیند من نیز می‌نشینم»^۳، و گاهی پیر زنی برده نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله آمده از دست ایشان می‌گرفت، آنحضرت صلی الله علیه و آله نیز تا جایی که او می‌خواست با وی می‌رفتند تا اینکه نیازش را برآورده می‌نمودند^۴. با آن هم آنحضرت صلی الله علیه و آله امت را از زیاده‌روی و غلو در حق ایشان و بلند بردن مقام ایشان بیش از حدی که خداوند ﷻ تعیین نموده است، منع نموده و می‌فرمودند:

۱ - صحیح مسلم: ۲۵۸۸.

۲ - صحیح بخاری شماره‌های: ۶۷۶، ۶۰۷۲، ۶۲۴۷، و شرح السنة از بغوی: ۳۶۷۵، با اسناد صحیح.

۳ - شرح السنة از بغوی: ۳۶۸۳، حدیث صحیح است.

۴ - صحیح بخاری: ۶۰۷۲.

«درباره من غلو و افراط نکنید قسمی که نصارا در مورد عیسی پسر مریم افراط و زیاده‌روی کردند، من بنده خدا هستم، پس بگویید: بنده و فرستاده خدا ﷺ»^۱.

و در موسم حج، در حالی که قیادت و رهبری مسلمانان را به عهده داشتند، نمونه و مثال‌های بی‌شماری از تواضع و فروتنی آنحضرت ﷺ به مردم هویدا گردید که به برخی آن اشاره می‌نماییم:

* - ایشان حج‌شان را بر شتری که پالان آن کهنه و فرسوده بود و چادری که چهار درهم ارزش نداشت، ادا نمودند.^۲

* - همچنان آنحضرت ﷺ نخواستند در امری از امور بر اصحاب‌شان برتری و مزیتی داشته باشند، و هنگامی که عباس رضی الله عنه دید که مردم دست‌های‌شان را در آب داخل می‌نمایند خواست از خانه برای ایشان آب طلب نماید، لیکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد عباس رضی الله عنه را رد نموده فرمودند: «نیازی به آن ندارم، از آبی برایم بدهید که مردم نیز از آن می‌نوشند»^۳.

* - نمونه دیگر از تواضع آنحضرت ﷺ اینکه اسامه بن زید رضی الله عنه را با خود از عرفه تا مزدلفه سوار شتر نمودند، درحالی که اسامه رضی الله عنه از بردگان آزاد شده بود.^۴

* - همچنان آنحضرت ﷺ درمیان راه بخاطر پاسخ به یک زن، توقف نموده و سخنانش را شنیدند سپس بوی پاسخ گفتند.^۵

* - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هر کسی می‌توانست به آسانی ملاقات نموده و نیاز خویش را به ایشان بازگو نماید، زیرا آنحضرت صلی الله علیه و آله دوست نداشتند دربان و یا نگهبانی داشته باشند تا مردم را از دیدن و یا سخن گفتن با ایشان باز دارند.^۶

^۱ - صحیح بخاری: ۳۴۴۵.

^۲ - سنن ابن ماجه: ۲۸۹۰، با تصحیح البانی: ۲۳۳۷.

^۳ - مسند احمد: ۱۸۱۴، حدیث صحیح است و صحیح بخاری: ۱۶۳۶.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۵۴۴.

^۵ - صحیح مسلم: ۱۳۳۵.

^۶ - صحیح مسلم: ۱۲۷۴، سنن ابن ماجه: ۳۰۳۵، با تصحیح البانی: ۲۴۶۱.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ در ذبح قربانی هم اشتراک نمودند، و با دست‌ان شریف‌شان شصت و سه شتر را ذبح نمودند.^۱ در حالی که می‌توانستند دیگران را به ذبح آن مکلف بسازند.

تواضع و شکسته‌نفسی و فروتنی آنحضرت ﷺ سبب شد که دوستی و محبت مردم به ایشان بیشتر شده و گروهی اخلاق عالی ایشان گردند، پس طلاب علم و دعوت‌گران بیشتر از همه به اقتداء به اخلاق عالی و تواضع و فروتنی پیامبر گرامی اسلام نیاز دارند، تا بتوانند در راه دعوت هرچه بیشتر بال تواضع و ملایمت را به مردم بگسترانند، بویژه با ناتوانان و بینوایان و کسانی که با زبان‌های مختلف صحبت می‌نمایند، زیرا برخورد و تعامل خوب با همچو مردمان رأس تواضع و فروتنی است. چنانکه عبدالله بن مبارک رضی الله عنه فرموده است: «مرتبه بلند تواضع آنست که در برخورد با مردمانی که نسبت به تو کم‌تر از نعمت‌های دنیا برخوردارند، خویش را از مقام چنان پایین جلوه دهی تا وی احساس کند که تو با داشتن ثروت و مقام دنیویات، فضیلت و برتری بروی نداری».^۲

پس باید باور داشت که تواضع و فروتنی فرصت را برای دعوت‌گران مهیا می‌سازد تا دل‌های حجاج را بدست آورده، اطمینان و اعتماد آن‌ها را بخود جلب نمایند و در نتیجه، گفتارشان را به آسانی بپذیرند.

د - شفقت و مهربانی پیامبر اکرم ﷺ نسبت به مردم:

اسلام دین رحمت است، قوانین و احکام آن در اصول و فروع بر اساس محبت، شفقت، مهربانی و دلسوزی گذاشته شده است.^۳ بنابراین بدیهی است که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرستاده نشده‌اند مگر بخاطر رحمت و شفقت و دعوت مردم بسوی رحمت بیکران الله سبحانه، قسمی که خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷].

^۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۷۴، با تصحیح البانی: ۲۴۹۴.

^۲ - احیاء علوم الدین: ۳/۳۴۲.

^۳ - الرياض الناضرة از سعدی: ۶۱.

«و ترا نفرستادیم جز رحمتی برای عالمیان». و طوری که خود ایشان ﷺ درباره خود فرموده‌اند: «همانا من رحمت - به مردم - فرستاده شده‌ام»^۱. همچنان فرموده‌اند: «من محمد هستم ... نبی توبه و نبی رحمت می‌باشم»^۲.

رویه ایشان ﷺ با مردم طوری بود که خداوند عزوجل در قرآن مجید توصیف آن را کرده: ﴿رَعُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

«بر مؤمنان رؤف و مهربان است». لذا رحمت، شفقت و مهربانی آنحضرت ﷺ عموم مردم را شامل می‌شد، بلکه مهربان‌ترین مردم نسبت به خود آن‌ها بودند، قسمی که همه این گواه را دادند که آنحضرت ﷺ نسبت به آن‌ها از خود آن‌ها دلسوزتر و مهربان‌تر بوده‌اند، از امیمه رضی الله عنها روایت است که فرمود: «من در جمله زنانی بودم که با رسول خدا ﷺ بیعت نمودم، ایشان بما فرمودند: تا حد توان و طاقت‌تان - بر شروط بیعت پایدار باشید - گفتم: خدا و رسولش ﷺ نسبت به ما از خود ما دلسوزتراند»^۳.

و یکی از یاران پیامبر خدا ﷺ ایشان را چنین توصیف می‌نماید: «پیامبر خدا ﷺ مشفق و مهربان بودند»^۴. دیگری آنحضرت ﷺ را چنین توصیف می‌کند: «هیچ کسی را مهربان‌تر از رسول الله ﷺ بر خانواده ندیده‌ام»^۵. و در روایت دیگر: «بر بندگان خدا ندیده‌ام»^۶. اینگونه مهربانی و شفقت ایشان بر مردم بود که محبت‌شان در اعماق قلب‌های آن‌ها جا گرفته و در اطاعت از ایشان بر یکدیگر سبقت می‌جستند، و در دوستی صادقانه‌شان از هیچ نوع فداکاری دریغ نمی‌ورزیدند، و از سوی دیگر آنحضرت ﷺ در رهبری و قیادت آن‌ها، راه‌های سهل و آسان را برمی‌گزیدند.

در این موسم خجسته و دگردهم آیی بزرگ مسلمانان، شفقت و دلسوزی آنحضرت ﷺ در رهبری مردم و رهنمایی آن‌ها با اشکالی مختلف ظاهر گردید که

۱- صحیح مسلم: ۲۵۹۹.

۲- صحیح مسلم: ۲۳۵۵.

۳- جامع ترمذی: ۱۵۹۷، حدیث حسن و صحیح است، با تصحیح البانی: ۱۳۰۰.

۴- صحیح بخاری: ۶۲۸.

۵- صحیح مسلم: ۲۳۱۶.

۶- شرح مسلم از نووی: ۷۶/۱۵، سیوطی هردو روایت را صحیح خوانده است، الجامع الصغیر: ۳۵۱.

برجسته‌ترین آن را ذیلاً یادآور می‌شویم:

* - پیامبر اکرم ﷺ نمازهای ظهر و عصر را در عرفات، و نماز مغرب و خفتن را در مزدلفه یکجا ادا نمودند^۱، تا در ادا نمودن نمازها بطور جداگانه، بر مردم رنج و مشقت نشود و از سوی دیگر حاجی بتواند سامان و اسباب سفر، و شترش را در جایی که می‌خواهد شب را بگذراند، به راحت و اطمینان خاطر جابجا نماید.

* - همچنان آنحضرت ﷺ به ناتوانان و بیماران اجازه دادند تا از مزدلفه بسوی منا بعد از پنهان شدن مهتاب در شب حرکت نمایند، تا اعمال یوم نحر (عید) را قبل از ورود مردم به منا، به آسانی ادا نموده و از ازدحام مردم در امان بمانند^۲.

* - همچنان آسان‌گیری ایشان نسبت به مردم در تقدیم و تأخیر ادای مناسک یوم نحر دلیل واضحی بر مهربانی و دلسوزی آنحضرت ﷺ است، در این روز هر که از تقدیم و یا تأخیر اعمال حج می‌پرسید، می‌فرمودند: «انجام بده اشکالی ندارد»^۳.

* - آنحضرت ﷺ در مورد حاجتمندان توجه داشته و بر آنان تخفیف و سهولت می‌آوردند، قسمی که به عباس رضی الله عنه اجازه دادند تا بخاطر آب دادن به حجاج، شب‌ها را در منا نه، بلکه در مکه بگذراند^۴. همچنان به شتربانان اجازه دادند که می‌توانند شب در منا نمانند، و جمره زدن دو روز بعد از روز قربانی را در یکی از آن دو روز، یکجا پرتاب کنند^۵.

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ به ناتوانان و ضعیفانی که حج بر آن‌ها واجب گردیده بود لیکن نظر به ضعف جسمانی حج کرده نمی‌توانستند، اجازه دادند تا کسی دیگر را وکیل گرفته در عوض‌شان حج نماید^۶.

^۱ - صحیح بخاری: ۱۳۶.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۵۶۷.

^۳ - صحیح بخاری: ۸۳.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۷۴۵، ابن قیم می‌نگارد: وقتیکه پیامبر خدا رضی الله عنه به آب دهندگان و شتربانان اجازه خروج از منا را در شب‌های تشریق دادند، پس کسانی که از گم شدن مال و متاع و یا از عدم موجودیت پرستار با مریض در هراس‌اند و یا بیمارانی که نمی‌توانند در منا بمانند، نظریه نص حدیث، شب ماندن در منا، از آن‌ها نیز ساقط می‌گردد. زاد المعاد: ۲۹۰/۲.

^۵ - جامع ترمذی: ۹۶۸، با تصحیح البانی: ۷۶۳.

^۶ - صحیح مسلم: ۱۳۳۵، و مسند احمد: ۱۸۱۲، حدیث صحیح است.

* - ایشان ﷺ به خاطر شفقت و دلسوزی بر مردم گاهی عمل افضل را ترک می نمودند، مانند سوار شدن بر شتر در طواف کعبه، و سعی میان صفا و مروه، و لمس کردن حجر الاسود با عصا، و ترک نمودن بوسه و اکتفا کردن به لمس نمودن حجرالاسود با دست، حال آنکه سعی و طواف پیاده بهتر از سوار بودن است، لیکن آنحضرت ﷺ بخاطر اینکه مردم ایشان را به خوبی دیده بتوانند و همچنان در حضور ایشان کسی دور کرده و یا زده نشود، بر شتر طواف نمودند.^۱

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ بخاطر همدردی و مهربانی بر بیماران، به عیادت آن ها رفته و راه های سهل و آسان را به آن ها راهنمایی می نمودند، تا از حج نمودن با ایشان ﷺ که نعمتی بزرگ خداوند ﷻ بر مردم بود، محروم نگردند.^۲

پس اگر می خواهی در این موسم عظیم رحمت خداوند ﷻ نصیب گردد، بر ناتوانان و بینوایان ترحم و مهربانی کن، زیرا «مردمان مهربان و دلسوز را خداوند رحمن به لطف و مهربانی اش عفو نموده و می بخشد»^۳. و «کسی که رحم نکند مورد رحمت قرار نمی گیرد»^۴. و «کسی که بر مردم رحم نکند، خداوند ﷻ بر او رحم نمی کند»^۵. و «همانا خداوند ﷻ بر بندگان رحم کننده و مهربان خود رحم می کند»^۶. و برحذر باش - اگر خواهان سرای آخرت و رستگاری هستی - از اینکه لطف و مهربانی و شفقت از تو فاصله گیرد و از قلبت بیرون گردد، زیرا «جز انسان بدبخت و شقی کسی دیگر از رحمت و شفقت بی بهره نمی ماند»^۷.

ه- نیکی و احسان پیامبر اکرم ﷺ به مردم:

هرگاه انسان به لذت های دنیا و عیش و عشرت آن بی تفاوت شده و آن را حقیر بشمارد، دیگر هرگز احساس ناراحتی، رنج و مشقت نکرده در قلبش کینه و کدورتی در

۱ - صحیح مسلم: ۲۲۱۷.

۲ - صحیح بخاری شماره های: ۴۶۹۹، ۴۸۵۳، ۵۸۹۶.

۳ - جامع ترمذی: ۱۹۲۴، حسن صحیح و با تصحیح البانی: ۱۵۶۹.

۴ - صحیح بخاری: ۵۹۹۷.

۵ - صحیح بخاری: ۷۳۷۶.

۶ - صحیح بخاری: ۱۵۸۴.

۷ - جامع ترمذی: ۱۹۲۳، حدیث حسن است، با تصحیح البانی: ۱۵۶۸.

مقابل هیچ انسانی جا نمی‌گیرد، وجود این خصلت نیک در انسان‌ها باعث برچیدن همه دشمنی، کینه و کدورت‌ها از جامعه شده، صفا و صمیمیت، محبت و دوستی خالص و بی‌آلایشی جایگزین آن می‌گردد. خداوند ﷻ نفس بشری را بر حب احسان و نیکی، و دوستی با انسان‌های نیک و احسانگر سرشت نموده است، و چنین مردمان مقام، منزلت و ارزش زیادی میان افراد جامعه داشته و سخنان‌شان همیشه مورد پذیرش همه قرار می‌گیرد، خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿أَدْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴].

«به شیوه‌ای که نیکوتر است - بدی بدکار را - دفع کن، اگر این شیوه را در اخلاق و تعامل با دیگران در پیش‌گیری - بناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی مهربان است». یعنی: اگر با همچو روش نیکو، بدی را دفع کنی، دشمن کینه‌توز برایت مانند دوستی دلسوز می‌شود.

اگر در زندگی پیامبر اکرم ﷺ دقت نماییم، بدرستی در خواهیم یافت که آنحضرت ﷺ زندگی خویش را بین زهد واقعی، و کمال احسان و نیکی عیار نموده بودند، درحالی که دو تا سه ماه می‌گذشت ولی آتشی در هیچ یک از خانه‌های پیامبر خدا ﷺ روشن نمی‌شد، غذای‌شان خرما و آب می‌بود.^۱ آنحضرت ﷺ بیشتر از هرکسی سخاوت و دل و دست باز داشتند.^۲ جود و کرمی داشتند که توانایی آن در احدی نبود، و همچو کسی که از فقر نمی‌هراسد، بخشش می‌کردند.^۳ ایشان ﷺ می‌فرمودند: «اگر من مثل کوه احد طلا می‌داشتم، خوش می‌بودم که سه شب بر من نگذرد و از آن چیزی نزد من باقی نمانده باشد، جز چیزی را که برای قرض نگهداری کنم».^۴ اینگونه زهد و بی‌میلی ایشان با دنیا و متاع آن بخاطری بود که علاقه و محبت‌شان با خداوند ﷻ بی‌حد زیاد بود، چون خویش را بمنظور رضا و خوشنودی الله ﷻ فارغ

^۱ - صحیح بخاری: ۲۵۶۷. اگر پیامبر ﷺ زیب و زینت و مال و متاع دنیا را می‌خواستند، خداوند ﷻ به ایشان آن را مهیا می‌ساخت، ولی آنحضرت ﷺ می‌دانستند که زندگی دنیا بی‌ارزش بوده و زندگی واقعی همانا زندگی آخرت است، لذا به دنیا و متاع آن بی‌میل بودند (مترجم).

^۲ - صحیح بخاری: ۶.

^۳ - صحیح مسلم: ۲۳۱۲.

^۴ - متفق علیه.

نموده بودند، از عیش و عشرت دنیا دست کشیدند، تا آنکه همه دنیا در نزد ایشان برابر با یک بال پشه هم، ارزش و اهمیتی نداشت.

در موسم حج نیز احسان آنحضرت ﷺ با وجود اینکه قیادت و رهبری امت را بدوش داشتند، قابل شمارش نبوده در هرگوشه این مراسم بزرگ، نمونه و مثال‌های بارز و برجسته از احسان و نیکی آنحضرت ﷺ هویداست. چون گنجایش ذکر کلیه نمونه‌های احسان، خوبی و مهربانی ایشان در اینجا نیست، لذا بطور فشرده چند حالت را ذکر می‌نماییم:

* - آنحضرت ﷺ در میقاتگاه مدینه، یکرز کامل انتظار کسانی ماندند که می‌خواستند با ایشان به حج بروند، ولی در رسیدن به مدینه تأخیر کرده بودند.^۱

* - پیامبر اکرم ﷺ بیشتر از هر زمانی در موسم حج بذل و عطا نمودند، ایشان ﷺ صد شتر را، اعم از گوشت، پوست، و پوشش زیر پالان آن‌ها را بر فقرا و مساکین تقسیم نمودند.^۲ همچنان در چند موضعی دیگر بر مردم صدقه و خیرات دادند.^۳

* - ایشان ﷺ در این موسم بخاطر شادمانی و تسلیت خاطر یاران‌شان، خواهشات و آرزوهای آنان را بر آورده می‌نمود.^۴

* - همچنان مهربانی و شفقت ایشان ﷺ بر اسامه بن زید رضی الله عنه و فضل بن عباس رضی الله عنهما بود، که هنگام انتقال میان عرفات و مزدلفه و منا آن‌ها را بر شترشان سوار کردند.^۵

* - آنحضرت ﷺ در خطبه‌های‌شان در مورد ناتوانان و ضعیفان سفارش می‌نمودند تا در مورد تعلیم و دانش آن‌ها توجه گردد و با آنان از آسانی و ملایمت کار گرفته و در توجیه و ارشاد آن‌ها امور سهل و آسان بازگو شود.^۱

۱- صحیح بخاری: ۱۵۵۱، سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۱۵/۴، زاد المعاد: ۱۰۲/۲.

۲- صحیح مسلم: ۱۳۱۷.

۳- صحیح مسلم: ۱۶۷۹، سنن ابی داود: ۱۶۳۳، با تصحیح البانی: ۱۴۳۸.

۴- نگاه: صحیح بخاری: ۱۵۱۸، ۱۶۸۰، مسند احمد: ۱۵۹۷۲، با اسناد حسن و ۲۷۲۹۰، و هیشمی

فرموده: هیچ یک از راویان این حدیث تجریح و یا تعدیل نشده‌اند. مجمع الزوائد: ۲۶۱/۳.

۵- صحیح بخاری: ۱۵۴۴.

* - آنحضرت ﷺ در مورد امت‌شان نگران بودند، و در دعای‌شان به خداوند جلّ و علاه اصرار و زاری می‌نمودند تا امت اسلام از عذاب خداوند جلّ و علاه در امان بمانند، ایشان ﷺ در دعاهای شب عرفه، و در مزدلفه، پیوسته اصرار می‌ورزیدند تا امت‌شان رستگار گردد، و هنگامی که شخصی از ایشان طلب دعا کرد، آنحضرت ﷺ همه را در دعای‌شان شریک نموده فرمودند: «خداوند جلّ و علاه همه‌تان را ببخشد».^۲

* - همچنان آنحضرت ﷺ در تبلیغ رسالت الهی تلاش می‌ورزیدند تا سخنان‌شان واضح، بی‌تکلف و رسا باشد، و اگر موضوعی مهم می‌بود، آن را چند بار تکرار می‌نمودند.^۳

* - ایشان ﷺ سعی می‌ورزیدند تا یاران‌شان را از فتنه‌ها بدور نگهدارند و از اموری که سبب اتهام و یا گمان بد بر آن‌ها می‌شد دوری جویند، بطور مثال: ایشان ﷺ گردن فضل بن عباس رضی الله عنه را هنگام نظر بسوی زن خثعمی تاب دادند، و وقتی که عباس رضی الله عنه سبب آن را پرسید، فرمودند: «دختر و پسر جوان را دیدم - که بسوی همدیگر نگاه می‌کردند - و از شر شیطان در موردشان نگران شدم».^۴ چنانکه آنحضرت ﷺ در مسجد خیف نماز جماعت ادا می‌نمودند که دو جوانی وارد مسجد شدند، چون نماز را در خانه‌های‌شان خوانده بودند، در آخر مسجد نشستند و در جماعت اشتراک نکردند، ایشان ﷺ به آندو فرمودند: «اینچنین نکنید، هرگاه نماز خوانده و وارد مسجد شدید پس با جماعت نیز نماز بخوانید، زیرا پاداش نماز نافله برایتان نوشته می‌شود».^۵

پس اگر آرزو و امید کسب رضا و خوشنودی و فضل و کرم پروردگار را در دل می‌پرورانی، اخلاق خویش را موافق اخلاق رسول اکرم ﷺ، و کردار خویش را موافق با کردار آنحضرت ﷺ گردان، و بر ناتوانان و مستمندان و محتاجان در این موسم با فضیلت، نظر به وسع و توانت از مال، مصارف حج، علم و هر چیزی که باعث تقویت

۱ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

۲ - مسند احمد: ۱۵۹۷۲، حدیث حسن است.

۳ - جامع ترمذی: ۶۱۶، با تصحیح البانی: ۵۱۲، و مسند احمد: ۱۸۹۸۹، با سند صحیح.

۴ - جامع ترمذی: ۸۸۵، حدیث حسن صحیح است، با تحسین البانی: ۷۰۷.

۵ - جامع ترمذی: ۲۱۹، حدیث حسن صحیح است، با تصحیح البانی: ۱۸۱.

روحی و جسمی آنان می‌گردد دریغ موزر، زیرا خداوند ﷻ نیکوکاران و احسانگران را دوست می‌دارد، طوری که فرموده است: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵].

«و نیکی کنید - با انفاق مال و غیر آن - که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد». همچنان فرموده است: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ﴾ [الرحمن: ۶۰]. «مگر پاداش احسان جز احسان است؟».

و اگر امیدوار آن هستی که خداوند ﷻ حج ترا بپذیرد و گناهانت را ببخشد، و بهشت برینش را نصیب گرداند، پس به خوار و مسکین طعام بده، و خود را با اخلاق و آداب نبوی مزین و آراسته گردان، زیرا کسی که فرموده است که «حج مقبول و پذیرفته شده مکافاتی جز بهشت ندارد»^۱، همان کس (پیامبر بزرگ اسلام ﷺ) است که در پاسخ به مردیکه از نیکی در حج پرسید فرمودند: «نیکی در این روزهای خجسته طعام دادن و سخن خوش و نیک می‌باشد»^۲.

و- صبر و شکیبایی پیامبر اکرم ﷺ در برابر مردم:

صبر و ثبات و بردباری توشه پرهیزگاران، وسیله و سامان دعوت‌گران، و راه توانمندی و اقتدار در زمین، و بلاخره گنجی کم‌یابی است که خیر فراوان در آن نهفته است، بدون صبر، نصر و پیروزی، و پیشوایی در زمین، و قیادت و رهبری مردم ناممکن است، چرا که صبر و بردباری مانع غضب شده و نفس را هنگام شتاب و بی‌پروایی اداره می‌کند، صبر و شکیبایی محبت را در میان می‌آورد، عزم را قوی، و فکر و اندیشه را راسخ و پخته می‌سازد، خلاصه اینکه صبر و ثبات نعمتی بزرگی است که خداوند ﷻ به بنده که خواسته باشد، ارزانی می‌نماید، چنانکه در حدیث شریف آمده: «و آنکه خود را به صبر وا دارد، خداوند ﷻ به وی توفیق صبر می‌دهد، و برای هیچکس بخشش و عطایی بهتر و وسیع‌تر از صبر داده نشده است»^۳. ازینرو هوشیاران و خردمندان، و

^۱ - متفق علیه.

^۲ - مستدرک حاکم: ۶۵۸/۱، هیشمی آن را در مجمع الزوائد حسن خوانده: ۲۰۷/۳، و البانی در صحیح

الجامع نیز حسن خوانده است: ۲۸۱۹.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۰۵۳.

فرمانروایان و بزرگان تاریخ معنای صبر را درست درک نموده بودند، عمر فاروق رضی الله عنه فرموده است: «خوبی‌های زندگی خویش را در صبر و پایداری دریافتم»^۱. و علی رضی الله عنه می‌فرماید: «صبر و شکیبایی سواره‌ای است که هرگز نمی‌لغزد»^۲.

صبر، استقامت و بردباری پیامبر بزرگ اسلام برای الله جل جلاله و در راه الله جل جلاله بود تا آنکه به حد کمالش رسید، ایشان در این راستا نفس را بر طاعت و فرمانبرداری خداوند جل جلاله و ادار و از نافرمانی و سرپیچی او تعالی جلوگیری می‌نمودند و به قضا و قدر الهی سر تسلیم فرود می‌آوردند. چون حج خود نوعی از جهاد بشمار می‌رود، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این جهاد انواعی از صبر را در یک وقت و زمان مراعات می‌نمودند:

ایشان نسبت به همه اصحاب کرام مطیع و تابع پروردگار سبحان بودند، و در انجام طاعات از صبر و پایداری بی‌مانند و بی‌مثیلی برخوردار بوده‌اند، که با عاجزی و اطمینان قلبی و فروتنی به دعا و راز و نیاز می‌پرداختند^۳.

ایشان پرهیزگارترین، آگاه‌ترین مردم به خداوند جل جلاله بودند و هنگام تجاوز بر حریم خداوند جل جلاله و یا پایمال شدن ارزش‌های دینی، نسبت به همه ناراحت شده و خشمگین می‌شدند و دورترین آن‌ها از آن می‌بودند^۴.

اما صبر و تحمل آنحضرت صلی الله علیه و آله در برابر زحمت و مشقت رهبری و قیادت مردم بدون احساس خستگی و رنجش و عدم برخورد زشت با رعیت، امریست که هوش و خرد را به حیرت و شگفت می‌آورد که نیازی به ذکر دلیل ندارد، زیرا هر انسان با خرد اگر در بزرگی مسئولیت و حال آنحضرت صلی الله علیه و آله در این حج با دقت نظر اندازد، درخواهد یافت که ایشان نمونه از صبر و تحمل و شکیبایی در برابر مردم و رعیت، در تاریخ بشریت‌اند.

و اگر در بزرگی وظیفه و مسئولیتی که بدوش داشتند نظر افکنده شود درخواهیم یافت که ایشان از یکسو بنده پرتلاش و حریص برانجام عبادات و قربات با عاجزی و فروتنی و اظهار خواری به خداوند جل جلاله بودند، که مناسک حج را با وجه احسن و اکمل

۱- صحیح بخاری معلقاً ص: ۱۱۲۲.

۲- مدارج السالکین از ابن قیم: ۲/ ۱۵۸.

۳- صحیح بخاری شماره: ۱۵۴۴، ۱۷۵۱، و صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

۴- صحیح بخاری: ۱۷۷۲، ۶۳۶۷.

ادا می نمودند، و از سوی دیگر رهبر و قاید مردم، با خبر از حال و احوال رعیت بوده، و در راه اتحاد و همبستگی آنان کوشا بودند. ایشان ﷺ معلم و مرشد جمعیت بی شماری از مردم بودند که آن ها را بسوی پیروزی و خیر و صلاح دنیا و آخرت دعوت می نمودند، قلب عزیزشان به خاطر ابلاغ و رسانیدن دعوت و رسالت الهی با وجه احسن، شدیداً در تپش می بود.

پیامبر گرامی ما ﷺ نمونه و الگو و مورد توجه مردم بودند، هر فردی از حجاج منتظر گفتار ایشان بودند، تا مانند ایشان عمل نموده و خط سیرشان را بیمایند. علاوه بر آن زحمت، تکالیف و مشکلات حج آن زمان به هیچکس پنهان نبوده و وسایل راحت و سهولتی که امروز متوفر است، در آن زمان اصلاً وجود نداشته است، در چنین حالت مردیکه سنش بیشتر از شصت سال است و نه همسر و سایر ضعیفان و نا توانان از خویشان شان نیز در رکاب ایشان ﷺ قرار داشتند، رعایت و مسؤولیت همه آنان را از یک جهت، و رهبری و زمامداری امت را از جهت دیگر به عهده داشتند.

اما اگر در تعداد حج کننده گان این موسم دقت نماییم، می بینیم که تعداد آن ها بسیار زیاد بود و در عین زمان اختلاف و مغایرت زیادی میان آنان وجود داشته است، که این فرق و اختلاف در دو جهت بنظر می خورد: از یک جهت وجود مردمانی که در اسلام سابقه داشتند و فهم و معلومات آن ها در احکام اسلامی عمیق و قوی بود، از جهت دیگر مردمانی وجود داشتند که تازه به اسلام مشرف شده بودند، و درک و فهم آن ها از اسلام سطحی و ضعیف بود و معلومات کامل بر امور شریعت نداشتند، همچنان فرق و اختلاف در نژاد، زبان، وطن، سن و سال، و وضعیت مالی و اجتماعی این مردمان نیز به شکل واضح به نظر می خورد، و بدیهی است که وجود همچو اختلافات و مغایرت ها در یک گردهم آیی و در یک سرزمین، زمینه فرق و اختلاف در درک و فهم و نظریات را در هر زمان و مکان فراهم می نماید، زیرا درخوی، مزاج، بستگی، لهجه، نیاز و احتیاجات آنان اختلاف و مغایرت وجود داشت.

علاوه بر آن حضور ناتوانان مانند بیماران، زنان، کودکان و بزرگسالان با ایشان ایجاب می کرد تا از لطف و مهربانی و دلسوزی آنحضرت ﷺ برخوردار گردیده و جویای احوال آنان باشد. باوجود این همه ایشان حقیقتاً انسانی با عظمت بودند که از صبر و تحمل بی مثیلی در این موسم برخوردار بودند، و چه بسا زحمات و سختی ها را در رهبری و قیادت امت متحمل شدند و همه رعیت را در قلب و مسیر واحد جمع

نمودند.

پس برادر ارجمند! صبر و ثبات و همت را پیشه کن، همان‌گونه که پیامبر گرامی ﷺ آن را در تمام عرصه‌های زندگی خویش عملی نمودند، زیرا ایمان راستین (صبر و بردباری و گذشت است)^۱. و خداوند سبحان با صابران است، و مزدشان را در مقابل صبرشان کامل و بدون حساب می‌دهد که هیچ شمارنده‌ای آن را به حد و مرزی محدود نمی‌تواند کرد، و صبر و بردباری را مانند چراغی برای قرار ده تا در حج و بعد از آن نیز رهنمونت باشد، و بر طاعات و قربات مواظبت و ملازمت داشته و آن را به وجه احسن ادا نما، از گناه بپرهیز، و چون به‌سوی آن فراخوانده شوی از آن بگریز تا در آن واقع نشوی، بر زحمت و مشقت و تکالیف دنیا و طاعات خداوند ﷻ ثابت قدم و استوار باش، و از بی‌قراری و شکوه و ناله و شکایت و غضب برحذر باش که هیچ دست‌آوردی ندارد، و با مردم همیشه آمیخته و پیوسته باش و برآزار و اذیت آنان صابر و بردبار باش، و گذشت نما، طوری که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «اجر و پاداش مؤمنی که با مردم آمیخته و پیوسته بوده و بر اذیت آن‌ها صبر می‌نماید، بیشتر و بزرگ‌تر از مؤمنی است که از مردم دوری جسته و آزار و اذیت آن‌ها را تحمل نمی‌تواند»^۲. چهره‌ات را در مقابل مردم ترش و پیشانیت را چین مده زیرا اینکار منافی با صبر و بردباری و گذشت است.

ز- نرمی و ملایمت پیامبر اکرم ﷺ با مردم:

ارشادات بسیاری بر فضیلت نرمی، ملایمت و میانه‌روی با دیگران وجود دارد که مسلمانان را بر آن تشویق و ترغیب نموده است، از جمله فرموده آنحضرت ﷺ: «همانا خداوند ﷻ نرمش را در همه کارها دوست می‌دارد»^۳. همچنان فرموده‌اند: «نرم رفتاری در هیچ چیزی نمی‌باشد جز اینکه آن را زینت می‌دهد و از هیچ چیزی بدور نمی‌شود مگر اینکه آن را زشت می‌سازد»^۴. و فرموده‌اند: «کسی که از نرم رفتاری

^۱ - مسند احمد: ۱۹۴۳۵، این حدیث با شواهدش صحیح است.

^۲ - سنن ابن ماجه: ۴۰۳۲، با تصحیح البانی: ۳۲۵۷.

^۳ - صحیح بخاری: ۶۰۲۴.

^۴ - صحیح مسلم: ۲۵۹۴.

محروم شود، از تمام خیر محروم گردانیده شده است»^۱. بنابر اهمیت و مقام نرمش و مهربانی، آن را رأس حکمت، زیب و زینت عمل، علامت دانش و دانستگی گفته‌اند، و از ثمره و حاصل نرمی و ملایمت، خوش خلقی و کنترل خشم و خشونت و پیروز شدن بر آن است، نرمش و مهربانی، دوستی و محبت مردم را به انسان جلب نموده باعث ایجاد رحمت و شفقت می‌گردد، همچنان روح همدلی، تعاون و همکاری میان مردم را تقویت می‌بخشد.

پیامبر اکرم ﷺ با نرمش و مهربانی و شفقت آراسته بودند، ایشان نسبت به همه مردم از نرمی و آسان‌گیری و گذشت و بخشش برخوردار بودند، طوری که خداوند سبحان ایشان ﷺ را توصیف نموده می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿۱۵۹﴾ [ال عمران: ۱۵۹].

«پس به سبب رحمتی از جانب الله با آنان نرم‌خو شدی، و اگر درشت‌خوی و سخت دل بودی، بدون شک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برای آنان آرمزش بخواه، و با آنان در کارها مشورت کن»، همچنان کسانی که با آنحضرت ﷺ همراه و پیوسته بودند حکایت نموده‌اند که ایشان (مشفق و مهربان بودند)^۲. و در روایت دیگر حکایت نموده‌اند که ایشان (دل نازک داشتند)^۳. و دیگری آنحضرت ﷺ را چنین توصیف نموده: «آنحضرت ﷺ بر ما دلسوز و مهربان بودند»^۴. در حج نیز اهتمام زیاد به امور امت داشتند، و با آن‌ها به شفقت و مهربانی و دلسوزی پیش آمد می‌کردند که برخی از گوشه‌های آن را بطور خلاصه یادآور می‌شویم:

* - چون ایشان ﷺ مردم را دیدند که تلبیه را با عبارات مختلف و احیاناً با کمی و زیادی بعضی کلمات، تکرار می‌نمایند، آن‌ها را به عبارتی مشخص وادار نمودند^۵. همچنان هنگامی که مردم از عرفات بسوی مزدلفه حرکت نمودند، آنحضرت ﷺ

۱- صحیح مسلم: ۲۵۹۲، و سنن ابی داود: ۴۸۰۹، لفظ حدیث از سنن ابی داود است.

۲- صحیح بخاری: ۶۲۸.

۳- صحیح مسلم: ۶۷۴.

۴- متفق علیه.

۵- صحیح مسلم: ۱۲۱۸، سنن ابی داود: ۱۸۱۳، با تصحیح البانی: ۱۵۹۸، و زاد المعاد: ۲/ ۱۶۱.

بیشتر تلبیه می گفتند، اما برخی از اصحاب (لا إله إلا الله) را تکرار می نمودند. و برخی دیگر تکبیر می گفتند^۱، ولی ایشان ﷺ بر آنان انکار نمودند، زیرا از مهربانی و شفقتی که بر آن ها داشتند، به گفتن یک عبارت معین مجبورشان نکردند.

* - پیامبر اکرم ﷺ در این حج از سهولت و آسانی های گوناگونی استفاده نمودند، مانند استخدام سایه بان و سوار شدن بر شتر هنگام عزیمت از مدینه بسوی مکه و هنگام انتقال میان مشاعر حج و غیره که اگر خلاف آن عمل می نمودند بدون شک مشکلات و زحمات و تکالیف زیادی بر مردم وارد می گردید، زیرا آن ها بلکه همه امت اسلامی تا روز قیامت به ایشان اقتدا می نمایند^۲.

* - همچنان آنحضرت ﷺ در اثنای ادا نمودن بعضی از اعمال حج مانند سعی و طواف بر شتر سوار شدند تا مردم از پیرامون ایشان رانده نشوند و یا در حضور ایشان کسی کتک نخورد^۳.

* - چنانکه ایشان ﷺ از آغاز تا پایان موسم حج سعی داشتند تا خویش را به مردم نمایان کنند تا بتوانند سوال ها و مشکلات شان را به آنحضرت ﷺ مطرح نمایند و در اقتدا و اخذ فتوا و حل مسایل شان زحمت و مشقتی ایجاد نگردد، ازینرو سوار بر شتر می شدند تا همه او را ببینند.

* - پیامبر اکرم ﷺ مثل همیشه، در حج نیز بر مردم سهولت و آسان گیری می نمودند، و اموری که بلندتر از وسع و توان شان می بود، چه در مناسک حج و یا در امور مربوط به زمامداری و رهبری حجاج، آنان را بالاتر از طاقت شان مکلف نمی کردند، و هرکه در سیرت و احوال ایشان ﷺ دقت نماید در خواهد یافت که آنحضرت ﷺ هیچ کسی را بیشتر از طاقت و توانش بکاری نگماشته اند^۴.

^۱ - صحیح بخاری شماره های: ۱۶۵۹، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷.

^۲ - متفق علیه، علما در مورد اینکه کدام یک در انتقال میان مشاعر حج افضل است، سواره یا پیاده؟ اختلاف نظر دارند: بطور عموم انتقال میان مشاعر سواره بهتر است زیرا پیامبر خدا ﷺ سوار انتقال می نمودند و همچنان انفاق آن بیشتر از پیاده است و از سوی دیگر جسد تا اندازه راحت می گیرد و زمینه برای دعا و زاری و حضور قلب هموار می گردد. به تفسیر قرطبی مراجعه شود: ۴۰/۱۲.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۲۷۲، ۱۲۷۵.

^۴ - سنن ابو داود: ۱۹۰۵، با تصحیح البانی: ۱۶۷۶.

* - ایشان ﷺ با سکون و آرامش و وقار اعمال حج را ادا می نمودند. و در هنگام انتقال بین مشاعر حج به همین ترتیب راه را می پیمودند، تا مبدا بر دیگران رنج و مشقت و اذیتی عاید نگردد^۱. چون همه از ایشان تقلید و متابعت می کردند.

* - همچنان آنحضرت ﷺ خطبه روز عرفه را کوتاه ایراد نمودند^۲، تا مردم خسته و آشفته نشوند.

* - همچنان ایشان ﷺ بعد از ادای طواف قدوم، دیگر طرف خانه کعبه نرفتند تا وقتی که از عرفات برگشتند^۳. و نظر به روایات صحیح - ایشان ﷺ ایام تشریق را در منا سپری کردند، و از آنجا بسوی کعبه معظمه نرفتند صرف بخاطر ادای طواف وداع سپس برگشت بسوی مدینه به آنجا تشریف بردند، حال آنکه مقام و منزلت و فضیلت طواف به همه هویدا بود، لیکن بخاطر شفقت و مهربانی و آسانگیری بر مردم از انجام آن منصرف شدند^۴.

* - آنحضرت ﷺ همیشه کار آسان را برمی گزیدند، و در حج نیز فرمان صادر نمودند کسانی که با خود هدی (قربانی) نیاورده اند از احرام بیرون آیند، و در عرفات و مزدلفه نمازها را یکجا ادا نمودند، و در منا نمازها را قصر (کوتاه) می خواندند^۵ - چهار رکعتی را دو رکعت ادا می نمودند -.

* - پیامبر اکرم ﷺ اصحاب کرام را امر فرمودند تا قربانی شان را در جاهایی که فرود آمده اند - در منا - ذبح نمایند، قسمی که از جابر رضی الله عنه - مرفوعاً - روایت شده که آنحضرت ﷺ فرمودند: «من در اینجا ذبح نمودم و سرزمین منا همه جای قربانی است، پس شما نیز در جاهایی که فرود آمده اید قربانی تان را ذبح نمایید»، همچنان آنحضرت ﷺ برای زنان اجازه دادند تا قبل از طلوع آفتاب بر جمره سنگ پرتاب

^۱ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸، سنن ابو داود: ۱۹۶۶، با تحسین البانی: ۱۷۲۹، سنن ترمذی: ۸۸۶، حدیث

حسن صحیح است. با تصحیح البانی: ۷۰۳.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۶۶۰.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۵۴۵. سیرت نبی از ابن کثیر: ۳۳۴/۴.

^۴ - حجة الوداع از ابن حزم: ۱۲۴، زاد المعاد: ۳۱۰/۲، سیرت نبی از ابن کثیر: ۴۰۴/۴.

^۵ - صحیح بخاری: ۱۶۵۶، صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

^۶ - صحیح مسلم: ۱۲۱۸.

نمایند، چون پرتاب سنگریزه در هنگام ازدحام برای زنان مشکل بود، آنحضرت ﷺ به آن‌ها اجازه دادند تا قبل از طلوع آفتاب بر جمره سنگ بریزند، همچنان به آنان اجازه دادند تا پیش از دیگران بسوی جمرات حرکت نمایند.^۱

* - لطف و شفقت آنحضرت ﷺ بر مردم آنقدر زیاد بود که قلم از وصف آن عاجز می‌ماند، ایشان مردم را به شتاب نمودن در برگشت بسوی اهل و خانواده‌های‌شان تشویق نمودند، تا از یکسو انتظار اهل و خانواده آن‌ها طول نکشد و از سوی دیگر سفرپاره از عذاب است و بر انسان سنگینی می‌کند، بنابراین ایشان به اصحاب کرام چنین فرمودند: «هرگاه یکی از شما حجش را بیایان رساند، باید در برگشت بسوی خانواده خود عجله نماید، زیرا در اینکار پاداشی بزرگ بوی است».^۲

* - همچنان آنحضرت ﷺ اصحاب کرام را امر می‌فرمودند تا بر خویشان نرمی و آسانی نمایند، بطور مثال ایشان ﷺ شخصی را دیدند که شتر قربانی با خود می‌برد، فرمودند: «بر او سوار شو» گفت: این شتر قربانی است، فرمودند: «سوار شو» گفت: این شتر قربانی است، فرمودند: «وای بر تو! سوار شو»، این سخن را دو و یا سه بار تکرار نمودند.^۳ همچنان فرمودند: «بر شتر قربانی با نیکویی سوار شوید تا اینکه مرکبی دیگری دریابید».^۴ و هنگام پرتاب سنگریزه بر جمره‌ها فرمودند: «ای مردم! یکدیگرتان را نکشید، و یکدیگرتان را زخمی نکنید، و هرگاه بر جمره سنگ پرتاب نمودید پس مانند خذف را (که میان دو انگشت گذاشته شود) پرتاب نمایید».^۵ چنانکه آنحضرت ﷺ به عمر فاروق رضی الله عنه فرمودند: «ای عمر! تو مردی قوی هستی، پس - در بوسیدن - حجر الاسود بر مردم تنگی و فشار میار، تا مردمان ضعیف اذیت نشوند، و

^۱ - صحیح بخاری: ۱۶۷۹، سنن ابوداود: ۱۹۴۲، ابن کثیر بعد ذکر این حدیث در سیرت نبی فرمود: تنها ابوداود آن را نقل نموده لیکن اسناد خوب و قوی دارد و رجالش همه ثقه‌اند، و زاد المعاد: ۲۵۲/۲.

^۲ - مستدرک حاکم: ۶۵۰/۱، سنن بیهقی: ۲۵۹/۵ با تحسین البانی در صحیح الجامع: ۷۳۲.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۶۸۹.

^۴ - صحیح ابن حبان: ۴۰۱۵، با اسناد صحیح.

^۵ - مسند احمد: ۱۶۰۷۸، با اسناد حسن لغیر، با تحسین البانی در صحیح الجامع: ۷۸۹۰.

اگر خلوتی بود آن را لمس کن، در غیر آن روبرویش بایست و لایله إلالله و تکبیر بگو»^۱.

*- ایشان ﷺ اصحاب کرام را در امریکه خلاف میل و رغبت آن‌ها واقع می‌گردید تسلی و دلداری داده و نمی‌خواستند دل‌های‌شان برنجد، طور مثال هنگامی که آنحضرت ﷺ اصحاب کرام را امر فرمودند تا از احرام بیرون آیند، ناراحت شدند، زیرا خلاف توقع آن‌ها این دستور صادر شد، آن‌ها دوست داشتند چیزی را که پیامبر خدا ﷺ انجام می‌دهد، آنان نیز از ایشان پیروی کرده عملی نمایند و از احرام بیرون نیایند، سپس پیامبر اکرم ﷺ بخاطر دلداری آنان فرمودند: «اگر آینده کارم را می‌دانستم اینچنین نمی‌کردم، قربانی نمی‌آوردم، و اگر همراهیم قربانی نبود من نیز از احرام بیرون می‌آمدم»^۲. و هنگامی که صعب بن جثامه رضی الله عنه سرین گوره خری را به ایشان رضی الله عنه بخشش نمود، ایشان رضی الله عنه آن را قبول نکردند - وقتی دیدند که آن مرد متأثر گردید - فرمودند: «چونکه ما در احرام هستیم، آن را رد کردیم»^۳. و وقتی ابو قتاده رضی الله عنه گوره خری را شکار نمود و خودش در احرام نبود، رفقاییش از گوشت آن خوردند، درحالی که آنان در شکار گوره خر نه کمک و نه اشاره کرده بودند، ولی باز هم در مورد آن متردد شدند که مبادا گناهی را مرتکب شده باشند، سپس از پیامبر خدا رضی الله عنه سؤال کردند، آنحضرت رضی الله عنه فرمودند: «آیا از میان شما کسی او را دستور به آن داده و یا به آن اشاره‌ای کرده است؟ گفتند: نه خیر، فرمودند: پس از گوشت متباقی آن بخورید». و در روایت دیگر آمده که ایشان فرمودند: «آیا چیزی از آن نزدتان باقی ماند است؟ گفتند: با ما پایش باقی مانده است، آنحضرت رضی الله عنه آن را گرفته و خوردند»^۴.

متأسفانه در عصر حاضر بسیاری از حجاج احکام حج را نمی‌دانند، همچنان تعدادی بی‌شماری از مردمان عجم - کسانی که عربی را نمی‌دانند - یا ناتوانان و یا بزرگسالانی می‌باشند که به مهربانی، شفقت، همکاری، راهنمایی، توجیه، نصیحت،

۱- مسند احمد: ۱۹۰، حدیث حسن است، و سنن بیهقی: ۸۰/۵، و سیرت نبی از ابن کثیر: ۳۱۸/۴.

۲- صحیح بخاری: ۷۲۳۰.

۳- متفق علیه.

۴- صحیح مسلم: ۱۱۹۶، زاد المعاد: ۱۶۵/۲، سنن ابن ماجه: ۳۰۹۳، با تصحیح البانی: ۲۵۰۹.

همدردی، خدمت، احسان و نیکی نیاز دارند، که باید با آن‌ها همکاری همه جانبه صورت گیرد، و این فرصتی خوب برای کسب ثواب، با مهربانی و احسان، و شفقت و همکاری کردن با آنان است.

پس برادر گرامی! با آنان رفتار نیک نما، و بال تواضع و فروتنی را هموار نما، و با نرمی و دلسوزی با آنان برخورد و تعامل کن، راه آسان را به آن‌ها رهنمایی کن، از خشم، غضب، خشونت و غلظت بپرهیز، زیرا اینکار منافی با اخلاق اسلامی است. در حدیث شریف پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «کسی که بهره از نرمش و مهربانی داده شده، بدون شک بهره بزرگی از خیر بوی داده شده است، و کسی که بهره از نرمی داده نشده، همانا از بهره خیر محروم گردیده است»^۱.

ح - برخی دیگر از اموری که پیامبر اکرم ﷺ در رهبری مردم آن را مراعات می‌نمودند:

پیامبر اکرم ﷺ در موسم حج به امور گوناگونی توجه داشته و آن را انجام دادند که در کامیابی قیادت، و برخورد نیک با مردم، و برانگیختن احساسات، و پیروی و پذیرش تام آن‌ها تأثیر بسزایی داشت که برجسته‌ترین آن از قرار ذیل است:

* - ترتیب و تنظیم نمودن مردم:

پیامبر اکرم ﷺ مردم را در منا منسجم و منظم نموده و هرگروه را در جای معینی قرار دادند، ایشان هرکه را نظر به فضیلت و اولویتش در اسلام، و فداکاری در راه خدا ﷻ، در جای مناسبی قرار دادند، طوری که از عبدالرحمن بن معاذ رضی الله عنه نقل است که وی از یکی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده که فرموده است: «پیامبر خدا ﷺ در منا به مردم خطبه ایراد نمودند و هر گروه را نظر به مقام و منزلت‌شان در اسلام در جاهایی مشخص جابجا نمودند، ایشان رضی الله عنه فرمودند: مهاجرین در اینجا فرود آیند، و به سمت راست قبله اشاره نمودند، و انصار در اینجا فرود آیند، و به سمت چپ قبله اشاره نمودند، سپس مردمان دیگر در اطراف آن‌ها قرار گیرند»^۲. و در روایت دیگری چنین آمده: «سپس دستور دادند تا مهاجرین در قسمت جلو مسجد فرود آیند

^۱ - جامع ترمذی: ۲۰۱۳، حدیث حسن صحیح است، با تصحیح البانی: ۱۶۷۳.

^۲ - سنن ابو داود: ۱۹۵۱، با تصحیح البانی: ۱۷۱۹.

و به انصار دستور دادند تا در قسمت عقب مسجد قرار گیرند، سپس مردمان دیگر را بعد از آنها قرار دادند»^۱.

اما در عصر و زمان ما بسیاری از مشکلات که در اثنای انتقال میان مشاعر حج بوقوع می‌پیوندد، نتیجه آنست که برخی از مردم مصالح شخصی خویش را بر مصالح عامه ترجیح داده و به مقررات و قوانین گذاشته شده پابندی و التزام نداشته و به دیگران احترام قایل نیستند.

برادر ارجمند! حاجی محترم! چه خوب است که خودت را نمونه و الگوی نیک به دیگران ساخته و از مصالح و خواهشات شخصی خویش در مقابل مصالح و نیازمندی‌های برادرانت تنازل نموده و از اخلاق نیک پیامبر اکرم ﷺ پیروی نمایی!

*- تشویق خدمت‌گزاران حجاج در موسم حج:

پیامبر اکرم ﷺ کارمندان و خدمتگذاران مردم در حج را در کارهای‌شان تشویق نمودند، و بر آنان آسانگیری نموده زمینه مناسب را به آنان مساعد نمودند، طوری که ایشان به عموی‌شان عباس رضی الله عنه اجازه دادند تا شب‌های منا را بخاطر آب دادن به حجاج در مکه سپری نماید^۲، و هنگامی که در جایی که برای حجاج آب می‌دهند آمده فرمودند: «به کار خود ادامه بدهید، زیرا بر اجرای کار نیک و پسندیده‌ای قرار دارید»^۳.
به فضل و احسان خداوند عز و جل امروز دیده می‌شود که رضاکاران و داوطلبان بی‌شماری در ساحاتی گوناگون به خدمت‌گذاری حجاج سهم فعال دارند، آنان اوقات گران خویش در راه توجیه، ارشاد، کمک و همکاری با حجاج صرف می‌نمایند، ولی در بسیاری از احوال حتی چهره و یا کلمه خوشی را از کسی نمی‌بینند، بلکه بعضی احيان عوض شکر و تقدیر، سخنان زشت و نامناسبی را می‌شنوند و گاهی مورد اذیت، آزار، و سرزنش و نکوهش بعضی‌ها قرار می‌گیرند.

پس چه خوب است که با چنین اشخاص به آداب نبوی رفتار شود قسمی که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «کسی که سپاسگزار مردم نباشد، شکر و سپاس خداوند عز و جل

^۱ - سنن ابو داود: ۱۹۵۷، با نصیح البانی: ۱۷۲۴.

^۲ - صحیح بخاری: ۱۷۳۴.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۶۳۶.

را نیز بجا نمی‌آورد»^۱. و همانطوری که رسول اکرم ﷺ از چنین اشخاص قدر دانی می‌کردند، امروز نیز باید تشویق و ترغیب شوند، تا باعث ادامه اعمال خیر آن‌ها گردد، زیرا تشویق نمودن عزم آنان را قوی و متین ساخته و نیروی درونی آن‌ها را هرچه بیشتر قوت می‌بخشد.

* - پیامبرگرامی اسلام ﷺ بر حفظ حقوق مردم و حمایت آن از تلف شدن سعی و تلاش می‌ورزیدند: بطور مثال هنگامی که ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها به ایشان پیشنهاد بنا نمودن خانه را در منا کرد تا برای آنحضرت ﷺ سایه بانی باشد، پیامبر اکرم ﷺ پیشنهادش را قبول نکرده فرمودند: «منا موضع فرود آمدن مردمان گذشته است»^۲. یعنی منا مشخص به کسی نیست، بلکه ملکیت همه مسلمانان است و اگر اینکار صورت گیرد بناهای دیگر نیز آباد خواهد شد که در نتیجه بر حجاج تنگی خواهد کرد. همچنان آنحضرت ﷺ از کمک نمودن با کارمندان آب زمزم در مکه امتناع ورزیدند، بیم از آنکه مبدا مردم به ایشان در اینکار نیز اقتدا نمایند و در نتیجه حقوق فرزندان بنی عبدالمطلب تلف خواهد شد، قسمی که فرمودند: «اگر خوف این نباشد که مردم از دیدن من ازدحام نموده و مشکلاتی برای شما ایجاد می‌کنند، می‌آمدم و ریسمان آب کشی را بر اینجا - یعنی گردن خود - می‌نهدم»^۳.

اما امروز، چه بسا حقوق حجاج بویژه حقوق مردمان ضعیف و ناتوان و بی‌خبر، بوسیله دنیا پرستان و ستمگران مانند شرکت‌ها و جمعیت‌های که سرپرستی حجاج را بدوش می‌گیرند و یا برخی از حجاجی که مقام و منزلت این سرزمین پاک از دل‌های‌شان محو گردیده است، تلف و ضایع می‌گردد.

پس حذر کن که در زمره چنین مردمان خدا ناترس و حرام پیشه باشی، بلکه سعی و تلاش نما تا همچو مردمانی که در موسم حج بهره برداری نامشروع می‌نمایند

^۱ - جامع ترمذی: ۸۸۱، و فرمود حدیث حسن صحیح است، و البانی نیز آن را در صحیح سنن ترمذی صحیح خوانده: ۱۵۹۲.

^۲ - جامع ترمذی: ۸۸۱، حدیث حسن صحیح است، مستدرک حاکم: ۶۳۸/۱ حاکم فرمود: این حدیث برابر با شروط مسلم است، و ذهبی باوی موافق است، سیرت نبی ابن کثیر: ۳۹۸/۴، صحیح ابن خزیمه: ۲۸۴/۴.

^۳ - صحیح بخاری: ۱۶۳۶.

نصیحت و توصیه نیک نموده و از محاسبه شدیدی که در پیش دارند، یادآور شوی.

* - جرأت در اظهار حق:

پیامبر بزرگ اسلام ﷺ مهربان‌ترین و با حیاترین مردم بودند^۱، با وجود این صفات حمیده، از گفتن حق در مقابل هیچکسی تأخیر نمی‌ورزیدند، حتی اگر اشکالی هم ایجاد می‌شد و یا خلاف توقع جانب مقابل واقع می‌گردید، در این مورد مثال‌های بی‌شماری است که بر شجاعت و جرأت ایشان ﷺ در حق، و شخصیت قوی و عالی ایشان ﷺ دلالت دارد، از جمله:

* - آنحضرت ﷺ فضل بن عباس رضی الله عنهما را در محضر عام از نگاه کردن بسوی دختر خثعمی بازداشتند^۲. و هنگامی که پدر فضل عباس رضی الله عنهما به ایشان گفت: ای رسول خدا! چرا گردن پسر عمویت را تاب دادید؟ فرمودند: دیدم که دختر و پسر جوان بسوی همدیگر می‌نگرند، از حيله شیطان برآندو ترسیدم^۳.

* - همچنان هنگامی که همسر ایشان صفیه رضی الله عنها دچار عادت ماهانه شد و پیامبر خدا ﷺ گمان نمودند که وی طواف فرضی را در روز نحر انجام نداده است، فرمودند: «آیا وی نگهدارنده ما - از برگشتن به مدینه - است؟»^۴.

* - همچنان آنحضرت ﷺ به جوان تنومندی که از ایشان صدقه طلب نمود، چیزی ندادند، زیرا وی قادر به کسب و کار بود^۵.

* - و از مثال‌های برجسته که دلالت واضح بر جرأت ایشان در حق می‌کند، نپذیرفتن خواهش کسانی که با خود قربانی نیاورده بودند اینکه در احرام باقی بمانند که بیشتر صحابه از این جمله بودند، و خود ایشان ﷺ در احرام باقی ماندند و دیگران را به بیرون شدن از احرام دستور داده فرمودند: «اگر قربانی با خود نمی‌آوردم مانند شما از احرام بیرون می‌آمدم»^۶.

^۱ - متفق علیه.

^۲ - صحیح بخاری: ۶۲۲۸.

^۳ - جامع ترمذی: ۸۸۵، حدیث حسن صحیح است، با تصحیح البانی: ۷۰۲.

^۴ - صحیح بخاری: ۱۷۷۲.

^۵ - سنن ابو داود: ۱۶۳۳، با تصحیح البانی: ۱۴۳۸.

^۶ - صحیح بخاری: ۷۳۶۷.

پس ای برادر و خواهر مسلمان! هیچگاه از وجیبه امر به معروف و نهی از منکر و توصیه و توجیه و ارشاد نیک به مردم دست بردار، و همیشه سخن حق بگو هر چند خلاف میل و توقع دیگران واقع گردد، زیرا سهل‌انگاری در این موارد، ناتوانی و تنبلی و هراس تلقی می‌شود، نه شرم و حیا. و خداوند ﷻ از اظهار حق حیا نمی‌ورزد. سعی نما تا از پیامبر گرامی اسلام ﷺ پیروی نمایی، قسمی که وصف شده‌اند که: «حیای رسول الله ﷺ از حیای دختر بکر - دوشیزه نوجوانی که هنوز شوهر نکرده باشد - در پرده و حجابش بیشتر بودند»^۱، با آن هم بخاطر خدا ﷻ خشمگین شده و در پی انتقام می‌شدند، قسمی که ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها از صفات حمیده ایشان رضی الله عنهم حکایت نموده است: «رسول ﷺ هرگز چیزی را با دست خویش نزده‌اند، نه زنی را و نه خادمی را، مگر اینکه جهاد فی سبیل الله نموده باشند، ایشان رضی الله عنهم از هیچ تجاوزی بر خودشان انتقام نگرفته‌اند مگر اینکه بر حریم شریعت الهی تجاوز شده باشد، و آنحضرت رضی الله عنه فقط برای حق خداوند ﷻ انتقام می‌گرفتند»^۲.

* - ترک سرزنش خطاکار:

پیامبر اکرم رضی الله عنه با آن‌عهده اصحاب کرام که مرتکب خطایی می‌شدند، تندی و درشت‌گویی و برخورد زشت نمی‌کردند، بلکه سعی می‌نمودند تا خطای آنان را اصلاح سازند، اگر خطا از روی نادانی می‌بود، در پی تعلیم و آموزش درست آن می‌شدند، و هیچگاهی بر شخص خطا کار ترکیز و خشونت نمی‌ورزیدند بلکه کوشش می‌نمودند تا خطا را اصلاح نموده و موقف درست را به آنان بیاموزند، بطور مثال:

* - آنحضرت رضی الله عنه در جستجوی گوینده این سخن که گفت: «ما به منا می‌رویم درحالی که از آلت‌های ما منی بچکد!» نشدند و سرزنش نکردند، بلکه آنان را تسلی داده و بکار بهتر راهنمایی نمودند، طوری که فرمودند: «می‌دانید که من با تقواترین و صادق‌ترین و نیکوکارترین شما در بندگی خدا ﷻ نسبت به همه شما می‌باشم، اگر قربانی را با خود نمی‌آوردم، مانند شما از احرام بیرون می‌آمدم و اگر آینده کارم را می‌دانستم اینچنین نمی‌کردم و قربانی را با خود نمی‌آوردم»^۳.

^۱ - صحیح بخاری: ۳۵۶۲.

^۲ - متفق علیه، لفظ از مسلم است.

^۳ - صحیح بخاری: ۷۳۶۷.

* - همچنان هنگامی که فضل بن عباس رضی الله عنه بسوی زن خثعمی و دخترانی که می‌دویدند باربار نگاه می‌کرد، آنحضرت صلی الله علیه و آله به تاب دادن روی وی اکتفا کردند و او را سرزنش نکردند.^۱

* - همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله بر دو مردیکه در خانه‌های‌شان نماز خوانده و به مسجد خیف آمدند و در آخر مسجد نشستند، تندی و خشونت نکردند، بلکه آن‌ها را توجیه و توصیه نمودند تا کاری کنند که شک و شبهه از آندو رفع گردد، زیرا شاید برخی گمان می‌نمودند که آن‌ها نماز نخوانده‌اند، پس دور کردن شک و شبهه از آندو مهم‌تر و اولی‌تر از دیگر امور بود.^۲

* - چنانکه آنحضرت صلی الله علیه و آله به دو مرد تنومندیکه خواستار صدقه از آنحضرت صلی الله علیه و آله شدند، سرزنش و یا سخن زشت نگفتند، بلکه آندو را با سخنان پر از حکمت‌شان در موقفی قرار دادند که خود آن‌ها راضی به نگرفتن صدقه شدند^۳، که این روش نشان دهنده بردباری و حکمت عالی آنحضرت صلی الله علیه و آله در برخوردشان با دیگران است.

پس آیا طلاب علم و دعوتگران این راه و روش نبوی را در دعوت‌شان عملی می‌نمایند؟ با تأسف برخی از مردم پند و اندرزشان با زشتی و تندی، سخنان‌شان مملو از تهدید، تحقیر و سرزنش بوده، و در آموزش و تعلیم، دیگران را به نادانی و بیخردی نسبت می‌دهند، که اینچنین شیوه نادرست و غلط نه تنها اصلاح نمی‌آورد بلکه خطا و گناه و فساد را بیشتر رشد داده، و مردم را بر انجام اعمال زشت و فسادکاری بیشتر از پیش می‌کشاند، شاید بعضی ملاقات با چنین دعوتگران را نپذیرفته و تصمیم بر قطع رابطه و ترک آن‌ها را گیرند!

ای کاش که اینچنین مردمان با خطا کاران مقابل نمی‌شدند و آن‌ها را برحال خودشان می‌گذاشتند و به سوال‌های آن‌ها پاسخ نمی‌گفتند، توصیه‌ما به کسانی که خداوند جل جلاله به آن‌ها علم دین عطا نموده و آن‌ها را بمنظور پخش و نشر آن برگزیده است، اینست که از خداوند جل جلاله بهراسند از تندی، درشتگویی، خشونت، توهین، تحقیر و

^۱ - متفق علیه.

^۲ - جامع ترمذی: ۲۹۱، حسن صحیح، با تصحیح البانی در صحیح سنن ترمذی: ۱۸۱.

^۳ - سنن ابوداود: ۱۶۳۳، با تصحیح البانی در صحیح سنن ابوداود: ۱۴۳۸.

تهدید مردم بپرهیزند، و از اخلاق و آداب و کردار پیامبر بزرگ اسلام ﷺ پیروی نموده مردم را از دین سهل و آسان، دلسرد و گریزان نسازند.

* - اجتناب از زحمت و سختگیری بر مردم:

یکی از بزرگ‌ترین عوامل کامیابی و موفقیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ در رهبری و قیادت این جمعیت انبوه مردم در حج، آسان‌گیری، و ترک امور بغرنج و پیچیده، و عدم تکلف بود، بلکه همه مسایل را بطور آسان و با شفافیت بیان می‌نمودند. و هرگاه کسی در ارشادات و رهنمودهای ایشان ﷺ هنگام قیادت مردم در حج دقت نماید، درخواهد یافت که هدف و غایه مردم آشکار و روشن، مرجع و مقام رهبری آنان بارزو معین، قوانین و احکام حج معلوم و واضح، و خط سیر حجاج معروف، زمان و مکان مناسب، حج تحدید و تعیین شده بود، که اینکار خود، رعیت را آگاه و باخبر از امور متعلق بحج گردانیده و هر شخصی می‌دانست که چه درپیش دارد و چه چیزی را باید انجام دهد و یا ندهد.

پس اگر روزی سرپرست یا مسؤول بخشی از امور حجاج مقرر شدی، تلاش نما تا وظایف‌ات را با آگاهی تمام، دور از سختگیری بر رعیت، و ترک دشواری و پیچیدگی برآنان انجام دهی.

* - محبت و مهربانی با مردم:

پیامبر اکرم ﷺ از اخلاق عالی برخوردار بودند، ایشان ﷺ نرم‌خو، پر مهر و پر لطف، مهربان و مشفق، چهره بشاش، خوش خلق، و سینه فراخ داشتند، هرگاه با کسی روبرو می‌شدند متبسم می‌بودند، و اگر صحبت می‌نمودند، تبسم در چهره‌شان نمایان می‌شد، ایشان با اصحاب کرام خوشوقتی و خوش طبعی نموده، خوشی و سرور را بر دل‌های‌شان داخل می‌نمودند^۱. روایاتی زیادی وجود دارد که آنحضرت ﷺ در حج نیز با یاران‌شان محبت و خوش طبعی می‌نمودند، قسمی که عبدالله بن عباس رضی الله عنه حکایت نموده است: «ما بچه‌های بنی عبدالمطلب نزد پیامبر خدا ﷺ در مزدلفه آمدیم، درحالی که بر مرکب‌های ما سوار بودیم ایشان با دستشان آهسته بر ران‌های ما زده فرمودند: ای پسران عزیزم! تا که آفتاب طلوع نکرده بر جمره سنگریزه

^۱ - مختصر شمایل از ترمذی: ۲۰۰-۲۰۵، اخلاق النبی ﷺ و آدابه از اصبهانی: ۱۸-۲۰۷.

پرتاب نکنید»^۱.

برادر مسلمان! توهم در حج هنگامی که با مردم ملاقی می‌شوی، با چهره گشاده، خوش و خندان، سیمای پر از مهر، گفتار خوش، و رفتار نیک تعامل نما، تا دوستی و محبت آنان را کسب نموده و سخنان را با سینه فراخ بپذیرند، و از ثواب و پاداش بزرگ در نزد خداوند ﷻ برخوردار گردی.

* - سنگینی، وقار و مظهر نیک پیامبر اکرم ﷺ:

پیامبر اکرم ﷺ در موسم حج نیزمانند همیشه، از وقار، روش نیک، مظهر زیبا، و چهره درخشان و تابان برخوردار بودند، ایشان توجه به مظهرشان داشتند و هیچکسی زیبا و خوش اندام‌تر از ایشان ﷺ دیده نمی‌شد، ایشان موی سرشان را تکریم می‌نمودند و در حج موی سرشان را با مواد چسبناکی یکجا نمودند تا در مسیر راه مکه پریشان نشود.^۲ و در هنگام احرام بستن و در وقت بیرون شدن از احرام خویش را با بهترین عطر خوشبو می‌نمودند.^۳ همچنان قبل از احرام بستن غسل نمودند.^۴ و قبل از ورود به مکه نیز غسل نمودند.^۵ همچنان آنحضرت ﷺ از وقار و سنگینی برخوردار بودند، و هیچگاهی سخنان و حرکات ناشایسته از ایشان صادر نشده است.^۶ بنابراین دوستی و محبت و تقدیر بیش از حد ایشان در دل‌های مردم جاداشت، ایشان ﷺ در نظر همه مردم، بزرگ، عظیم، محترم، معزز و با هیبت بودند، شواهد و دلایل بی‌شماری در این مورد موجود است که بطور مثال حدیث حارث بن عمرو السهمی رضی الله عنه را ذکر می‌نماییم که فرمود: «نزد رسول الله ﷺ در عرفات یا منا آمدم و مردم در اطرافشان حلقه زده بودند، مردمان بادیه می‌آمدند و هنگامی که چهره ایشان را می‌دیدند، می‌گفتند: «این چهره مبارکی است»^۷.

^۱ - سنن ابن ماجه: ۳۰۲۵، با تصحیح البانی در صحیح ابن ماجه: ۲۴۵۱.

^۲ - صحیح بخاری: ۴۳۹۸.

^۳ - صحیح مسلم: ۱۱۸۹، سنن دارمی: ۱۸۰۱.

^۴ - جامع ترمذی: ۸۳۰، حدیث حسن غریب است و البانی آن را در صحیح سنن ترمذی صحیح خوانده: ۶۶۴.

^۵ - صحیح مسلم: ۱۲۵۹.

^۶ - سنن نسایی: ۳۰۲۴، با تصحیح البانی: ۲۸۲۷، و مسند احمد: ۱۸۱۶، با اسناد صحیح.

^۷ - سنن ابوداود: ۱۷۴۲، با نحسین البانی: ۱۵۳۲.

پس برادر ارجمند! به مظهر خود توجه و اهتمام نما، و خویشتن را به حیاء، ادب، وقار، تواضع آراسته نما، از خندیدن بسیار و بی‌مورد بیرهیز، و از زیاده روی و افراط در مزاح و شوخی حذر کن، هرگاه این صفات را در خویش آراسته نموده و جامه عمل پوشاندی، بدان که سخنان تو در اعماق دل‌های مردم جا خواهد گرفت.

صفاتی که یادآور شدیم بخش کوتاهی از مظاهر کمال و صفات بزرگ پیامبر اکرم ﷺ در حج بود، این صفات و ویژگی‌های بود که مردم را به پیامبر ﷺ نزدیک ساخته، ایشان ﷺ را محبوب دل‌ها گردانیده و پیشوایی ساخته بود، که دل‌ها به سوی‌شان متمایل می‌گشت و با اخلاص تام از ایشان ﷺ پیروی نموده و بر تنفیذ اوامرشان سبقت می‌جستند.

پس کسانی که خواهان امامت و پیشوایی مردم‌اند، و آرزو دارند که مردم از آنان پیروی نمایند، باید خود را در برابر صفات حمیده و کارنامه‌های بزرگ پیامبر اسلام ﷺ قرار داده موقعیت خویش را در جامعه خویش دریابند، که آیا شایسته این مقام و منصب هستند یا نه؟ خاطر نشان باید کرد، کسی که صفات و اخلاق و کارنامه‌های پیامبران خداوند ﷺ را در خود آراسته و پیراسته ننماید، و راهی را که آن‌ها پیموده‌اند نپیماید، هرگز پیشوایی و رهبری مردم را بدست نخواهد آورد.

و در خاتمه

بعد از شکرگذاری خداوند عز وجل از برادرانی که در تهیه این کتاب با من همکاری نموده و از نظریات گرانبهایشان مرا مستفید ساخته‌اند، صمیمانه سپاسگذارم. و آنچه که در صفحات گذشته به رشته تحریر درآورده شده است، درخششی از احوال پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که بوسیله بنده ناتوان با عجله و شتاب گردآورده شد، و از خداوند مهربان و بخشاینده مسئلت دارم که این کوشش بنده عاجز را مثمر و مفید گردانیده و به بارگاهش قبول فرماید و آن را توشه‌ای برای برادران و خواهران مسلمان قرار دهد تا بتوانند در پرتو آن حج مبرور را انجام دهند، و بخشوده شده از همه گناهان به خانه‌هایشان برگردند.

موضوع این کتاب بالاتر از آنست که بنده عاجز و ناتوانی مانند من آن را با تفصیل و بطور کامل جمع‌آوری نماید، بلکه نیاز به بحث و جستجو و دقت و بازرسی و رسیدگی کامل و دقیق دارد، از خداوند عز وجل آرزو دارم تا کسی از اهل علم و دانش را توفیق عطا فرماید که این موضوع را دقیق‌تر و مفصل‌تر جمع‌آوری کند و حق آن را چنان‌که شایسته است ادا نماید، موفقیت و کام‌گاری تنها بدست خداوند عز وجل است و تنها به او باید امیدوار بود، پس او ما را کافی است و او تعالی بهترین کارساز است.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه و من سار علی نهجه و اقفنی أثره إلی یوم

الدین.